

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۸

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۰/۰۳/۱۳۹۶ شورای نگهبان**

ویراستاران و مستندسازان:

شهاب اقبال و مصطفی خادم‌الحسینی

بازبینان:

حسین امینی پزوه و سید احمد حسینی‌پور

ناظر علمی:

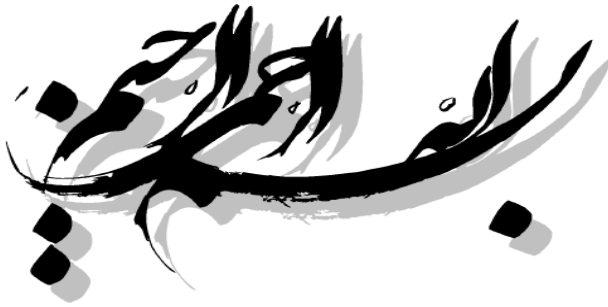
کاظم کوهی اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱۰/۰۳/۱۳۹۶ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
	بحثی در خصوص نحوه اصلاح قوانینی که به دلیل مغایرت با موازین شرعی، به موجب
۳	اصل (۴)، ابطال شده‌اند.....
	طرح اصلاح ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف
۸	سوخت.....
۱۵	لایحه هوای پاک.....
۹۷	لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان.....

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

بحثی در خصوص نحوه اصلاح قوانینی که به دلیل مغایرت با موازین شرعی، به موجب اصل (۴)، ابطال شده‌اند

آقای کدخدائی - ببخشید من متنی^(۱) را خدمت آقایان اعضا دادم، نمی‌دانم آقایان نسبت به آن فرمایشی داشتند یا نه.

آقای علیزاده - اینکه از مجلس آمده بود را می‌فرمایید؟

آقای کدخدائی - بله، همان متنی که آقای رضایی [= یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی] داده‌اند.

آقای اسماعیلی - حالا می‌خواهید بگذارید تا بعداً راجع به آن بحث کنیم.

آقای کدخدائی - نه، من می‌خواهم فقط توضیحی در خصوص آن بدهم؛ بعداً در خصوص آن نظر می‌دهیم. ظاهراً مجلس می‌خواهد که با این پیش‌نویس، این [وضعیت قوانین و مقرراتی که به دلیل مغایرت با موازین شرع، بر اساس اصل (۴) قانون اساسی، از سوی فقهای شورای نگهبان ابطال می‌شود] را به آن شکلی که در متن نوشته‌شده در پشت این ورقه آمده است، اصلاح بکند. حالا مخصوصاً آقایان فقهای معظم که آن بحث شرعی [مربوط به اصل (۴) قانون اساسی] را عهده‌دار هستند، توجه بفرمایند. [در این پیش‌نویس طرحی که به ما داده‌اند] اینها می‌خواهند شیوه‌ای را در نظر بگیرند، به این صورت که می‌خواهند بگویند [قوانین و مقرراتی که بر اساس اصل (۴)، توسط فقهای شورای نگهبان به دلیل مغایرت با شرع ابطال می‌شود] به منزله‌ی یک مصوبه‌ای باشد که دوباره به مجلس اعاده می‌شود [و مجلس موظف است مطابق نظر شورای نگهبان، آن ایرادها را بررسی و اصلاح کند]. الآن این متن را برای نظرخواهی به ما داده‌اند. نمایندگان می‌توانستند خودشان مستقلاً بروند و [این متن را در قالب یک «طرح»] ارائه کنند و [در مجلس نسبت به آن] تصمیم‌گیری بکنند. من گفتم خوب است قبلاً این متن خدمت آقایان اعضا تقدیم بشود تا اگر آقایان نظری نسبت به آن دارند، بفرمایند تا ما به مجلس منتقل کنیم. حالا اگر لازم می‌دانید [آن را بررسی کنیم و نظرمان را به مجلس منتقل کنیم]، اگر هم لازم نمی‌دانید بگذاریم تا هر

۱. متن مزبور به دلیل آنکه به صورت غیر رسمی و به صورت پیش‌نویس «طرح»، به شورای نگهبان واصل شده بود، در اسناد و مدارک موجود، یافت نشد.

وقت مصوبه‌اش [به صورت رسمی] از مجلس آمد، آن موقع راجع به آن اظهار نظر کنیم.

آقای اسماعیلی - نه، به نظرم خوب است که راجع به آن بحث کنیم.

آقای ابراهیمیان - بله، اگر راجع به این بحث کنید، خوب است. چرا دوباره کاری بشود؟

آقای کدخدائی - حاج آقا، اگر مصلحت می‌دانید اصلاً ما بررسی این موضوع را در دستور جلسه‌ی بعدی مان بگذاریم.

آقای یزدی - قانون اساسی این وظیفه [ابطال قوانین و مقررات مغایر با موازین شرع] را به عهده‌ی فقهای شورای نگهبان گذاشته است؛ یعنی گفته است اگر حداقل چهار نفر از فقهای شورای نگهبان گفتند یک چیزی خلاف شرع است، آن چیز قانوناً خلاف شرع است [و دیگر نمی‌توان به آن عمل کرد]. یعنی کسی نمی‌تواند [این نظر فقهای شورای نگهبان را] رد کند. حالا اینجا [در این پیش‌نویس] می‌خواهند چه کار کنند؟

آقای علیزاده - در اینجا می‌خواهند این قانون ابطال‌شده را از نو به عنوان یک مصوبه‌ی [اعاده‌ای] قرار بدهند.

آقای کدخدائی - بله دیگر.

آقای یزدی - یعنی عملاً نخواستند که این ابطال را قبول کنند.

آقای علیزاده - یعنی می‌گویند ما این را قبول نداریم.

آقای اسماعیلی - در این موارد که قبول دارم یا قبول ندارم، معنی ندارد. فقها هر چه گفتند [و تشخیص دادند، همان لازم‌الرعایه است].

آقای یزدی - اینها می‌خواهند یک راه قانونی برایش درست کنند؛ یعنی می‌خواهند بگویند مصوبه‌ی فقهای شورای نگهبان [در خصوص ابطال یک مقرر یا قانون] وقتی به مجلس داده می‌شود، به منزله‌ی مصوبه‌ی اعاده‌شده از شورای نگهبان است.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - خب اینکه می‌گویند این به منزله‌ی مصوبه‌ی اعاده‌شده از شورای نگهبان است، یعنی چه؟ آیا یعنی دوباره آن را در مجلس رسیدگی می‌کنند و اگر مصلحت دانستند، [به نظر فقهای شورای نگهبان] عمل می‌کنند و اگر مصلحت ندانستند، عمل نمی‌کنند؟!

آقای علیزاده - بله، [یعنی ممکن است عمل به نظر فقهای شورا را به مصلحت ندانند و] بعد آن را [مطابق اصل (۱۱۲) قانون اساسی، برای حل اختلاف] به مجمع تشخیص مصلحت نظام بفرستند.

آقای یزدی - خوب آیا این، درست است؟ این، خلاف قانون اساسی نیست؟

آقای علیزاده - اصل (۴) خودش می گوید من بر عموم و اطلاق اصول قانون اساسی و همه ی قوانین، حاکم هستم. [یعنی وقتی فقهای شورای نگهبان قانون یا مقرره ای را خلاف شرع دانستند و آن را ابطال کردند] آن موضوع، دیگر تمام شده است و اینها [= مجلس] هم باید بپذیرند که آن قانون، خلاف شرع است. خلاف شرع، خلاف شرع است دیگر.

آقای یزدی - عرض من روشن شد یا نه؟ آیا این، خلاف قانون اساسی نمی شود؟ یعنی اگر برای اینکه بخواهند یک راه قانونی برای قوانین و مقررات ابطال شده درست بکنند، مصوبه ای را در مجلس تصویب کنند که بگویند این مقرره ای ابطال شده، به عنوان مصوبه ای اعاده شده از شورای نگهبان به مجلس می آید، این یعنی آنها در این موارد، حق دخالت پیدا می کنند. خوب این، خلاف قانون اساسی است.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر.

آقای علیزاده - این خلاف است.

آقای اسماعیلی - اصلاً اطلاق «مصوبه ای اعاده شده» به این موارد، غلط است. وقتی چیزی ابطال شد، تمام شد رفت دیگر.

آقای علیزاده - بله، تمام شد رفت.

آقای اسماعیلی - [پس از اعلام ابطال،] دیگر چیزی نمانده است که.

آقای علیزاده - بله، ضمن اینکه این [ابطال قوانین و مقرراتی که به صورت موردی، به دلیل مغایرت با موازین شرع، ابطال می شوند] با آن قوانین سابق [که مصوب پیش از انقلاب است و اصلاً در شورای نگهبان بررسی نشده اند] خیلی فرق دارد.

آقای مدرسی یزدی - نمایندگان مجلس اگر می خواهند [آن قانون یا مقرره ای ابطال شده را] اصلاح کنند، خودشان بروند «طرحی» به مجلس ارائه کنند یا دولت «لایحه ای» بدهد، [سپس اگر آن مصوبه ای اصلاحی به تأیید شورای نگهبان نرسید، مطابق اصل (۱۱۲)، آن را] به مجمع تشخیص مصلحت ببرند و [از طریق قانونی] آن را اصلاح کنند.

آقای علیزاده - بله، ما الآن باید بگوییم که این را قبول نداریم.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - خیلی خوب، سراغ بررسی مصوبات برویم.

آقای یزدی - نه، من می‌خواهم بگویم اصولاً این طرح، خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بله، خلاف اصل (۴) است.

آقای یزدی - به خاطر اینکه در قانون اساسی می‌گوید مصوبه‌ی فقهای شورای نگهبان [در خصوص اعلام مغایرت یک ماده‌ی قانونی یا یک مقرره]، خلاف شرع است. اما این طرح می‌خواهد بگوید این مصوبه‌ی شورای نگهبان به عنوان مصوبه‌ی اعاده‌شده به مجلس بیاید، اگر مجلس آن مصوبه‌ی اعاده‌شده از سوی شورای نگهبان را مصلحت دانست و پذیرفت که خلاف شرع است، خلاف شرع است، و اگر نپذیرفت، نه. خوب این، خلاف قانون اساسی است.

آقای اسماعیلی - البته آن چیزی که الآن اینها می‌گویند خوب است؛ منتها ما بعداً در عمل به مشکل بر می‌خوریم.

آقای یزدی - با این طرح، در عمل، مجلس می‌تواند نتیجتاً این [تشخیص شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن یک قانون یا مقرره] را رد کند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - الآن اینها می‌گویند شما تأیید این طرح را به ما بدهید تا ما بر اساس این طرح، تمام قوانین خلاف شرع را خودمان نسخ کنیم؛ منتها حالا فردا ممکن است یک کسی بیاید و این کار را نکند [و نظر فقهای شورای نگهبان در این خصوص را نپذیرد].

آقای یزدی - بله.

آقای مدرسی یزدی - نه، اصلاً این فرجه‌اش خلاف شرع است؛ چون که نمی‌شود [قانون یا مقرره‌ای که مغایر با شرع شناخته شده و ابطال شده است، پس از ابطال] در کشور اجرا بشود. فرض کنید مثلاً یک حرام بیینی در یک قانونی آمده باشد.

آقای علیزاده - بله، اصلاً این، خلاف است؛ چون به طور کلی این طرح، می‌خواهد اصل (۴) را تقیید بکند و حال آنکه اصل (۴) می‌گوید من بر سایر اصول قانون اساسی

و هر قانون دیگری، حاکم هستم.

آقای کدخدائی - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله، ما می‌گوییم اصل (۴) می‌تواند حتی خودِ قانون اساسی را

هم تقیید بکند.

آقای یزدی - بله.

طرح اصلاح ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت آقای گدخدائی - دستور اول: «طرح اصلاح ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت»^(۱)

ماده ۱- در ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۸،^(۲) عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش حمل و

۱. طرح اصلاح ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۱۶/۱۴۶۵۰ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۳۸۰ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- دولت مکلف است در جهت توسعه حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری کشور و مدیریت بر مصرف سوخت نسبت به بهینه‌سازی عرضه خدمات حمل و نقل (از طریق اصلاح و توسعه شبکه حمل و نقل ریلی، برقی کردن خطوط و اجرای علائم و تأسیسات و ارتباطات، افزایش سرعت در شبکه ریلی، یکپارچه‌سازی و ساماندهی مدیریت حمل و نقل، اصلاح قیمت‌ها، ایمن‌سازی و بهبود تردد، به‌سازی و از رده خارج نمودن خودروهای فرسوده سبک و سنگین مسافری و باری درون و برون‌شهری، تبدیل خودروهای بنزین‌سوز و گازوئیل‌سوز به دوگانه‌سوز، الزام معاینه فنی، توسعه ناوگان حمل و نقل همگانی ون و مینی‌بوس و مدی‌بوس و اتوبوس، استفاده از سامانه هوشمند حمل و نقل، ساخت و توسعه شبکه آزادراه‌ها و بزرگراه‌های بین شهری، حمل ترکیبی کالا از مبدأ تا مقصد نهایی با شبکه ریلی و شبکه مکمل جاده‌ای، الزام به داشتن توقف‌گاه در انواع کاربری‌ها، احداث توقف‌گاه‌های عمومی، ساماندهی و ایجاد توقف‌گاه‌ها و پایانه‌های بار و مسافر شهری و برون‌شهری اعم از ریلی و جاده‌ای در نقاط مناسب از شهرها و حومه آن، افزایش امنیت و قابلیت اطمینان و دسترسی، بهینه‌سازی تقاضای حمل و نقل (از طریق اصلاح فرایندهای اداری، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، اصلاح کاربری زمین و آمایش سرزمین، اعمال محدودیت‌های ترافیکی، آموزش و فرهنگ‌سازی)، بهینه‌سازی مصرف انرژی (از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت، احداث جایگاه‌های عرضه گاز، حمایت از ابداعات و اختراعات مؤثر در کاهش مصرف سوخت)، بهینه‌سازی تولید خودرو (از طریق تولید خودروهای گازسوز، تأمین تجهیزات استفاده از گاز توسط خودروها، حمایت از تولید خودروهای برقی، دو نیرویی (هیبریدی) و کم‌مصرف، استانداردسازی تولید خودروی سبک و سنگین و موتورسیکلت در مصرف سوخت و کاهش آلاینده‌گی) و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی،

نقل با استفاده از کارت هوشمند سوخت» جایگزین عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت» می‌شود.»

آقای یزدی - آقای دکتر، این کارتابل ما که مصوبات داخلش بوده است را دوباره برده‌اند. هیچ چیزی داخلش نیست.

منشی جلسه - حاج آقا، این مصوبه فعلاً پیش شما باشد تا من کارتابلتان را پیدا کنم.

آقای مؤمن - حالا آن ماده با این اصلاحیه، چه تغییری پیدا کرده است؟

آقای علیزاده - حالا هر چه شده باشد؛ اینکه اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - آنجا فقط عبارت «با استفاده از کارت هوشمند سوخت» آمده بود، اینجا «با اولویت کارت هوشمند سوخت» آمده است. چیز خاصی نیست.

آقای علیزاده - بله، اینجا «با اولویت کارت هوشمند سوخت» آمده است. البته که این اصلاحیه، اشکالی ندارد. خوب، دیگر چه گفته‌اند؟ بله، «ماده ۲- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت الحاق می‌شود.»

تبصره- دولت مجاز است به منظور ترغیب مصرف‌کنندگان به استفاده از کارت هوشمند سوخت مختص هر خودرو از سیاست‌های انگیزشی در چهارچوب قوانین و مقررات استفاده کند.»

آقای اسماعیلی - خوب، هم گفته است دولت مجاز است و هم گفته است این کار باید در چهارچوب قوانین و مقررات باشد.

آقای علیزاده - بله، بنابراین ظاهراً این ماده هم اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - البته به نظر من، فی‌الواقع اشکال دارد.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - اما با این حال، نمی‌شود ایرادی به آن گرفت؛ یعنی ما نمی‌توانیم ایراد بگیریم؛ چون وقتی این کار را می‌کنند، یعنی وقتی استفاده از کارت سوخت

الزامی نباشد، سوخت‌های زیادی به بیرون کشور قاچاق می‌شود.

آقای اسماعیلی - بله، درست است. کار خوبی نیست، ولی غیر قانونی نیست.

آقای مدرسی یزدی - الان سوخت‌های زیادی قاچاق می‌شود.

آقای عزیزاده - این چیزی که شما می‌گویید، مصلحت است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، فی الواقع مصلحت بین است و مصلحت بین، باید رعایت بشود.

آقای عزیزاده - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - نباید رعایت بشود!؟

آقای عزیزاده - نه، اشکالش چیست؟

آقای مدرسی یزدی - چون به کشور ضرر می‌خورد. سوخت ما را می‌دزدند، به دشمنان ما می‌دهند و علیه ما استفاده می‌شود. دیگر از این حرام‌تر می‌شود چیزی پیدا کنید!؟

آقای ابراهیمیان - حاج‌آقا، اصلاً برای چه می‌خواهند این کار را بکنند؟ چون اصلاً این کارت هوشمند سوخت برای کنترل مصرف سوخت است.

آقای عزیزاده - مگر چقدر از سوخت ما را می‌برند؟ در مقابل کل بنزینی که می‌گیرند، چقدرش را می‌برند که ما بگوییم مصلحت بین است؟ آخر این چه فرمایشی است؟

آقای مدرسی یزدی - هر چه ببرند، فرقی نمی‌کند. منتها می‌دانیم که اینجا کسی به این اشکال رأی نمی‌دهد.

آقای ابراهیمیان - اصلاً الان همه کارت سوخت را دارند، چرا اینها می‌خواهند این کار را بکنند؟

آقای اسماعیلی - حالا ما چه می‌دانیم؟ هر کاری می‌خواهند بکنند.

آقای مدرسی یزدی - خیلی مسئله‌ی مهمی است. قبلاً می‌گفتند چقدر از سوخت ما را طالبان و مانند اینها می‌برند.

آقای ابراهیمیان - چقدر برای این کارت سوخت خرج کردند!

آقای عزیزاده - ببینید؛ مصوبه‌ی قبلی [= ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی، مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۸] اشکال داشت. الان آمده‌اند تنها چیزی را که اصلاح کرده‌اند، این است که بخش کشاورزی را حذف کرده‌اند. کشاورز که هیچ وقت این سوخت‌ها را به بیرون کشور نمی‌فرستد. آن قسمتی که قاچاق سوخت می‌کردند، بخش حمل و نقل بوده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، بقیه‌ی بخش‌ها هم بوده است.

آقای علیزاده - چرا؛ گفته است: «... عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش حمل و نقل با استفاده از کارت هوشمند سوخت»، جایگزین عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت» می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - الآن به اسم کشاورزی سوخت را می‌گیرند و به خارج از کشور می‌برند؛ نه اینکه برای کشاورزی باشد، به اسم کشاورزی می‌گیرند. واقعاً این‌طور سوخت کشور ضایع می‌شود و باید استفاده از کارت سوخت الزام بشود؛ ولی خب، [می‌دانم که این اشکال، رأی نمی‌آورد].

آقای علیزاده - اصلاً اول که همین‌طور [«از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل»] بوده است. تازه الآن یکی را کم کرده است؛ الآن بخش کشاورزی را کم کرده است.

آقای مدرسی یزدی - الآن هم همین است. به اسم کشاورزی سوخت را می‌گیرند و قاچاق می‌کنند.

آقای علیزاده - ببینید؛ گفته است: «... عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش حمل و نقل با استفاده از کارت هوشمند سوخت»، جایگزین عبارت «از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخش‌های حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت» می‌شود.» الآن بخش‌هایی را از آن کم کرده است.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، مثل اینکه این‌طوری اولویت را کم کرده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، قبل از این هم ظاهراً الزام نبوده است. حالا یک ذره [عدم الزام به استفاده از کارت هوشمند سوخت را] سفت‌تر کرده است.

آقای ابراهیمیان - استفاده از کارت هوشمند سوخت را الزامی کرده است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی می‌گویم استفاده از کارت سوخت باید الزام باشد.

آقای علیزاده - الآن کمش کرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - این مثل این است که الآن یک کسی بگوید اولویت این است که کسی شرب خمر نکند!

آقای ابراهیمیان - درست است.

آقای موسوی - قبلش استفاده از کارت سوخت الزامی بوده است؛ الآن با اولویت استفاده از کارت سوخت جایگزین شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، یعنی الآن استفاده از کارت سوخت الزامی نیست.

منشی جلسه - نه، قبلش با اولویت استفاده از کارت هوشمند سوخت بوده است آقای دکتر؛ الآن دیگر استفاده از کارت سوخت قطعی شده است.

آقای ابراهیمیان - الآن استفاده از کارت سوخت الزامی شده است، ولی الآن [بخش صنعت و کشاورزی را حذف کرده است].

آقای مدرسی یزدی - استفاده از کارت سوخت الزامی نشده است؛ اگر الزامی می‌شد، خوب بود.

آقای علیزاده - آقا جان، الآن قسمت دوم را حذف کرده است. حضرت آقا، الآن اولویت استفاده از کارت سوخت را برداشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - من الآن ورقه‌ام را گم کردم، ولی قبلاً نگاه کرده‌ام.

آقای علیزاده - بله، ماده‌ی اول را ببینید. اول می‌گوید این عبارت جایگزین آن عبارت قبلی می‌شود. الآن استفاده از کارت سوخت را محکم‌تر کرده است.

آقای ابراهیمیان - قبلاً عبارت «با اولویت استفاده از کارت هوشمند سوخت» آمده بود، الآن عبارت «استفاده از کارت هوشمند سوخت» جایگزین عبارت قبلی شده است.

منشی جلسه - حاج آقا، قبلاً گفته بود اولویت با کارت سوخت است، ولی الآن می‌گوید اصلاً به غیر از استفاده از کارت سوخت نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، کجا این را می‌گوید؟ می‌گوید دولت مجاز است؛ کجا دارد الزام می‌کند؟ گفته است دولت مجاز است این کار را بکند.

منشی جلسه - خب حاج آقا، آن قسمت که گفته است دولت مجاز است، قبلاً هم مجاز بوده است.

آقای علیزاده - آن قسمت را که برنداشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - بله؟

آقای علیزاده - آنها را که برنداشته‌اند.

آقای یزدی - ماده (۱) اصلی [= ماده (۱) قانون توسعه‌ی حمل و نقل عمومی و

مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۸] می‌گوید: «ماده ۱- دولت مکلف است در جهت توسعه حمل و نقل درون شهری ...» تا می‌رسد به آن عبارت «با اولویت کارت هوشمند سوخت».

آقای مدرسی یزدی - من می‌گویم این که گفته است دولت مجاز است، باید بگوید که لازم است که دولت این کار را بکند.

آقای علیزاده - کجا را می‌فرمایید؟

آقای مدرسی یزدی - تبصره را می‌گویم.

آقای کدخدائی - شما ماده (۲) را می‌فرمایید. ما داریم راجع به ماده (۱) بحث می‌کنیم حاج‌آقا. در ماده (۱)، با جایگزین کردن عبارت، اولویت استفاده از کارت سوخت را برداشته است.

آقای علیزاده - نه، تبصره‌ی ماده (۲) می‌گوید دولت مجاز است با سیاست‌های تشویقی این کار را بکند؛ یعنی به آنهایی که کارت سوخت دارند، یک جایزه‌ای بدهد.

منشی جلسه - حاج‌آقا، ما ماده (۱) را می‌گوییم.

آقای مدرسی یزدی - خب من می‌گویم باید استفاده از کارت سوخت را اجباری بکنند.

آقای ابراهیمیان - نه حاج‌آقا، این تبصره سیاست‌های ترغیبی را اجازه داده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - این جواز، به سیاست‌های ترغیبی دولت می‌خورد، نه به خود

[استفاده از کارت سوخت]. گفته است دولت مجاز است به منظور ترغیب مصرف-

کنندگان از سیاست‌های انگیزشی استفاده کند.

آقای علیزاده - وقت را نگیریم. این الآن اشکالی ندارد. حداقل آن بالا در صدر ماده، آن را از قبل بهتر کرده‌اند.

منشی جلسه - اینجا استفاده از کارت سوخت را قطعی کرده است.

آقای مدرسی یزدی - کجا؟ کجا قطعی بودن را دارد می‌گوید؟ می‌گوید: «از طریق

عرضه بنزین و گازوئیل در بخش حمل و نقل با استفاده از کارت هوشمند سوخت».

منشی جلسه - یعنی اصلاً غیر از استفاده از کارت سوخت نمی‌شود از سوخت استفاده

کرد. قبلاً گفته بود اولویت با آنهایی است که کارت سوخت دارند.

آقای عزیزاده - این که اشکالی ندارد. اولویت اینهایی که کارت سوخت دارند را برداشته است.

منشی جلسه - حاج آقا، استفاده از کارت سوخت را سفت تر کرده است!

آقای عزیزاده - خیلی خب، حضرات آقایان فقهای که این مصوبه را خلاف شرع می دانند، اعلام رأی بفرمایند. مجموعاً حضرات آقایانی که این ماده را خلاف قانون اساسی می دانند، اعلام رأی بفرمایند.^(۱)

آقای عزیزاده - دستور بعدی را بخوانید.

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۳۸۰ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۱۶/۱۴۶۵۰ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۱۳۲۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۸، طرح اصلاح ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، مصوب جلسه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه هوای پاک

منشی جلسه - دستور بعدی «لایحه هوای پاک»^(۱) است.

آقای عزیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - آقای دکتر کاشانی گفته‌اند هوای تهران با «لایحه» پاک نمی‌شود.

درست هم گفته‌اند؛ هوای تهران با لایحه پاک نمی‌شود!

آقای مدرسی یزدی - بله، پس حتماً باید «طرح» بیاورند؟! با «طرح» باید پاک بشود؟!!

آقای عزیزاده - پاک به معنای تمیز است. باید بگویند هوای تمیز. هوای پاک که معنا ندارد.

آقای ابراهیمیان - دکتر کاشانی می‌گوید باید راه حل‌های مؤثری دیده شود، اما اینها هیچ کدامش مؤثر نیست.

منشی جلسه - «ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این قانون دارای معانی مشروح زیر است:

۱- آلودگی هوا: عبارت است از انتشار یک یا چند آلاینده اعم از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان‌ساخت به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم‌شناختی

۱. لایحه هوای پاک با عنوان اولیه لایحه اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۸۳/۱۴۶۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ به مجلس اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۲۰۹۰ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

(اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح

رفاه عمومی گردد.»

آقای شب زنده‌دار - آقای دکتر، استفاده از واژه‌ی «یون» اشکالی ندارد؟

آقای مؤمن - «یون» یعنی چه؟

منشی جلسه - نمی‌دانم.

آقای شب زنده‌دار - یعنی اتم یا آن مولکول‌هایی که بار الکتریکی دارند.

آقای عزیزاده - یون یک چیز بارداری است که در اجسام وجود دارد.

آقای شب زنده‌دار - مولکول‌ها یا اتم‌هایی است که بار مثبت یا منفی دارند.

آقای مؤمن - معادل فارسی ندارد؟ خلاف اصل (۱۵) نیست؟

آقای عزیزاده - مولکول هم یک اصطلاح است.

آقای کدخدائی - حاج آقا، اینجا اگر هر کدام از واژه‌های یون یا اتم را بیاورند، باز هم

همین می‌شود.

منشی جلسه - حاج آقا، یون یک اصطلاح است.

آقای کدخدائی - من می‌گویم اگر هر کدام از این واژه‌ها را هم بخواهند اینجا

بیاورند، همه‌اش [همین مشکل را دارد].

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، به کار بردن این کلمات خلاف قانون اساسی است.

اگر معادل فارسی دارد، باید آن را بنویسند.

منشی جلسه - حاج آقا، اینجا [در اینترنت] گفته است یون به اتم‌ها یا مولکول‌هایی گفته

می‌شود که بار الکتریکی اضافه داشته باشد.

آقای یزدی - خود واژه‌ی یون لغت فارسی است یا نه؟

آقای کدخدائی - معادل فارسی دارد؟

آقای عزیزاده - ذره‌ی باردار را یون می‌گویند. آقایان، این‌طور نیست؟ ما آن زمان که

درس می‌خواندیم، به ذره‌ی باردار یون می‌گفتند.

منشی جلسه - نه، گفته است یون به اتم‌ها یا مولکول‌هایی گفته می‌شود که بار

الکتریکی اضافه داشته باشد.

آقای عزیزاده - بله دیگر؛ به ذره‌ی باردار یون می‌گویند.

آقای ابراهیمیان - بله، یون ذره‌ی باردار است.

آقای کدخدائی - آخر ذره خودش متشکل از مولکول است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، استفاده از این واژه، خلاف اصل (۱۵) است.

آقای علیزاده - چرا خلاف اصل (۱۵) است؟

آقای مدرسی یزدی - اگر معادل فارسی دارد، باید بنویسند.

آقای علیزاده - خب بله، اگر معادل فارسی دارد، خلاف اصل (۱۵) است؛ اما اگر ندارد که خلاف نیست.

آقای مدرسی یزدی - اگر معادل فارسی ندارد که هیچ.

آقای علیزاده - نمی توانیم صراحتاً بگوییم این خلاف اصل (۱۵) است.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر.

آقای ابراهیمیان - حالا به نظر می رسد که این واژه یون دیگر وارد زبان فارسی شده است.

آقای علیزاده - بله. اگر ایراد بگیریم، آن وقت باید فقط در یک صفحه، آن را تعریف کنند.

آقای مؤمن - نه، معادل فارسی که دارد؛ همان ذره ی باردار را به کار ببرند.

آقای مدرسی یزدی - نه، مثلاً یونیزه شدن آن است که در شرایط خاصی این اتم ها دارای بار اضافی می شوند. یکی دارای بار مثبت است و یکی دارای بار منفی است، اما این ذره ی یونیزه شده، دارای دو بار مثبت است.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - این مورد را فعلاً یادداشت کنید که اگر معادلی دارد، بگوییم از آن استفاده کنند.

آقای کدخدائی - اگر معادل فارسی داشته باشد، اصلاً استفاده از آن خلاف است.

آقای مؤمن - اگر معادل فارسی هم نداشته باشد، بالاخره ترجمه که دارد.

آقای کدخدائی - چه فرمودید؟

آقای مؤمن - می گویم به هر حال، ترجمه ی فارسی دارد.

آقای علیزاده - ترجمه اش یک صفحه می شود.

آقای مؤمن - نه، یک صفحه نمی شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، یک صفحه نمی شود.

آقای علیزاده - خب یک خط می شود.

آقای مؤمن - اینجا نوشته اتمی است که ...

آقای کدخدائی - خب اتم و مولکول هم خودشان واژه‌های بیگانه‌اند.

آقای علیزاده - همه‌ی اینها همین‌طور است.

آقای مدرسی یزدی - کلمه‌ی «اتم» دیگر مفرّس [= فارسی گردانیده] شده است.

آقای کدخدائی - باید بگوییم هسته‌ی باردار.

منشی جلسه - یعنی همان ذره‌ی باردار که حاج‌آقا می‌گویند.

آقای کدخدائی - به «اتمی»، «هسته‌ای» می‌گوییم؛ پس به این هم باید هسته بگوییم.

آقای علیزاده - خود اتم از چند قسمت تشکیل می‌شود؛ از هسته، نوترون و پروتون.

اتم هم این‌طوری نیست که یک چیز باشد.

آقای کدخدائی - خب، اتمی را هم که به هسته‌ای ترجمه کرده‌اند.

آقای علیزاده - در آن زمان که ما اینها را می‌خواندیم، این‌طور می‌خوانیدیم که اتم دارای سه قسمت است.

آقای کدخدائی - من می‌گویم اتم را معادل هسته‌ای ترجمه کرده‌اند دیگر.

آقای مؤمن - بالاخره این ایراد دارد. یون ایراد دارد و ترجمه‌ی فارسی هم دارد. باید ترجمه‌ی فارسی آن را ذکر می‌کردند. اگر مسامحه نکنید، این خلاف اصل (۱۵) است.

آقای علیزاده - جناب‌عالی تا به حال، خیلی ایراد خلاف اصل (۱۵) را مطرح نمی‌کردید، ولی خیلی خب، حالا یادداشت کنید تا ببینیم باید چه کنیم.

آقای مؤمن - خیلی خب، باشد. آخر ایراد دارد. واقعیت این است که این ایراد در اینجا وجود دارد.

منشی جلسه - چه چیزی را یادداشت کنم حاج‌آقا؟

آقای علیزاده - یادداشت کنید که چنانچه این کلمه معادل فارسی داشته باشد، آن را ذکر کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - مشروط نویسید. بالاخره این یک کلمه‌ی لاتین است.

آقای مؤمن - نه، این کلمه، ترجمه‌ی فارسی دارد؛ آن را باید بنویسند. این همه معادل فارسی دارد.

آقای علیزاده - ترجمه ممکن است داشته باشد، ولی یک‌وقت است که ترجمه‌ی آن

چندین کلمه است؛ اما یون یک کلمه است.

آقای مؤمن - خب باشد.

آقای عزیزاده - اینها که نمی‌توانند برای یک کلمه، ترجمه‌ی چند کلمه‌ای بیاورند. باید یک اصطلاح باشد تا آن را بیاورند، وگرنه ترجمه‌اش را که نمی‌توانند بیاورند.

آقای مؤمن - حاج‌آقای شب‌زنده‌دار، ترجمه‌ی آن را چه نوشته است؟ شما فارسی‌اش را نوشته‌اید؟

آقای شب‌زنده‌دار - بله، اتم یا مولکول‌هایی که بار الکتریکی اضافی، به طور مثبت یا منفی، دارند.

آقای مؤمن - بله.

آقای عزیزاده - اگر هر جا در این مصوبه خواستند بگویند یون، همین را بیاورند و بگویند یون هر ذره‌ای است که بار الکتریکی دارد، درست است؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این که درست نیست. شاید الآن معادل داشته باشد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - الآن عین همین تعریف را می‌توانند بنویسند. هر جا خواستند بگویند یون، به جای آن می‌گویند پرتوهایی که موجب افزایش بار الکتریکی مثبت یا منفی می‌شود.

آقای ابراهیمیان - حاج‌آقا، این با واژه‌گزینی یک‌خرده در تعارض است.

آقای مدرسی یزدی - حالا البته ما معمولاً تا به حال، اگر اصطلاحات، معادل فارسی نداشت، ایرادی به آن نمی‌گرفتیم. حالا اینکه این کار درست بود یا غلط، حرف دیگری است.

آقای مؤمن - خیلی خب.

آقای عزیزاده - خب، برویم. فعلاً این مورد را یادداشت کنید. حالا اگر جای دیگر ایرادی گرفتیم، در نهایت این مورد را هم می‌نویسیم.^(۱)

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۱)]: «۲- حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها: میزان مجاز خروجی آلاینده‌ها از منابع آلوده‌کننده هوا

۱. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۱- در بند یک ماده یک و ماده (۳۰)، چنانچه معادل فارسی واژه «یون‌ساز» و «غیر یون‌ساز» وجود دارد، جایگزین شود.»

۳- منابع آلوده کننده هوا به شرح زیر عبارتند از:

- منابع طبیعی: شامل طوفان‌های گرد و غبار، طوفان‌های شن، آتش‌سوزی جنگل-ها، مراتع، آتشفشان‌ها و هواویزهای دریایی می‌باشد.»

آقای ابراهیمیان - این «هواویزهای دریایی» چیست؟ مغایرت با اصل (۱۵) ندارد؟
آقای مؤمن - همان طوفان است.

آقای کدخدائی - طوفان‌های دریایی نیست؟

آقای مؤمن - چرا دیگر؟ هواویز همین است دیگر. هواویز یعنی چیزی که داخل هوا است.

آقای کدخدائی - بله، یعنی در هوا است؛ معلق در هوا است.

آقای مؤمن - کلمه‌ی فارسی است. بله، یعنی معلق در هوا.

آقای علیزاده - این را چون فارسی کرده‌ایم، الآن نمی‌فهمیم یعنی چه!

آقای مدرسی یزدی - واقعاً اصلاً هواویز دریایی داریم یا نه؟ چون معمولاً معروف است که هوای دریا پاک‌ترین هوا است.

آقای مؤمن - اگر می‌گفت معلق در هوا هم عیبی نداشت، ولی خب حالا هواویز که کلمه‌ی فارسی‌اش است را گفته است. حالا می‌فرمایید اشکال‌ش این است که چرا کلمه‌ی فارسی گفته است؟!

آقای کدخدائی - حاج آقا، معنای آن طوفان‌های دریایی باید باشد.

منشی جلسه - اینجا هم چیزی نگفته است. ویکی‌پدیا هم این کلمه را به رسمیت نشناخته است.

آقای کدخدائی - «منابع طبیعی: شامل طوفان‌های گرد و غبار، طوفان‌های شن، آتش-سوزی جنگل‌ها، مراتع، آتشفشان‌ها و هواویزهای دریایی می‌باشد.»

آقای مؤمن - حالا هر چه هست، به هر حال فارسی شده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، حالا معنایش هر چه است، شاکله‌اش فارسی است.

آقای کدخدائی - چون فارسی شده است، نمی‌فهمیم معنایش چیست!

آقای علیزاده - روی این موارد معطل نشویم.

آقای سوادکوهی - فکر می‌کنم بعد از «مراتع»، «واو» باید بگذاریم. باید گفته شود: «آتش‌سوزی جنگل‌ها، مراتع و آتشفشان‌ها». فکر می‌کنم بعد از آن، «واو» باید بیاید.

آقای عزیزاده - بله؟

آقای سوادکوهی - باید بشود: «آتش سوزی جنگل‌ها، مراتع و آتشفشان‌ها ...»

منشی - نه، «واو» بعد از آتشفشان‌ها آورده شده است دیگر آقای دکتر.

آقای کدخدائی - «واو» را بعد از آتشفشان‌ها آورده است.

آقای سوادکوهی - نه، آخر آتش سوزی آتشفشان که دیگر نداریم.

آقای ابراهیمیان - نه، «هواویز» آخرین کلمه است دیگر.

آقای عزیزاده - اشکالش چیست؟

آقای سوادکوهی - غیر از آتش سوزی جنگل‌ها و مراتع، آتشفشان‌ها و هواویزهای

دریایی را هم گفته است.

این‌طور نیست؟

آقای عزیزاده - کجا «واو» می‌خواهد؟

آقای سوادکوهی - ببینید؛ آتش سوزی در جنگل‌ها و مراتع اتفاق می‌افتد.

آقای عزیزاده - نه دیگر، برای آخری باید «واو» بگذارند دیگر.

منشی جلسه - نه، می‌گویند «واو» را باید قبل از آتشفشان بیاورند.

آقای سوادکوهی - بله، باید قبل از آتشفشان باشد.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، هواویزها هم [که در ادامه‌ی آتشفشان آمده،] نظیر

آتشفشان است.

آقای سوادکوهی - خود آتشفشان هم «واو» می‌خواهد.

منشی جلسه - نه آقای دکتر، آتشفشان مستقل است.

آقای ابراهیمیان - درست است. شما می‌فرمایید که اگر این عطف باشد، باید بگویید

جنگل‌ها و مراتع و بعد از آن، دوباره ویرگول بگذارد و بعد آتشفشان و هواویزهای

دریایی را بگوید.

آقای عزیزاده - یعنی می‌فرمایید بعد از جنگل‌ها، به جای ویرگول، باید «واو» داشته

باشد، چرا؟ چون آتش سوزی در جنگل‌ها و مراتع اتفاق می‌افتد و در آتشفشان که

آتش سوزی نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ نفس آتشفشان هم آتش سوزی است؛ عین آتش سوزی

است.

آقای عزیزاده - آتشفشان را می‌گویید؟!

آقای اسماعیلی - وجود آتشفشان، خودش آتش‌سوزی است.

آقای یزدی - آتشفشان که کاری به جنگل و مراتع ندارد. در کوه‌ها رخ می‌دهد. در مناطق کوهستانی است.

آقای کدخدائی - حالا باید تذکر بدهیم دیگر.

آقای عزیزاده - بله، باید تذکر بدهیم. یک تذکر بنویسید و این بحث را تمام کنید تا ادامه بدهیم.^(۱)

آقای کدخدائی - خب، برویم.

آقای عزیزاده - [ادامه‌ی متن ماده (۱):] «- منابع انسان‌ساخت: شامل

الف) منابع متحرک: هرگونه منبعی از قبیل وسایل نقلیه موتوری و غیر موتوری که در اثر حرکت ایجاد آلودگی می‌کند.

منشی جلسه - ب) منابع ثابت: هرگونه منبعی از قبیل صنایع، عملیات معدنی، کشاورزی، بخش‌های خدماتی، تجاری، اداری و خانگی که در محلی ثابت سبب انتشار آلاینده‌ها می‌شود.

۴- سازمان: برای رعایت اختصار، در این قانون واژه «سازمان» به جای «سازمان حفاظت محیط زیست» آورده می‌شود.

۵- مواقع اضطراری: مواقعی است که با استمرار پایداری جوی (بر اساس اعلام سازمان هواشناسی) و یا افزایش میزان غلظت آلاینده‌ها (بر اساس اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری سازمان)، شرایط به‌گونه‌ای در کوتاه‌مدت، سلامت انسان و محیط زیست را دچار مخاطره جدی بنماید.

ماده ۲- تمامی اشخاص، دستگاه‌ها و مؤسسات اعم از دولتی و غیر دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است و تمامی اشخاص مستقر در مناطق آزاد تجاری- صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی موظفند تا مقررات این قانون را رعایت نمایند. سازمان، مسئول

۱. بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۲- در بند

(۳) ماده یک، بعد از واژه «جنگل‌ها» علامت «،» به حرف «و» تبدیل گردد.»

نظارت بر حُسن اجرای این قانون می‌باشد.

آیین‌نامه فنی در زمینه کنترل و کاهش آلودگی‌های موضوع این قانون توسط سازمان تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - منظورش از آیین‌نامه‌ی فنی چیست؟ قطعاً این مصوبه باید کلیات آن را مشخص کند.

آقای ابراهیمیان - مربوط به امور فنی است.

آقای موسوی - موضوعاتش فنی است.

آقای علیزاده - می‌دانم. خب همین‌جا بگوید که منظورش از فنی چیست.

منشی جلسه - حاج‌آقا، گفته است در زمینه‌ی کنترل و کاهش آلودگی هوا است.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً در مورد این است که از لحاظ فنی چند درجه لازم است که ایجاد ریزگرد بکند؛ چند درجه کربن ایجاد بکند یا مثلاً چقدر دی‌اکسید کربن ایجاد بکند.

آقای ابراهیمیان - آخر چرا این را در زیر ماده (۲) آورده است؟ این که در مورد آیین‌نامه‌ی فنی در زمینه‌ی کنترل است!

آقای علیزاده - حالا ما به جای آن کاری نداریم.

آقای کدخدائی - مربوط به کاهش آلودگی هوا است دیگر. به همین دو سه ماده مربوط است.

آقای علیزاده - بله، خیلی خب. آقایان می‌گویند این اشکالی ندارد. برویم.

آقای مدرسی یزدی - به این ماده‌ی بعدی [= ماده (۳)] دقت کنید. این اشکالی که شما مطرح می‌کنید، ممکن است به ماده‌ی بعدی وارد باشد.

آقای علیزاده - آن چیزی که دولت می‌تواند بنویسد آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون است. ببینید؛ چیزی که من عرض می‌کنم این است که آن چیزی که در اصل (۱۳۸) اجازه‌ی آن به دولت داده شده است، تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون است. حالا اگر منظورشان از این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی است، باید درست بگویند که این آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای مؤمن - نه، این آیین‌نامه‌ی فنی است.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که آیین‌نامه‌ی فنی حتماً اجرایی است.

آقای علیزاده - باید بگویند آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است.

منشی جلسه - حاج آقا، حتماً آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای علیزاده - اگر این طور بود، باید در مورد کنترل و کاهش آلودگی، در بالا [ی تبصره] یک چیزی می‌گفت؛ مثلاً در مورد کنترل کاهش آلودگی.

آقای مؤمن - یا مثلاً می‌گفت بدون فن قابلیت اجرا ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای موسوی - این هم در واقع آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای مدرسی یزدی - حالا ماده (۳) را بخوانید. همین اشکالی که ذیل این ماده مطرح کردید، آنجا هست.

آقای یزدی - این چیزی که در این تبصره گفته، آیین‌نامه‌ی فنی است. آیین‌نامه‌ی فنی غیر از آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای علیزاده - بله؟

آقای یزدی - آیین‌نامه‌ی فنی غیر از آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای علیزاده - بله، اینجا نمی‌گوید آیین‌نامه‌ی اجرایی است. اگر می‌گفت آیین‌نامه‌ی اجرایی، ما حرفی نداشتیم.

آقای یزدی - بله، این کاری به نحوه‌ی اجرای قانون ندارد.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. حقیقتش همان آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای موسوی - بله، این آیین‌نامه هم باید اجرا بشود؛ منتها موضوعش فنی است.

آقای علیزاده - این را هم در نظر شورا بنویسید که چنانچه منظور، آیین‌نامه‌ی اجرایی بوده است، ذکر شود.

منشی جلسه - این تذکر است حاج آقا؟

آقای مدرسی یزدی - این که ربطی به آن ندارد.

آقای علیزاده - اگر آیین‌نامه‌ی اجرایی نباشد، پس چیست؟ لازم ندارد [که قید اجرایی برای آن بیاید]؟

آقای مؤمن - اجرایی بودنش در اینجا به این است که فنی است.

آقای موسوی - نه، این آیین‌نامه‌ی اجرایی است؛ منتها محتوایش مسائل فنی و تکنیکی است.

آقای مؤمن - بله، همین است. محتوای آن اجرایی است.

آقای یزدی - این مسائل فنی ربطی به آیین‌نامه‌ی اجرایی ندارد.

آقای موسوی - اگر آیین‌نامه‌ی غیر اجرایی بود، ایراد داشت، ولی این آیین‌نامه را گفته‌اند باید اجرا بشود دیگر.

آقای علیزاده - اگر این موضوع را در اینجا اجازه دادید، بعداً هر جای دیگر هم که مجلس تصویب آیین‌نامه‌ی غیر اجرایی را به عهده‌ی دولت گذاشت، باید اجازه بدهید.

آقای مدرسی یزدی - منتها اینجا یک اشکال هست و شاید در ذهن شما هم این اشکال باشد که هیئت وزیران چه خصوصیت یا چه فئیتی در این زمینه دارد.

آقای علیزاده - هیئت وزیران که خودش آیین‌نامه‌ی فنی را نمی‌نویسد. کارشناسان را می‌آورند و آیین‌نامه را آنها می‌نویسند و به هیئت وزیران می‌فرستند.

آقای مدرسی یزدی - آن وقت، پس چرا بگوییم هیئت وزیران آن را تصویب کند؟! یک کارشناس که گفت، کافی است.

آقای علیزاده - اگر آیین‌نامه‌ای اجرایی باشد، هیچ کس غیر از هیئت وزیران یا وزیر نمی‌تواند آن را تصویب کند؛ یا وزیر باید آیین‌نامه‌ی اجرایی را تصویب کند یا هیئت وزیران.

آقای مدرسی یزدی - آیین‌نامه‌ی فنی که عیبی ندارد.

آقای مؤمن - آیین‌نامه‌ی فنی همان آیین‌نامه‌ی اجرایی است؛ منتها به جای «اجرایی»، «فنی» گفته است؛ به خاطر اینکه [محتوای فنی دارد].

آقای موسوی - می‌شود آیین‌نامه‌ی فنی - اجرایی.

آقای مدرسی یزدی - نه، ببینید؛ آیین‌نامه‌ی فنی یک قسم از آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای مؤمن - بله، چون این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی است، غیر فنی نیست.

آقای مدرسی یزدی - فقط ممکن است بگوییم اصلاً دلیلی ندارد که تصویب آن در هیئت وزیران باشد؛ مثلاً خود سازمان حفاظت محیط زیست یا متخصصین می‌توانند این کار را انجام بدهند.

آقای یزدی - آیین‌نامه‌ی فنی طبیعتاً آیین‌نامه‌ی اجرایی نیست. آیین‌نامه‌ی اجرایی برای کیفیت اجرای قانون است. آیین‌نامه‌ی فنی یعنی توضیح درباره‌ی کیفیت آن موادی که آلاینده است یا آن مقدار و درجه‌ی تأثیر آلاینده‌ها. جهات فنی ربطی به جهات اجرایی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - با این حال، اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - به هر حال، آیین‌نامه از لحاظ فنی هم باید اجرا بشود.

آقای یزدی - نه، آیین‌نامه‌ی فنی ربطی به اجرا ندارد.

آقای علیزاده - ببینید؛ غیر از هیئت وزیران و وزیر، کس دیگری نمی‌تواند آیین‌نامه بنویسد.

آقای مؤمن - متنها پیش‌نویس آنها را کارشناسانشان می‌نویسند.

آقای علیزاده - بله، از آن جهت اشکالی ندارد. ماده‌ی بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - از این بگذریم حاج‌آقا؟

آقای علیزاده - آقایان می‌گویند بگذریم؛ بگذرید.

منشی جلسه - «ماده ۳- در مواقع اضطرار، سازمان با همکاری وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران باید ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های موقت زمانی، مکانی و نوعی را برای پیشگیری از اثرات زیان‌بار و مقابله با منابع آلوده‌کننده هوا برقرار نماید و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه‌های همگانی، به اطلاع عموم برساند. با برطرف شدن شرایط اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرارشده، اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به عموم اطلاع می‌دهد.»

آقای شب‌زنده‌دار - قبل از خواندن تبصره (۱)، می‌خواهم نکته‌ای بگویم. حالا نمی‌خواهم اشکال مغایرت با قانون اساسی را مطرح کنم، ولی در صدر این ماده، همکاری وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران گفته شده است. صدر این ماده می‌گوید هیئت وزیران محدودیت‌های موقت را تصویب می‌کند. اما بعد [در انتهای ماده،] یک سازمان می‌آید و در حقیقت، لغو آن محدودیت‌ها را اعلام می‌کند؛ یعنی چیزی را که گفته‌ایم هیئت وزیران با آن استحکام تصویب کند، بعد می‌گوییم سازمان حفاظت محیط زیست می‌آید و آن را لغو می‌کند.

آقای کدخدائی - احتمالاً در این مصوبه، به سازمان اختیاراتی می‌دهند دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - سازمان حفاظت محیط زیست حق ندارد که آن مصوبه‌ی هیئت وزیران را لغو کند، هر چند که این مصوبه الآن دارد این‌طوری می‌گوید.

آقای یزدی - این سازمان برطرف شدن حالت اضطراری را اعلام می‌کند.

آقای شبزنده‌دار - راه درست آن این است که بعد از اینکه سازمان اطلاع داد که وضعیت عادی شده است، هیئت وزیران دوباره آن محدودیت‌ها را ابطال کند و بگوید که وضعیت عادی شده است.

آقای علیزاده - نه، منظور این است که در این مورد، سازمان و وزارت کشور با هم همکاری می‌کنند و بعد موارد محدودیت را به هیئت وزیران می‌برند تا تصویب کند. معنایش این است.

آقای شبزنده‌دار - چنین چیزی ندارد.

آقای علیزاده - چرا؛ همین را گفته است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، بُعد اجرایی آن را به این سازمان می‌دهد.

آقای علیزاده - می‌گوید: «در مواقع اضطرار، سازمان با همکاری وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران...»؛ یعنی می‌گوید بعد از اینکه این دو با هم همکاری کردند، هیئت وزیران آن را تصویب می‌کند.

آقای شبزنده‌دار - این بالا در صدر ماده است. وضع آن ممنوعیت، با هیئت وزیران است، اما در مورد الغایش گفته است سازمان هر موقع صلاح دید، اعلام می‌کند دیگر.

آقای علیزاده - نه، این‌طور نیست.

آقای ابراهیمیان - بله، این‌طوری است.

آقای مؤمن - یعنی سازمان خلاف مصوبه‌ی آنها عمل می‌کند؟! این ماده این را می‌خواهد بگوید؟!

آقای شبزنده‌دار - بله دیگر.

آقای علیزاده - نه، این‌طور نیست. این ماده می‌خواهد بگوید هر کاری که سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت کشور می‌کنند، باید به تصویب هیئت وزیران برسد.

آقای شبزنده‌دار - ببینید اینجا چه نوشته است. ذیل ماده می‌گوید: «... با برطرف شدن شرایط اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرارشده، اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به عموم اطلاع می‌دهد.» باید بگوید مراتب را به هیئت دولت اطلاع می‌دهد. دولت باید [خودش مصوبه‌ی خودش را لغو کند].

آقای علیزاده - نه، گفته است سازمان باید با تصویب هیئت وزیران، ممنوعیت‌ها را اعمال کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، ایشان ذیل ماده را می‌گویند.

آقای علیزاده - بله؟

آقای مدرسی یزدی - اینجا را که شما خواندید، نمی‌فرمایند. ذیل ماده را می‌فرمایند.

آقای علیزاده - درباره‌ی ذیل ماده چه می‌گویند؟

آقای مدرسی یزدی - الغای محدودیت‌ها با برطرف شدن آلودگی را در صلاحیت سازمان دانسته است.

آقای مؤمن - اینجا نگفته است که محدودیت‌ها را الغا کنید.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این اشکالی ندارد.

آقای کدخدائی - حاج‌آقا، در ذیل ماده گفته است سازمان نسبت به رفع ممنوعیت اقدام می‌کند. [آقای شب‌زنده‌دار] می‌فرمایند در بالای ماده، گفته است هیئت وزیران آن ممنوعیت‌ها را تصویب می‌کند، اما در پایین گفته است سازمان آنها را لغو می‌کند.

آقای علیزاده - موضوعی که پایین آمده است که دیگر تصویب هیئت وزیران را نمی‌خواهد. اعلام می‌کند که محدودیت‌ها تمام شده است. این یک امر فنی است. سازمان تشخیص می‌دهد که ممنوعیت ایجاد شده همچنان برقرار است یا خیر.

آقای یزدی - سازمان نسبت به اعلام اینکه آیا هنوز ممنوعیت ایجاد شده برقرار است یا ممنوعیت تمام شده، عمل می‌کند.

آقای شب‌زنده‌دار - خب، فرض کنید که مثلاً صبح، هیئت وزیران ممنوعیت‌هایی را اعلام کرده است و عصر سازمان می‌گوید ما لزومی به محدودیت نمی‌بینیم.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی هیئت وزیران ممنوعیت برای مردم عادی ایجاد می‌کند.

آقای یزدی - خب فرض کنید ناگهان اوضاع عوض می‌شود؛ مثلاً باد آمده است و این آلودگی‌ها را برده است. در این صورت، ممنوعیت یا محدودیت رفع می‌شود. خب، لغو این ممنوعیت‌ها که دیگر مصوبه‌ی هیئت وزیران را نمی‌خواهد. کار هیئت وزیران قاعده‌گذاری است. سازمان رفع محدودیت یا بقای محدودیت را به مردم اعلام می‌کند؛ مثلاً می‌گوید باد آمده است و دیگر هوا خوب شده و ممنوعیت تمام شده است؛ یا نه، هوا هنوز آلوده است و مثلاً آدم‌هایی که ناراحتی قلبی دارند، از منزل بیرون نیایند. اعلام این مسئله که هوا پاک شده یا پاک نشده است و بر اساس آن بخواهد رفع محدودیت بکند یا بقای محدودیت را اعلام بکند، به عهده‌ی سازمان

است. پس معنا ندارد که [اعلام رفع یا بقای ممنوعیت] به عهده‌ی هیئت وزیران باشد.
آقای شب‌زنده‌دار - نه، صدر ماده که تصویب ممنوعیت‌ها را به عهده‌ی هیئت وزیران گذاشته است.

آقای علیزاده - حضرت آقا، مثلاً هیئت وزیران در اعمال محدودیت‌ها می‌خواهد طرح ترافیک اجرا کند یا طرح ترافیک شدیدتر بشود.

آقای یزدی - وضع اصل ایجاد ممنوعیت به عهده‌ی هیئت وزیران است. مثلاً اینکه الآن هوا آلوده است و آقایانی که بیماری‌های خطرناک دارند بیرون نیایند، در اختیار هیئت وزیران است، اما حالا بقای ممنوعیت یا عدم بقای آن را سازمان اعلام می‌کند؛ به دلیل اینکه این سازمان، تشکیلاتی فنی است و در همه جا، چنین تشکیلاتی می‌تواند بفهمد که هوا خوب شده یا خوب نشده است.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، این ممنوعیت چون برای مردم ایجاد تکلیف می‌کند، باید به تصویب هیئت وزیران برسد.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - اما رفع ممنوعیت، وضعیت را به حالت اول [قبل از ممنوعیت‌ها] برمی‌گرداند. خب این که دیگر نیاز به تصویب هیئت وزیران ندارد.

آقای یزدی - ببینید؛ رفع ممنوعیت یا محدودیت برقرارشده، دو جور است: یک وقت ممنوع کرده‌اند که اصلاً هیچ رفت و آمدی نشود یا در یک حدی رفت و آمد را ممنوع کرده‌اند، نه در همه‌جا؛ مثلاً گفته‌اند فلان نقطه تا فلان نقطه وضعیت ممنوعیت و محدودیتش این‌طور است؛ یعنی در اینجا حدی معین کرده‌اند. اینها دو مطلب است. آن وقت، سازمان نسبت به این دو مطلب می‌تواند اظهار نظر بکند؛ یکی رفع ممنوعیت است و یکی خود محدودیت برقرارشده است؛ یعنی یک محدودیتی قبلاً برقرار شده است و حالا سازمان می‌خواهد بگوید آن محدودیت رفع شده است یا نه.

آقای مؤمن - بله، همین را گفته است.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، آنچه که در صلاحیت هیئت وزیران است، وضع قواعد کلی است، این‌طور نیست؟ مثلاً اگر ما بگوییم که فرضاً در فلان خیابان یا فلان منطقه‌ی تهران رفت و آمد محدود بشود، این محدودیت جزئی است. این که قاعده‌ی کلی نیست. حالا آیا این [موضوع ماده (۳)] جزء امور اجرایی نیست که به خود این

سازمان مربوط باشد؟ آیا این مثل آیین‌نامه یا تصویب‌نامه است که نیاز به مداخله‌ی هیئت وزیران داشته باشد؟ یعنی آیا با این کار، یک وظیفه‌ی اضافه به گردن هیئت وزیران نمی‌اندازیم؟ از این جهت، اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - نه، اول ماده که ایرادی ندارد. همین الآن هم در مواردی دولت می‌گوید برای اینکه آلودگی هوا کم بشود، کارخانه‌ها ...

آقای ابراهیمیان - ... مثلاً یک ماه تعطیل شوند.

آقای علیزاده - بله، تعطیل شوند؛ اما مثلاً می‌گوید کارخانه‌هایی که سوخت فسیلی دارند، فعلاً تعطیل باشند. بعد از این محدودیت‌ها، وضع به حالت عادی برمی‌گردد. آنوقت، سازمان می‌گوید چون وضع هوا به حالت عادی برگشته است، محدودیت‌ها دیگر تمام شد. منظور این ماده این است. یا فرض کنید که هیئت دولت می‌گوید محدودیت ترافیکی ایجاد می‌کنیم و می‌گوییم در تمام شهر تهران، طرح زوج و فرد اجرا بشود و هیچ کس نتواند از درب خانه‌اش با خودرو [در روزهای مخالف با شماره‌ی پلاک خود] بیرون بیاید. هیئت دولت این موارد را ممنوع اعلام می‌کند، اما برگشت آن به وضعیت اولیه را این سازمان انجام می‌دهد.

آقای ابراهیمیان - حالا غیر از این موارد، منظورم این است که اگر این‌طوری باشد که گفتم، آیا محدود کردن آزادی‌ها نباید در قانون یک قیدی داشته باشد؟ مثلاً در قانون بگویند که وضع ممنوعیت‌ها باید متناسب با وضعیت اضطرار و مانند اینها باشد که بعداً بشود ...

آقای علیزاده - خب این ماده هم همین را دارد می‌رساند دیگر؛ گفته است: «در مواقع اضطرار».

آقای مدرسی یزدی - اتفاقاً در ماده گفته است هیئت دولت برای پیشگیری از اثرات زیان‌بار و مقابله با آلودگی هوا این صلاحیت را دارد.

آقای یزدی - وضع این محدودیت‌ها برای سلامت افراد است؛ محدود کردن آزادی نیست.

آقای علیزاده - ماده (۳) می‌گوید: «در مواقع اضطرار، سازمان ... برای پیشگیری از اثرات زیان‌بار و مقابله با منابع آلوده‌کننده هوا برقرار نماید».

آقای مدرسی یزدی - خودسرانه نمی‌تواند باشد.

آقای یزدی - درست است.

آقای علیزاده - دیگر همه‌ی موارد را گفته است؛ یعنی سه تا ملاک [برای وضع محدودیت‌ها] داده است.

آقای ابراهیمیان - ملاک داده‌اند. بسیار خوب.

آقای علیزاده - بله، برویم آقا.

منشی جلسه - «تبصره ۱- میزان و نحوه جریمه نقدی و توقف واحدهای مشمول متمرّد از دستور سازمان و دارندگان وسایل نقلیه موتوری که وارد محدوده ممنوعه می‌شوند، بنا بر پیشنهاد مشترک سازمان و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

آقای ابراهیمیان - معنای این تبصره چیست؟ این یعنی چه؟ این طور که نمی‌شود. [ارسال یک پیشنهاد به مجلس]، یا باید از طریق لایحه باشد یا از طریق طرح باشد.

آقای علیزاده - لایحه را که اینها [= سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران] نمی‌توانند به مجلس ارسال کنند. لایحه را دولت باید بدهد. این اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - این اشکال دارد دیگر.

آقای موسوی - خلاف اصل (۷۴) است.

آقای علیزاده - پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی که مستقیماً نمی‌تواند به مجلس ارسال شود.

آقای ابراهیمیان - بله، مستقیماً نمی‌تواند ارسال شود.

آقای شبزنده‌دار - یعنی این تبصره دو اشکال دارد: یکی اینکه مجلس را محدود کرده است که در این زمینه حتماً آنها [= سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی] باید پیشنهاد بدهند.

آقای علیزاده - حالا از این نظر، اشکالی ندارد. از این جهت، یک کارشناس هم بالاخره نظری می‌دهد که مجلس می‌تواند آن را تصویب کند.

آقای شبزنده‌دار - اشکال دیگر هم این است که خب بالاخره، به چه نحوی این پیشنهاد به مجلس ارائه می‌شود.

آقای موسوی - از جهت مغایرت با اصل (۷۴)، ایراد دارد.

آقای عزیزاده - حضرات آقایانی که این تبصره را از جهت مغایرت با اصل (۷۴) واجد ایراد می‌دانند، رأی بدهند.

آقای کدخدائی - حاج آقا، این مصوبه به صورت «لایحه» آمده است.

آقای عزیزاده - خوب باشد! دولت که نمی‌تواند بگوید من به مجلس لایحه می‌دهم که یکی دیگر لایحه به مجلس بفرستد.

آقای ابراهیمیان - دولت خودش نمی‌تواند به نیروی انتظامی بگوید که مثلاً در این موضوع لایحه بدهد و من نمی‌دهم. یعنی گفته است نیروی انتظامی با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست به مجلس لایحه ارسال کنند.

آقای کدخدائی - شما به این مسئله دارید ایراد می‌گیرید؟

آقای ابراهیمیان - بله، به همین ایراد داریم.

آقای عزیزاده - خیلی خوب، رأی آورد. اگر «لایحه» است، دولت باید لایحه‌اش را به مجلس بدهد و اگر طرح است، نمایندگان باید آن را به مجلس بدهند. توجه فرمودید؟ آقای [شب‌زنده‌دار] آن جهت دیگرش را هم درست می‌فرماید. اگر «طرح» است، محدود کردن به اینکه آن را نیروی انتظامی پیشنهاد بدهد، اشکال دارد؛ چون طرح را نمایندگان باید به مجلس پیشنهاد بدهند.^(۱) خیلی خوب، تبصره‌ی بعدی: «تبصره ۲- در این شرایط، تمامی دستگاه‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط در محدوده ضوابط قانونی موظف به همکاری و رعایت الزامات اعلامی سازمان می‌باشند. مسئولان و مدیران مستتکف از این حکم، مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات)^(۲) می‌شوند.»

۱. بند (۱) نظر شماره ۱۴۱۷/۱۰۰/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۱- در تبصره یک ماده (۳)، چنانچه لایحه مد نظر است، باید توسط دولت ارائه شود و اگر منظور طرح می‌باشد که تحدید اختیارات مجلس محسوب می‌گردد. لذا مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۵۷۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۷۶- چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری نماید، به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

منشی جلسه - «تبصره ۳- سازمان موظف است آیین‌نامه اجرایی مدیریت شرایط اضطرار و به‌روزرسانی آن را با همکاری وزارتخانه‌های «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، «کشور» و «صنعت، معدن و تجارت» و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه کند و حداکثر شش ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران برساند.

ماده ۴- تولید انواع وسایل نقلیه موتوری و واردات آنها مستلزم رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌های موضوع این قانون، اعلامی از سوی سازمان می‌باشد. استاندارد ساخت و تولید حد مجاز مصرف سوخت و واردات قطعات واجد استاندارد مرتبط با احتراق و یا مؤثر بر آلاینده‌گی وسایل نقلیه از قبیل اگزوز، صافی (فیلتر) و واکنش‌ساز (کاتالیز) توسط سازمان ملی استاندارد ایران تعیین، کنترل و نظارت می‌شود و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

شماره‌گذاری انواع وسایل نقلیه موتوری اعم از داخلی و وارداتی مستلزم رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌های موضوع این قانون و اخذ تأییدیه سازمان می‌باشد. سازمان موظف است از ادامه تولید و ورود وسایل نقلیه‌ای که حدود مجاز انتشار آلاینده‌های تعریف‌شده موضوع این قانون را رعایت نمی‌نمایند، جلوگیری نماید.

پیش‌فروش یا فروش این‌گونه وسایل نقلیه موتوری ممنوع است.»

آقای مدرسی یزدی - «اگزوز» ایراد مغایرت با اصل (۱۵) دارد یا ندارد؟

آقای گدخدائی - معادل فارسی آن، خروج‌رسان دود می‌شود!

آقای موسوی - باجهنده.

آقای علیزاده - قبلاً به آن دستک سیخکی می‌گفتند!

آقای مدرسی یزدی - کلمه‌ی «اگزوز» فرانسوی است، بله؟ «اگزوست» [با تلفظ فرانسوی].

آقای یزدی - واقعاً این موضوع را باید مشخص کنید. دیگر این‌قدر روی این کلمات بحث نکنیم. تقریباً معنای اینها در زبان فارسی مشخص شده است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله، اگزوز فارسی است. شوخی کردم.

آقای یزدی - نمی‌شود گفت فارسی است.

آقای مدرسی یزدی - بله، آگروز فارسی شده است.

آقای عزیزاده - بله، برویم سر ماده‌ی بعد. بفرمایید.

آقای سوادکوهی - اینجا یک مسئله‌ای هست. همان‌طوری که در ذیل ماده (۲) آمده است، به نظر می‌رسد اصل این است که یک وظیفه‌ی نظارتی برای سازمان در نظر گرفته شده است؛ اما من از مجموعه‌ی این مواد، این‌طور احراز می‌کنم که این سازمان، یک یگان حفاظت هم دارد؛ چون در ماده (۳۱)،^(۱) یک یگان حفاظت برای سازمان پیش‌بینی شده است. اینجا مسئله یک مقدار پیچیده می‌شود؛ یعنی این سازمان نیروی اجرایی هم در اختیار دارد.

آقای عزیزاده - کجا را می‌فرمایید؟ کجا این را نوشته است؟

آقای سوادکوهی - در ماده (۳۱).

آقای عزیزاده - وقتی به آنجا رسیدیم، این مطلب را بگویید.

آقای سوادکوهی - نه، می‌خواهم این را عرض کنم که ظاهراً این سازمان، یک یگان حفاظتی هم دارد.

آقای عزیزاده - خب، می‌دانم. وقتی به آن ماده رسیدیم، این را بگویید.

آقای سوادکوهی - این مسئله را می‌خواهم اینجا عرض کنم و آن این است که سازمان دارای یک وظیفه‌ی نظارتی است. همان‌طوری که در ماده (۲) آمده است: «سازمان مسئول نظارت بر حُسن اجرای این قانون می‌باشد.» علاوه بر این وظیفه‌ی نظارتی، آیا سازمان وظیفه‌ی اجرایی در ارتباط با این امر هم دارد که موظف باشد و مثلاً یکی از مصادیقش این باشد که بتواند خودش جلوگیری بکند؟ یعنی آیا نیرو در اختیارش هست که از انجام برخی کارها جلوگیری کند؟ از این جهت، این ماده یک مقدار وظایف سازمان را پیچیده کرده است. یعنی این سازمان، یک نهادی است که [هم وظیفه‌ی نظارتی دارد و هم وظیفه‌ی اجرایی].

۱. ماده (۳۱) لایحه هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و یگان حفاظت سازمان مکلفند به عنوان ضابط دادگستری، در موارد وقوع جرایم مشهود مذکور در این قانون، رأساً یا در صورت اعلام سازمان یا با اطلاع از وقوع جرایم غیر مشهود مندرج در این قانون، با نظر دادستان شهرستان ذی‌ربط، اقدام لازم را در برخورد با واحدهای آلوده‌کننده یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مربوط به‌عمل آورند.»

آقای علیزاده - خب، این وظایف را هم بر عهده داشته باشد، چه می‌شود؟ اگر هم نظارت بر امور بکند و هم یک مقدار وظایف اجرایی هم به عهده‌اش باشد، چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - اینجا در ماده (۳۱)، وظیفه‌ی نیروی انتظامی در کنار یگان حفاظت این سازمان که می‌خواهند وظایفی را به عنوان ضابط انجام بدهند، اشکالی ندارد؟

آقای موسوی - این سازمان هم یک نیرویی دارد. اینها هم مثل محیط‌بانان هستند که شکار و مانند اینها را کنترل می‌کنند.

آقای سوادکوهی - نه، حالا اینها دارند کار اجرایی هم انجام می‌دهند. یعنی صلاحیت این نهاد در این مسئله خوب توصیف نشده است. آیا این سازمان یک مرجعی است با نیروهای حفاظتی و نیروهای اجرایی مثل نیروی انتظامی که وظیفه‌ی اجرایی هم داشته باشد؟

آقای علیزاده - خب اینکه الآن مطرح کردید، نقص قانون است. ما که ایرادی به نقص قانون نمی‌توانیم بگیریم آقای دکتر.

آقای سوادکوهی - ایرادی نمی‌گیریم، ولی به نظر می‌رسد این موضوع، یک مقدار سخت می‌شود. آنچه که حالا من بعد می‌خواهم عرض کنم این است که یک سازمانی به وجود می‌آید که وظیفه‌ی آن، هم نظارتی است و در ارتباط با مسائل آلودگی هوا است و هم یک سازمانی است که چنین قدرت اجرایی هم در کنارش پذیرفته شده است. این الآن مشخص نیست که آیا با اجازه‌ی مقام قضایی می‌تواند این وظایف اجرایی را انجام دهد یا نه؛ چون در ماده (۴) به این صورت گفته است: «سازمان موظف است از ادامه تولید و ورود وسایل نقلیه‌ای که حدود مجاز انتشار آلاینده‌های تعریف‌شده موضوع این قانون را رعایت نمی‌نمایند، جلوگیری نماید.»

آقای علیزاده - سازمان دستور این جلوگیری را می‌دهد؛ اما هر کس شکایتی دارد، می‌تواند به دادگستری برود.

آقای سوادکوهی - یعنی این سازمان، مستقل از دستگاه قضایی این کار را انجام می‌دهد؟

آقای علیزاده - نه، ببینید آقای دکتر؛ این سازمان ممنوع می‌کند، ولی هر کس ایراد دارد، می‌تواند به دستگاه قضایی برود و از این تصمیم شکایت کند.

آقای سوادکوهی - نه، این ماده می‌گوید سازمان از تولید و ورود این وسایل نقلیه جلوگیری می‌کند.

آقای علیزاده - این که اشکالی ندارد. مگر ایرادی دارد؟ الآن خیلی از دستگاه‌ها این کار را می‌کنند؛ مثلاً فرض کنید شهرداری چیزی را لاک و مهر می‌کند. بعد از این، اگر طرف اعتراضی دارد، می‌رود شکایت می‌کند. مگر غیر از این است؟!

آقای سوادکوهی - [در ماده (۴)] گفته است از واردات هم جلوگیری می‌کند. این یعنی اینکه در گمرک هم فعالیت دارد؟ یعنی الآن در اینجا وظیفه‌اش در گمرک هم تعریف شده است که از ورود وسایل آلاینده جلوگیری کند؟ یعنی واقعاً این طور است؟!

آقای علیزاده - خب باشد، چه اشکالی دارد؟ بله، در گمرک هم نظارت دارد. اگر کسی می‌خواهد از گمرک چنین جنسی بیاورد، این سازمان نظارت می‌کند. چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - اشکال آن این است که در اینجا این مطلب خوب توصیف نشده است؛ یعنی الآن ما با یک سازمانی مواجهیم که یک وظیفه‌ی اجرایی حادی را بر عهده دارد و باید حدود این وظایفش به خوبی مشخص بشود تا ببینیم آیا در ارتباط با دستگاه قضایی این کارها را می‌کند یا مستقل از دستگاه قضایی است.

آقای علیزاده - یعنی به نظر شما این مصوبه نقص دارد؟ شما این را می‌فرمایید؟
آقای سوادکوهی - بله.

آقای علیزاده - خب ما که نمی‌توانیم بگوییم این مصوبه نقص دارد.

آقای سوادکوهی - من از جهت توصیفی عرض کردم.

آقای علیزاده - اجازه دهید امروز این (۱۷) صفحه را بخوانیم تا خیالمان راحت بشود.
منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۴):] «تبصره - سازمان مکلف است با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران، طی قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها را به استاندارد روز دنیا ارتقاء دهد.»

آقای موسوی - مثل اینکه در اینجا یک عبارتی جا افتاده است. نوشته‌اند: «سازمان مکلف است با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران، طی قانون ...». باید بگویند «طی

مدت اجرای قانون».

آقای علیزاده - منظورشان طی همان زمان اجرای قانون است دیگر.

آقای موسوی - کسی «طی قانون» نمی‌گوید؛ باید بگویند: «طی مدت اجرای قانون». در مورد این موضوع، یک تذکر بدهید.

آقای علیزاده - بله، اشکال عبارتی دارد. آقایان مرکز [در مجمع مشورتی حقوقی] هم این ایراد را نوشته‌اند.^(۱)

آقای ابراهیمیان - می‌فرمایید بگویند: «در طول اجرای مدت این قانون»؛ یعنی تبصره اشکال ادبی دارد.

آقای موسوی - بله، اشکال ادبی دارد. «طی مدت اجرای قانون» صحیح است.^(۲)

آقای مدرسی یزدی - حالا این عبارت «استاندارد روز دنیا» هم واقعاً حواله به مجهول است. استاندارد روز دنیا یعنی چه؟ خب دنیا که یک چیز مشخصی ندارد تا همان استاندارد باشد. اگر بگویند رعایت استانداردهای بین‌المللی لازم است، این می‌تواند درست باشد.

آقای علیزاده - بله، این در اجرا اشکال پیدا می‌کند، ولی ما از جهت قانون اساسی و قانون شرع که نمی‌توانیم به آن اشکال بگیریم.

آقای یزدی - مقصود، استاندارد روز دنیا است که الان در بین سازمان‌های بین‌المللی دنیا مشخص شده است.

آقای مدرسی یزدی - حالا شاید این عبارت «استاندارد روز دنیا» یک اشکال دیگر هم پیدا بکند و آن اینکه ممکن است یک کشوری در یک‌جایی، چیزی را درست بکند که [با کشور ما تناسب نداشته باشد].

آقای علیزاده - «استاندارد روز دنیا» که برای یک جای مشخصی نیست. استاندارد روز

۱. «ماده (۴) - تذکر

در تبصره (۳) ذیل این ماده، باید پس از واژه «طی»، عبارت «مدت اجرای» اضافه شود. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۶۰۳۰۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱، ص ۲، قابل مشاهده در نشانی زیر:

۲. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۳- در تبصره ماده (۴)، بعد از واژه «طی»، عبارت «مدت اجرای» اضافه شود.»

دنیا یعنی آنچه عرف عالم است، نه اینکه معنایش چیزی باشد که در یک جای دنیا به آن عمل کنند.

آقای مدرسی یزدی - حالا ممکن است یک کشوری این استاندارد را داشته باشد، ولی بقیه‌ی کشورها نداشته باشند. به این هم می‌شود بگویند استاندارد روز دنیا را دارد.

آقای سوادکوهی - نه، اگر ملاک آن را می‌نوشتند، بهتر بود.

آقای مدرسی یزدی - درستش این است که می‌نوشتند مطابق با استاندارد بین‌المللی.

آقای علیزاده - استاندارد یک کشور را که نمی‌گوید؛ عرف دنیا را می‌گوید؛ کل عالم را می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر این را تذکر بدهیم، بهتر است. تذکر بدهیم که استانداردهای بین‌المللی ذکر شود.

آقای سوادکوهی - بگویند استانداردهای بین‌المللی یا جهانی.

آقای علیزاده - حالا این در حد یک تذکر است. یک چیزی گفته‌اند که اقلأ کمی [از وضعیت موجود ما] بهتر باشد. برویم سراغ ماده‌ی بعد. «ماده ۵- تمامی خودروسازهای داخلی و واردکنندگان خودروهای خارجی مکلفند خودروهای مشتریان خود را تا حداقل دو سال تمام یا چهل هزار کیلومتر (به مجرد تحقق هر کدام از آنها)، ضمانت (گارانتی) کامل نمایند. کلیه قطعات، لوازم و تجهیزات مکانیکی، الکترونیکی، هشداردهنده و تعویضی متعلق به خودروها که وظیفه کنترل انتشار آلاینده‌های خودرو را بر عهده دارند، در طی این مدت، مشمول ضمانت کامل می‌باشند و در صورت خرابی، هزینه اصلاح، تعمیر، تنظیم و تعویض قطعه، به صورت رایگان، حسب مورد بر عهده خودروساز داخلی یا نمایندگی خودروساز خارجی است.» شما ادامه‌اش را بفرمایید.

منشی جلسه - «تبصره- واردکنندگان و عرضه‌کنندگان خودروهای خارجی مکلفند علاوه بر رعایت حداقل ضمانت مندرج در این ماده، سایر خدمات و ضمانت‌های مازاد شرکت سازنده را نسبت به بهره‌برداران داخلی اعمال نمایند.

ماده ۶- به منظور اطمینان از صحت عملکرد خودرو در زمینه‌های فنی و ایمنی و کنترل آلاینده‌های هوا و صدا، انجام معاینه فنی کلیه وسایل نقلیه موتوری، اعم از

سبک، نیمه‌سنگین، سنگین، موتورسیکلت که توسط بخش‌های دولتی، عمومی و غیر دولتی به کار گرفته می‌شوند، در دوره‌های زمانی منظم و توسط مراکز مورد تأیید سازمان الزامی است.

تبصره ۱- دوره معافیت انجام معاینه فنی، از زمان تولید، برای وسایل نقلیه شخصی و دولتی چهار سال و برای وسایل نقلیه عمومی یک سال تعیین می‌شود. راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی موظف است در صورتی که دارنده وسایل نقلیه موضوع این ماده با اتمام دوره معافیت یا انقضای اعتبار گواهی معاینه فنی، از مراجعه به مراکز مجاز معاینه فنی و دریافت گواهی معاینه فنی خودداری ننماید، ضمن متوقف نمودن خودرو، در ازای هر روز تردد بدون گواهی مذکور، نسبت به صدور قبض جرمه مطابق با قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، جهت دارنده خودرو اقدام نماید.»

آقای علیزاده - یعنی یک ماشینی که بی کیفیت است، چهار سال معافیت دارد و سایر ماشین‌های با کیفیت هم چهار سال؟!

آقای مدرسی یزدی - یک سؤالی اینجا وجود دارد و آن اینکه، در صورتی که خودرویی عملاً تردد نکرده باشد، این تبصره شاملش می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای یزدی - نه، می‌گوید اگر بدون گواهی معاینه‌ی فنی [یا بعد از اتمام دوره‌ی معافیت] تردد کرده باشد، در ازای هر روز تردد، جرمه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه ببینید؛ تبصره می‌گوید: «راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی موظف است در صورتی که دارنده وسایل نقلیه موضوع این ماده با اتمام دوره معافیت یا انقضای اعتبار گواهی معاینه فنی، از مراجعه به مراکز مجاز معاینه فنی و دریافت گواهی معاینه فنی خودداری ننماید، ضمن متوقف نمودن خودرو، در ازای هر روز تردد بدون گواهی مذکور، نسبت به صدور قبض جرمه مطابق با قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، جهت دارنده خودرو اقدام نماید.»

آقای یزدی - یعنی [خودرو در حال تردد بوده است و] راهنمایی و رانندگی این خودرو را متوقف کرده است و به مالک خودرو گفته است از این به بعد، دیگر حق نداری بدون داشتن مجوز تردد کنی.

آقای علیزاده - بله، مأمور باید این خودرو را [در حالت تردد] ببیند تا آن را جرمه

کند؛ یعنی اگر خودرو در انبار باشد که دیگر جریمه‌اش نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - خب حالا ممکن است مثلاً قبلاً [سال‌ها تردد نکرده باشد].

آقای ابراهیمیان - یا فرض کنید بعد از اتمام زمان معافیت یا اعتبار گواهی معاینه‌ی فنی، راهنمایی و رانندگی خودرو را در انبار ببیند.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً خودرو در پارکینگ بوده است.

آقای ابراهیمیان - الآن راهنمایی و رانندگی، خودروهای در پارکینگ را هم جریمه می‌کند.

آقای عزیزاده - جناب آقای ابراهیمیان، به حرف ما گوش بدهید. تبصره گفته است راهنمایی و رانندگی به ازای هر روز تردد، جریمه می‌کند؛ یعنی در یک روز، دو بار یک خودرو را جریمه نمی‌کند. معنایش این است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب.

آقای عزیزاده - ببینید؛ اگر امروز آن خودرو را ندیده است، دیگر آن را جریمه نمی‌کند. آن روزی که آن خودرو تردد می‌کند و راهنمایی و رانندگی آن را دیده است، جریمه‌اش می‌کند. این تبصره، این را می‌خواهد بگوید. غیر از این، چیز دیگری که نمی‌گوید. گفته است به ازای هر روز تردد جریمه می‌کند. نگفته است خودرو به ازای هر روز جریمه می‌شود. اگر می‌گفت به ازای هر روز جریمه می‌کند، دیگر ذکر «تردد» لازم نبود. وقتی گفته است به ازای تردد، یعنی مأمور باید ببیند که این خودرو رفت و آمد می‌کرده است.

آقای مؤمن - بله دیگر.

منشی جلسه - «تبصره ۲- در صورتی که متصدیان و کارکنان مراکز مجاز معاینه فنی و یا مأموران و ناظران بر عملکرد آنان، برخلاف مقررات موضوع این ماده، اقدام به صدور گواهی معاینه فنی نمایند، به حداکثر مجازات جرم صدور گواهی خلاف واقع، موضوع ماده (۵۴۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی)^(۱)

۱. ماده (۵۴۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۴۰- برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد

محکوم می‌شوند.

تبصره ۳- مراکز معاینه فنی که از ضوابط تأسیس، فعالیت و تعرفه انجام معاینات مربوط تخلف نمایند، با اعلام سازمان، وزارت کشور یا وزارت راه و شهرسازی، به به جزای نقدی درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱^(۱) محکوم و در صورت تکرار تخلف، حسب مورد به تعلیق پروانه

→

یا آنکه خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

۱. ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس: «ماده ۱۹- مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه (۱)

- حبس بیش از بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- مصادره کل اموال

- انحلال شخص حقوقی

درجه (۲)

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه (۳)

- حبس بیش از ده تا پانزده سال

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه (۴)

- حبس بیش از پنج تا ده سال

- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجه (۵)

- حبس بیش از دو تا پنج سال

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

←

→

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال
 - ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
 - ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی
- درجه (۶)

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
 - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
 - شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرایم منافی عفت
 - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
 - انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها
 - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
 - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
 - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- درجه (۷)

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه
 - جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
 - شلاق از یازده تا سی ضربه
 - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه
- درجه (۸)

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است.

تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین، اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشت‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد، مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است، از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود، باید هزینه‌های متعارف

←

فعالیت از یک ماه تا یک سال و یا لغو دائم پروانه فعالیت محکوم می‌شوند.»

آقای موسوی - این «به» اضافه است.

منشی جلسه - بله، یک «به» اضافه است.

آقای علیزاده - بعد از عبارت «وزارت راه و شهرسازی»، یک «به» اینجا اضافه شده است. این را هم در نظر شورا بنویسید.^(۱)

آقای شبزنده‌دار - مفاد این چیست؟ این تبصره (۳) چه دارد می‌گوید؟ آیا مقصودش این است که صرفاً می‌بایست شاکی وزارت کشور یا سازمان باشد یا نه، مقصودش این است که وقتی آنها چنین چیزی را [در خصوص تخلف مراکز معاینه‌ی فنی] به دادگاه گفتند، این مدرکی برای قاضی است و قاضی می‌تواند طبق آن حکم صادر کند.

آقای ابراهیمیان - نه، آنها صرفاً تخلفات را اعلام می‌کنند.

آقای علیزاده - اعلام‌کننده باید تخلفات را گزارش کند. بدون اعلام که نمی‌شود.

آقای شبزنده‌دار - یعنی اینها فقط شاکی هستند؟

آقای ابراهیمیان - اینها فقط تخلفات را اعلام می‌کنند، ولی احرازش با دستگاه قضایی است.

آقای شبزنده‌دار - این عبارت، یک خرده ابهام دارد و معلوم نیست که مقصودش چیست.

آقای علیزاده - چرا؟ این عبارت یعنی با اعلام اینها رسیدگی آغاز می‌شود؛ یعنی بدون اعلام اینها، نمی‌آیند به تخلفات رسیدگی کنند.

آقای شبزنده‌دار - گفته است با اعلام اینها، به جزای نقدی محکوم می‌شوند.

آقای علیزاده - بله.

آقای شبزنده‌دار - نه، حکم قاضی باید باشد.

آقای ابراهیمیان - مرجع قضایی رسیدگی می‌کند.

آقای علیزاده - چرا؛ همه‌ی اینها در این هست دیگر.

→

زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنا شود.»

۱. بند (۴) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۴- در سطر سوم تبصره (۳) ماده (۶)، حرف «به» اضافی حذف گردد.»

آقای شبزنده‌دار - نه، می‌گوید با اعلام سازمان، وزارت کشور یا وزارت راه و شهرسازی، به این مجازات محکوم می‌شوند. یعنی قاضی به خاطر اعلام آنها این حکم را می‌دهد دیگر. این تبصره دارد برای قاضی وظیفه تعیین می‌کند. به قاضی می‌گوید وقتی آنها اعلام کردند، بیا متخلف را به این مجازات محکوم کن.

آقای عزیزاده - حاج‌آقا، مجازات درجه‌ی شش که یک مجازات مشخصی نیست. از این قدر (= حداقل) تا آن قدر (= حداکثر) است.

آقای سوادکوهی - یعنی می‌فرمایید اینجا باید اثبات آن تخلف هم اضافه شود؛ یعنی باید بگوید با اعلام تخلف و اثبات آن، مجازات تعیین می‌شود.

آقای عزیزاده - اصلاً اثبات تخلف در دل این تبصره هست. این کاملاً معلوم است.

آقای سوادکوهی - این از ذیل این جمله، [که گفته است به این مجازات محکوم می‌شود] مشخص است. می‌فرمایند که برای روشن شدنش، می‌تواند [اثبات تخلف نزد قاضی، به صورت صریح] باشد.

آقای عزیزاده - نه دیگر، این معلوم است. یعنی می‌خواهد بگوید که با شکایت شاکی شروع می‌شود، ولی در نهایت، باید نزد قاضی ثابت و به آن حکم داده شود.

آقای یزدی - یعنی بدون اعلام وزارت کشور، قاضی نمی‌تواند راجع به آن، حکم صادر کند. وقتی تخلف صورت گرفت، وزارت کشور یا راه و شهرسازی می‌تواند آن را اعلام بکند.

آقای ابراهیمیان - یعنی آیا اطلاقش [= شروع رسیدگی با اعلام سازمان، وزارت کشور یا وزارت راه و شهرسازی]، جزئی از این فرآیند است یا این اعلام، شرط شروع فرآیند رسیدگی به ادله و بینات و مانند اینها است؟ به نظر من در اینجا نمی‌خواهد بگوید که این اعلام آنها، الزاماً سبب صدور محکومیت باشد.

آقای عزیزاده - اگر این‌طور بود که نزد قاضی نمی‌فرستادند.

آقای شبزنده‌دار - ممکن است حرف شما درست باشد. من هم نمی‌خواهم بگویم حتماً از این تبصره، این‌طور برداشت می‌شود، ولی یک خُرده ابهام دارد. اگر این عبارت را روشن‌تر بیان کنند، بهتر است.

آقای عزیزاده - خیلی خوب، برویم. [ادامه‌ی تبصره (۳) ماده (۶):] «وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه در چهارچوب قوانین بودجه سنواتی، جهت

ساماندهی، آموزش و ارتقای نظارت بر مراکز معاینه فنی توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای به مصرف می‌رسد.»

منشی جلسه - «تبصره ۴- نرخ بهای خدمات صدور گواهی معاینه فنی موضوع این ماده توسط وزارتخانه‌های کشور و راه و شهرسازی تعیین و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۵- صدور گواهی معاینه فنی وسایل نقلیه ریلی، هوایی و دریایی بر اساس استانداردها و ضوابط سازمان‌های بین‌المللی مرتبط توسط دستگاه اجرایی ذی‌ربط انجام می‌گیرد و مسئولیت کنترل و نظارت بر گواهینامه مذکور بر عهده سازمان است.»

آقای مدرسی یزدی - معمولاً به جای «ریلی»، می‌نویسند «راه‌آهن».

منشی جلسه - حاج‌آقا، به کلمه‌ی «ریلی» ایراد دارند.

آقای مؤمن - می‌فرمایید خلاف قانون اساسی است؟

آقای علیزاده - می‌فرمایید کلمه‌ی ریلی اشکال دارد؟

آقای اسماعیلی - نه.

آقای مدرسی یزدی - این خلاف اصل (۱۵) است. معمولاً به جای آن، می‌نویسند «راه‌آهن».

آقای علیزاده - حمل و نقل ریلی است دیگر.

آقای یزدی - کلمه‌ی «ریلی» کلمه‌ی کاملاً مأنوس‌تر است، ولو اینکه ریل، [کلمه‌ی اصیل فارسی نباشد].

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - اصلاً راه‌آهن غیر از ریلی است. راه‌آهن به مجموعه‌ی آن دستگاه می‌گویند.

آقای مدرسی یزدی - باشد، ولی عبارت «وسایل نقلیه» که به «ریلی» اضافه شده است، معنی راه‌آهن را می‌دهد.

آقای علیزاده - راه‌آهن آن معنا را نمی‌دهد. این [کلمه‌ی «ریلی» که در اینجا آمده،] مختص این معنا است.

- آقای مؤمن -** منظور حمل و نقل ریلی است که مربوط به این وسیله نقلیه است.
- آقای عزیزاده -** الآن راه آهن یک سازمان است. الآن بعضی از این حمل و نقل‌های ریلی در اختیار سازمان راه آهن نیستند.
- آقای مدرسی یزدی -** نه، عرفاً می‌گویند شما با قطار می‌روید یا با راه آهن می‌روید. این روزها اصلاً می‌گویند «قطاری».
- آقای عزیزاده -** بله ببینید؛ الآن داخل شهر هم حمل و نقل ریلی است، ولی مربوط به راه آهن نیست.
- آقای اسماعیلی -** الآن مترو یا مونوریل به همین صورت است.
- آقای عزیزاده -** مونوریل که هنوز ساخته نشده است هم به همین صورت است یا اینهایی که در شهرهای خارجی [به صورت ریلی] بر روی زمین است.
- آقای یزدی -** می‌شود گفت «ریل» همان جاده‌ی این وسایل نقلیه است.
- آقای عزیزاده -** همه‌ی اینها ریلی است، ولی جزء راه آهن نیست.
- آقای مدرسی یزدی -** اینها هم جزء راه آهن است.
- آقای عزیزاده -** نه، راه آهن ما جدا از اینها است.
- آقای مدرسی یزدی -** جزء آن است.
- آقای عزیزاده -** راه آهن ما جدا است.
- آقای مدرسی یزدی -** نه، جزئی است؛ منتها آن که شما می‌گویید راه آهن شهری اش است.
- آقای سوادکوهی -** ماده (۳۳۵) قانون مدنی می‌گوید: «ماده ۳۳۵ - در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها...»، گفته است: «دو قطار راه آهن».
- آقای عزیزاده -** ادامه‌ی مصوبه را بخوانید.
- منشی جلسه -** «تبصره ۶ - فروشندگان خودرو مکلفند در هنگام انجام معامله، نسبت به ارائه گواهی معتبر معاینه فنی اقدام نمایند.
- ماده ۷ - شهرداری‌ها، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سامانه (سیستم) حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و ساماندهی کنند که ضمن کاهش

آلودگی هوا، جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده که در برگیرنده ساعات و محدوده مجاز تردد شهری، پیش‌بینی استفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی می‌باشد، توسط وزارت کشور، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان، حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۸ - تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مالک وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه‌سنگین، سنگین، موتورسیکلت مکلفند وسایل نقلیه خود را پس از رسیدن به سن فرسودگی از رده خارج کنند و مسئولیت خود را از این جهت، نزد یکی از مؤسسات بیمه داخلی، تحت نظارت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیمه کنند. تعیین سن فرسودگی و بیمه انواع وسایل نقلیه موتوری موضوع این ماده بر اساس آیین‌نامه‌ای است که حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد مشترک سازمان و وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان ملی استاندارد ایران و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای مدرسی یزدی - اینجا به سن چه نیازی دارند؟ می‌نوشتند بعد از رسیدن به فرسودگی.

منشی جلسه - نه حاج‌آقا، گفته است: «سن فرسودگی»؛ چون این سن در قالب یک عددی است که آن را اعلام می‌کنند دیگر.

آقای اسماعیلی - آن خودرو ممکن است فرسوده هم نشده باشد، ولی در این سن از رده خارج محسوب شود.

آقای یزدی - حالا هر کدام که ایجاد شده باشد دیگر.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مؤمن - مثلاً می‌گویند سن خودرو که (۲۵) سال شد، باید از رده خارج بشود.

آقای علیزاده - بله.

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۸)]: «حمل بار و مسافر، صدور گواهی معاینه فنی،

تخصیص بیمه شخص ثالث، خرید و فروش، نقل و انتقال و تردد وسایل نقلیه موتوری فرسوده ممنوع می‌باشد.»

آقای مدرسی یزدی - پس اینجا هم باید بنویسند زمانی که به سن فرسودگی رسیدند، ممنوع می‌باشند.

منشی جلسه - اینجا «فرسوده» صفت شده است دیگر.

آقای عزیزاده - بله، [ادامه‌ی ماده (۸):] «پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران خودروهای فرسوده را به ازای هر روز تردد با عنوان ورود و تردد وسایل نقلیه غیر مجاز در معابر، محدوده‌ها و مناطقی که ممنوع اعلام شده است، جریمه می‌کند.

تبصره ۱- دولت موظف است از محل صرفه‌جویی حاصل از بهبود و مدیریت سوخت ناشی از اجرای این قانون، سازوکار و تسهیلات لازم جهت جایگزینی خودروهای فرسوده حمل و نقل عمومی با خودروهای نو را فراهم کند.

تبصره ۲- دولت مکلف است در بودجه سالانه ردیفی به منظور اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت جهت جایگزین کردن خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده موجود با کارمزد چهار درصد (۴٪) با بازپرداخت ده‌ساله تعیین کند و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند.»

آقای ابراهیمیان - حاج‌آقا، منظور از این عبارت «مسئولیت خود را از این جهت، نزد یکی از مؤسسات بیمه داخلی، تحت نظارت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران بیمه کنند»، [در متن ماده (۸)] چیست؟ ببینید؛ این ماده دارد می‌گوید اگر خودروی کسی به سن فرسودگی برسد، از رده خارج می‌شود. آن وقت، این که بعد از آن می‌گوید این اشخاص باید مسئولیت خود را از این جهت بیمه کنند، یعنی چه؟ تعهد به از رده خارج کردن خودرو فرسوده را باید بیمه کنند؟ چه مسئولیتی را باید بیمه کنند؟

آقای سوادکوهی - اشخاص حقوقی را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی اگر نتوانستند [خودرو خود را پس از رسیدن به سن فرسودگی از رده خارج کنند]، بیمه پول آن را می‌دهد.

آقای سوادکوهی - منظورش این بوده است که اشخاص حقوقی هم این کار را باید بکنند.

آقای ابراهیمیان - آخر می‌خواهند خودروی فرسوده از رده خارج شود که دیگر کار نکند. می‌خواهند آنها را مثلاً اسقاط کنند دیگر.

آقای علیزاده - نمی‌خواهند بگویند این خودروها دیگر کار بکند یا نکند. چون شخص ماشین خودش را از این طریق دارد از دست می‌دهد، می‌خواهند بعداً یک چیزی داشته باشد؛ یعنی به جای آن خودروی فرسوده، یک چیزی دریافت کند.

آقای ابراهیمیان - عجب!

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده، این مسئولیت در مورد دولت چگونه صدق می‌کند؟ همین بیمه کردن مسئولیت را می‌گوییم. این بیمه کردن، در مورد شخص حقوقی چطور صدق می‌کند؟ دولت چطور مسئولیت خودش را بیمه می‌کند؟

آقای علیزاده - خب مگر این چه اشکالی دارد؟

آقای یزدی - دیگر به هر حال، از حسابش [مبلغی بابت بیمه کردن کسر شده است].

آقای سوادکوهی - نه، این اصلاً چطوری ممکن است؟

آقای علیزاده - مگر الان دولت ماشین‌هایش را بیمه نمی‌کند؟

آقای سوادکوهی - نه، مسئولیت دولت در قبال بیمه کردن این امر، چطور ممکن است؟ یعنی اگر دولت احیاناً این کار را نکند، چطور ممکن است به دولت بگوییم در قبال اینکه این کار را نکردی، باید جوابگو باشی؟ مسئولیت دولت این طور می‌شود.

آقای علیزاده - خب، حالا این اشکالی ندارد. شما می‌گویید چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - نه، تحقیقش چطور ممکن است؟ یعنی وزارتخانه‌ها باید این کار را بکنند؟

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟ اگر بگویند این کارها را بکنند، چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - یعنی قوه قضائیه این کار را بکند؟

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟ اگر گفتند قوه قضائیه این کار را بکند، چه اشکالی دارد؟ الان مگر قوه قضائیه در مورد شخص ثالث یا چیزهای دیگر بیمه نمی‌کند؟

آقای سوادکوهی - نه، آنها خودرو را بیمه می‌کنند، ولی الان دولت می‌پذیرد که مسئولیت خودم را در قبال این امر بیمه کنید!

آقای علیزاده - آنها هم خودرو را بیمه نمی‌کنند. در واقع، دارند مسئولیت راننده را بیمه می‌کنند، نه خودرو را.

آقای ابراهیمیان - نه حاج آقا.

آقای عزیزاده - خودرو را که بیمه می‌کنند، در اصل، مسئولیت راننده را دارند بیمه می‌کنند.

آقای سوادکوهی - نه، ببینید ماده (۸) چه می‌فرماید. می‌گوید تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند وسایل نقلیه خود را پس از رسیدن به سن فرسودگی از رده خارج و مسئولیت خود را بیمه کنند. تمام اشخاص حقیقی و حقوقی را می‌گوید. اشخاص حقوقی هم به طور عام آمده است.

آقای عزیزاده - حالا اشکال مغایرت با چه اصلی از قانون اساسی را دارد. بگویید تا ما هم بفهمیم و رأی دهیم.

آقای سوادکوهی - نه، من می‌خواهم بفهمیم که اینجا چه نوشته شده است.

آقای ابراهیمیان - ما اصلاً این را نمی‌فهمیم. اول باید ببینیم قرارداد بیمه‌ای که در اینجا گفته است، چیست.

آقای عزیزاده - ما فهمیدیم و می‌گوییم اشکالی ندارد.

آقای سوادکوهی - چطور دولت می‌تواند مسئولیت خود را بیمه کند؟

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، اصلاً این ماده اشکال دارد.

آقای عزیزاده - آخر چه اشکالی دارد؟ با کجای قانون اساسی مغایرت دارد؟

آقای ابراهیمیان - ما اصلاً نمی‌فهمیم منظورش چیست.

آقای عزیزاده - می‌فهمیم، چرا نمی‌فهمیم؟ ببینید؛ اشخاص حقیقی که معلوم است. اشخاص حقوقی هم اعم از اشخاص حقوق عمومی و خصوصی است. حالا گفته است در این شرایط باید همه‌ی اینها مسئولیت خود را بیمه کنند.

آقای ابراهیمیان - نه، این نشان می‌دهد شما به حرف ما توجه نکردید، پس عنایت بفرمایید. ببینید حاج آقا؛ اگر اینها از قبل [خودروی خود را از رده خارج کنند، دیگر برای چه باید مسئولیت خود را بیمه کنند]؟

آقای عزیزاده - چرا می‌گویید من توجه نکردم؟

آقای یزدی - شورای نگهبان چند ماشین دارد؟

آقای عزیزاده - مثلاً (۴۰) عدد.

آقای یزدی - یعنی هم باید بیمه بدهد و هم باید [آنها را در زمان فرسودگی از رده خارج کند].

آقای ابراهیمیان - آخر، بیمه یک عقد مبتنی بر احتمال است.

آقای یزدی - این که زیان شخصی نیست؛ برای من نیست و برای شما هم نیست. این زیان برای شورای نگهبان است.

آقای موسوی - نوشته است باید وسیله‌ی نقلیه‌ی خودشان را بیمه کنند، حالا چه شخص حقیقی باشند و چه شخص حقوقی.

آقای یزدی - هم باید هزینه‌ی بیمه‌اش را بدهد و هم باید خودرویش را از رده خارج کند.

آقای سوادکوهی - مسئولیت این از رده خارج کردن را بیمه بر عهده می‌گیرد. اینها یک سن معین برای فرسودگی خودرو اعلام می‌کنند.

آقای ابراهیمیان - آخر، وقتی اینها برای از رده خارج کردن خودروهای فرسوده سن اعلام می‌کنند، معلوم است دیگر که مثلاً خودروی بیست‌ساله باید از رده خارج شود. اینجا دیگر بیمه معنا ندارد. بیمه مبتنی بر احتمال است.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ من یک چنین چیزی را تصور کردم که مثلاً یک وقتی است که شخص نیاز به اتومبیل دارد و اگر آن را از رده خارج کند، کارش می‌خوابد.

آقای علیزاده - خب بله، کارش می‌خوابد.

آقای مدرسی یزدی - در این موارد، اگر این شخص خودرویش را بیمه کرده باشد، بیمه [مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد].

آقای علیزاده - فرض کنید که این آقایی که راننده‌ی تاکسی است، بدون خودرو، شغلش می‌خوابد و کارش می‌خوابد. این چه اشکالی دارد؟ آقای دکتر [ابراهیمیان]، کفایت مذاکرات را اعلام کنیم. ما متوجه شدیم شما چه می‌فرمایید. اجازه بدهید این بحث را تمام کنیم و رأی بگیریم. بگذارید این بحث را تمام کنیم و جلو برویم.

آقای مدرسی یزدی - ما یک انتقاد داشتیم که آن هم رفع شده است.

آقای ابراهیمیان - برویم.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این ماده را به هر جهت خلاف قانون اساسی یا خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - خود ماده را می‌فرمایید دیگر؟

آقای علیزاده - خیلی خب، حالا اصل مد نظرتان را بگویید که من بنویسیم.

آقای سوادکوهی - بله؟

آقای علیزاده - وقتی دست بلند می‌کنید، پس اصل مغایر با این ماده را هم بگویید. من می‌خواهم آن را بنویسم دیگر. می‌خواهم بدانم این ماده را خلاف کدام اصل قانون اساسی می‌دانید. آخر می‌خواهم ببینم که خلاف کدام اصل است.

آقای ابراهیمیان - خلاف آن اداره‌ی صحیح [مذکور در بند (۱۰) اصل (۳)] است.

آقای سوادکوهی - نه، با وجود تفکیک قوا، این ماده چطور در مورد قوه‌ی قضائیه می‌تواند اعمال بشود؟ شما بفرمایید.

آقای علیزاده - مجلس شورای اسلامی حق وضع قوانین در مورد همه‌ی امور مملکت را دارد. مجلس به کارمندان قوه‌ی قضائیه می‌گوید شما باید ساعت هشت سر کار بیایید و ساعت دوازده هم تعطیل کنید. به قوه‌ی قضائیه می‌گوید شما باید در مقابل یک جرم، این مقدار مجازات بدهید و بیش از این مقدار نمی‌توانید مجازات کنید. معنای اصل تفکیک قوا این نیست که این قوا را آزاد بکنند که هر کاری می‌خواهند بکنند. به قوه‌ی قضائیه می‌گوید وقتی کارمند گرفت، باید آنها را بیمه کنی یا اگر ماشین گرفت، باید آن را بیمه کنی و از جمله، در مقابل این چیزها هم آن را بیمه کنی.

آقای سوادکوهی - نه، اینجا بحث بیمه مطرح نیست. جناب آقای علیزاده، اینجا اصلاً بحث بیمه نیست.

آقای علیزاده - برویم ماده‌ی بعد.

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده، این تبصره (۱) هم ایراد داشت.

آقای علیزاده - «ماده ۹- وزارت کشور موظف است با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی (گمرک جمهوری اسلامی ایران)، زمینه نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی شهری با اولویت شهرهای بالای دویست هزار نفر جمعیت را ظرف مدت پنج سال از محل منابع درآمدی ماده (۶) این قانون از طریق کمک بلاعوض، یارانه، تسهیلات، یا صفر نمودن سود بازرگانی واردات خودروهای برقی- بنزینی (هیبریدی) و خودروهای الکتریکی و موتورسیکلت برقی، به انجام برساند.

تبصره- خودروهای برقی- بنزینی، موتورسیکلت و خودروهای الکتریکی تولید داخل از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشند.»

آقای مدرسی یزدی - حالا این خودروی برقی با خودروی الکتریکی چه فرقی می‌کند؟

آقای اسماعیلی - آن خودروی برقی - بنزینی است، اما این ظاهراً فقط برقی است.

آقای مدرسی یزدی - خوب اسم آن را هم می‌گذاشتند برقی دیگر؛ به آن هم می‌گفتند خودروی برقی.

آقای علیزاده - آخر بعضی‌ها هر دو نوع ساخت را دارند.

آقای ابراهیمیان - نه، منظورشان این است که به جای الکتریکی می‌نوشتند برقی و آن را هم می‌نوشتند برقی - بنزینی.

آقای علیزاده - برویم.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. بالاخره هر دو خودروی الکتریکی است.

آقای ابراهیمیان - درست است؛ حق با شماست.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ابراهیمیان]، اگر ما بودیم که این مواد را می‌نوشتیم، [این صحبت‌ها مجال طرح داشت]، اما نمایندگان مجلس این‌طور نوشته‌اند. آخر ما که نمی‌توانیم بگوییم چرا این را این‌طوری نوشته‌اید.

منشی جلسه - «ماده ۱۰ - وزارت کشور موظف است از محل درآمدهای عمومی شهرداری‌ها و بودجه عمومی خود در قانون بودجه (هر یک به میزان پنجاه درصد)، ناوگان حمل و نقل عمومی درون‌شهری را به میزان سالانه پنج درصد (۵٪) با اولویت کلان‌شهرها و شهرهای بالای پانصد هزار نفر جمعیت افزایش دهد.»

آقای ابراهیمیان - حاج‌آقا، من یک چیزی یادم آمد. یک مقدار توضیح بدهم. ما دو روز پیش یک جلسه‌ای داشتیم. آقای دکتر سوادکوهی من را خبر کردند. آقای دکتر [سوادکوهی]، جلسه راجع به بیمه‌ی حوادث طبیعی بود دیگر؟

آقای سوادکوهی - راجع به لایحه‌ی تأسیس صندوق بیمه‌ی همگانی حوادث طبیعی [اصلاحی مصوب ۱۳۹۵/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی] بود.

آقای ابراهیمیان - آنجا شورای نگهبان در مورد این بیمه‌ی اجباری [مذکور در ماده (۱) آن مصوبه]،^(۱) ایراد گرفته بود و گفته بود همین‌طوری نمی‌شود بیمه کردن را اجبار

۱. ماده (۱) لایحه تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی، مصوب ۱۳۹۵/۷/۱۴ مجلس شورای

کرد. باید یک حد و اندازه‌ای داشته باشد. ظاهراً ایراد شرعی به آن گرفته بودیم.^(۱) اینجا هم این بیمه‌ی اجباری [در ماده (۸) این مصوبه] می‌تواند ایراد داشته باشد.

آقای سوادکوهی - بله، در آنجا به اطلاقش، ایراد شرعی گرفتیم.

آقای علیزاده - بله، من یاد می‌آید. آنجا بیمه‌ی اجباری برای خانه و از این قبیل موارد بود.

آقای ابراهیمیان - اینجا هم [در ماده (۸)] در واقع، بیمه‌ی اجباری پیش‌بینی کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، اما آن یک چیز دیگری بود.

آقای سوادکوهی - صندوق بیمه‌ی همگانی مربوط به بلایای طبیعی و مسائلی از این قبیل بود که چون به صورت مطلق گفته بود که همه‌ی مساکن باید تحت پوشش اجباری بیمه قرار بگیرند، به آن ایراد گرفتیم.

آقای علیزاده - بله، همه‌ی مساکن را در موقع زلزله، سیل، آتش‌سوزی، باد، صاعقه و مواردی مثل اینها گفته بود. همه چیز را گفته بود. آن یک چیز عجیب و غریبی بود!

منشی جلسه - «ماده ۱۱- هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مستلزم رعایت مقررات ابلاغی از سوی سازمان می‌باشد. سازمان موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه به استعلام‌های درخواست جواز تأسیس و بهره‌برداری را پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت آن سازمان، دلایل آن را به استعلام‌کننده به صورت کتبی ارائه کند. عدم پاسخ در

→

اسلامی: «ماده ۱- به منظور جبران بخشی از خسارت‌های مالی ناشی از حوادث طبیعی از جمله زلزله، سیل، طوفان، صاعقه، برف، رانش زمین، ریزش کوه و دریا لرزه (سونامی) کلبه ساختمان‌های مسکونی ظرف مدت یک سال پس از تصویب این قانون تحت پوشش «بیمه پایه حوادث طبیعی ساختمان»، نزد صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان که در این قانون «صندوق» نامیده می‌شود، قرار می‌گیرند.

تبصره- دولت مجاز است با پیشنهاد هیئت عامل صندوق و تأیید هیئت امنای آن، به تدریج، پوشش بیمه صندوق را به ساختمان‌های غیر مسکونی تعمیم دهد.»

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۲۶۶۰ مورخ ۱۳۹۵/۸/۴ شورای نگهبان: «۱- اطلاق ماده یک، در مواردی که بیمه نمودن ساختمان‌های مذکور ضرورت ندارد، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین، پس از احراز ضرورت، باید ضابطه روشن، تناسب و سقف مبلغ حق بیمه توسط مجلس شورای اسلامی تعیین شود و الا مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.»

مدت یادشده به منزله تأیید می باشد.

در هر استان، کمیسیونی با عضویت یکی از معاونان استاندار با تعیین استاندار (رئیس)، مدیر کل محیط زیست استان (دبیر)، مدیر کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان، مدیر کل صنعت، معدن و تجارت استان، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان، مدیر کل سازمان بازرسی استان و فرماندار مربوطه تشکیل می شود.

آقای مؤمن - اجازه بفرمایید. اینجا آقایان نمایندگان شرط وثاقت را برای اعضای این کمیسیون ذکر نکرده اند. در بعضی از موارد [از طریق استعلام های دیوان عدالت اداری] از شورای نگهبان سؤال کردند^(۱) و جناب آقای علیزاده هم در جواب نوشتند که چون شرط وثاقت را ذکر نکرده اند، خلاف شرع است.^(۲) اینجا اعضای کمیسیون را که بیان

۱. استعلام شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۲۹۰۴/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ دیوان عدالت اداری از شورای نگهبان: «آقای سعید کنعانی به موجب دادخواستی اعلام کرده است که:

«ماده (۶) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های حل اختلاف، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی و ماده (۷) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های تشخیص، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی»

با

آیات شریف قرآن کریم و روایات و احادیث منقول از اهل بیت (ع)، (به شرح لایحه پیوست) مغایر می باشد.

علیهذا، در اجرای تبصره (۲) ماده (۸۴) و ماده (۸۷) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲، سوابق مربوط به پیوست تقدیم می شود تا نظریه فقهای محترم شورای نگهبان را اخذ و جهت بهره برداری اعلام فرمایید.»

۲. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ فقهای شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۲۹۰۴/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲، موضوع ماده (۶) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های حل اختلاف، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی و ماده (۷) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های تشخیص، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۸ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقها به شرح ذیل اعلام می گردد:

- به نظر اکثریت فقهای معظم، عدم ذکر شرایط لازم، از جمله اسلام، عدالت و وثاقت برای اعضای مذکور در هیئت های موضوع ماده (۶) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های حل اختلاف و ماده (۷) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های تشخیص، مواد مزبور خلاف موازین شرع می باشد؛ زیرا اگرچه تصمیمات هیئت های مرقوم قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است، لکن به جهت اینکه دیوان

کرده‌اند، هیچ‌جا نگفته‌اند که اینها باید آدم‌های درست و حسابی باشند.
آقای علیزاده - حاج‌آقا، اینها یک مقامات مشخصی هستند که معلوم است باید واجد شرایط باشند.

آقای مؤمن - چون معلوم است، هر کاری بخواهند، می‌توانند بکنند؟!
آقای علیزاده - اصل بر این است که باید وثاقت داشته باشند.
آقای کدخدائی - وثاقتشان را قبلاً اثبات کرده‌اید.

آقای مدرسی یزدی - اگر لزوم داشتن این شرایط را بگویید، باز هم همین است. فرقی نمی‌کند.

آقای مؤمن - بسیار خب، یعنی می‌فرمایید رعایت قانون را هم نمی‌کنند.
آقای علیزاده - حاج‌آقای جنتی می‌فرمایند ذکر این شرایط در اینجا فایده‌ای ندارد.
آقای کدخدائی - نه حاج‌آقا، چون این افراد از مقامات رسمی هستند، فرض بر این است که شرایط وثاقت را دارند دیگر.

آقای مؤمن - شرط وثاقت برای این افراد لازم است. جدیداً ما یک پرونده‌ی دیوان عدالت اداری را بررسی می‌کردیم که فقهای شورای نگهبان گفتند چون برای آن افراد شرط وثاقت نشده است، خلاف موازین شرع است. خود جناب آقای علیزاده آن رأی را نوشتند.

آقای علیزاده - خب آن را شما فرمودید؛ من که نگفتم.

آقای مؤمن - خیلی خب، ما گفتیم.

آقای علیزاده - آن ظاهراً مربوط به یک هیئتی بود.

آقای مؤمن - من هم همین را عرض می‌کنم. آن یک هیئتی بود که مسئول بودند مواردی را تشخیص بدهند و الآن یک کسی نسبت به آن اعتراض کرده بود و گفته بود که آدم‌های نابابی می‌توانند در آن عضو شوند و چرا شرط وثاقت در آن آیین‌نامه برای اعضا ذکر نشده است. فقهای شورای نگهبان هم گفتند چون که شرط وثاقت لازم بوده است، ولی در آن آیین‌نامه ذکر نشده است، پس خلاف شرع است.

→

رسیدگی ماهیتی نمی‌نماید و ذی‌نفع حق مراجعه به مرجع قضایی را در این خصوص ندارد، علی‌هذا، این مواد خلاف موازین شرع شناخته شدند.»

آقای علیزاده - آن طور که من یادم می آید در آیین نامه ها گفته بودند مثلاً یک نماینده از مثلاً نظام صنفی باشد و یک نماینده از جای دیگر. این طور بوده است.^(۱) مدیران کل

۱. ماده (۶) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های حل اختلاف، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی: «ماده ۶- شرایط عضویت نمایندگان کارگران و کارفرمایان در هیئت حل اختلاف عبارتند از:

۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

۲- داشتن سن حداقل (۳۰) سال تمام

۳- تأهل

۴- داشتن حداقل مدرک کارشناسی و چهار سال سابقه کار تحت شمول قانون کار

۵- شمول قانون کار جمهوری اسلامی ایران

۶- آشنایی با قانون کار و مقررات مرتبط، با گواهی وزارت کار و امور اجتماعی.

تبصره ۱- نمایندگان کارگران و کارفرمایان که فاقد مدرک کارشناسی می باشند به شرط داشتن حداقل مدرک گواهینامه پایان دوره متوسطه و دو دوره (چهار سال) عضویت در مراجع حل اختلاف، می توانند به عضویت هیئت حل اختلاف درآیند.

تبصره ۲- نمایندگان فعلی کارگران و کارفرمایان در هیئت های حل اختلاف که فاقد شرایط بند (۳) و (۵) و تبصره (۱) می باشند، تا پایان اعتبارنامه می توانند همچنان عضو هیئت حل اختلاف باشند، لیکن انتخاب مجدد آنها منوط به احراز شرایط مذکور می باشد.»

ماده (۷) آیین نامه انتخاب اعضای هیئت های تشخیص، مصوب ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت کار و امور اجتماعی: «ماده ۷- شرایط عضویت اعضای هیئت های تشخیص عبارتند از:

۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

۲- داشتن سن حداقل (۲۵) سال تمام

۳- داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی (ترجیحاً حقوق) و یا کاردانی روابط کار برای نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی

۴- داشتن حداقل مدرک گواهینامه پایان دوره متوسطه و دو سال سابقه کار تحت شمول قانون کار برای نمایندگان کارگران و مدیران صنایع

۵- آشنایی با قانون کار و مقررات مرتبط، با گواهی معاونت روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی و مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

تبصره ۱- نمایندگان کارگران و مدیران صنایع که فاقد مدرک گواهینامه پایان دوره متوسطه می باشند، به شرط داشتن حداقل گواهینامه پایان دوره راهنمایی و دو دوره (چهار سال) عضویت در مراجع حل اختلاف می توانند به عضویت هیئت تشخیص درآیند.

تبصره ۲- نمایندگان فعلی کارگران و مدیران صنایع در هیئت های تشخیص که فاقد شرایط بند (۴) و تبصره (۱) می باشند تا پایان اعتبارنامه می توانند همچنان عضو هیئت تشخیص باشند لیکن انتخاب مجدد آنها منوط به احراز شرایط مذکور می باشد.

تبصره ۳- مسئولیت تطبیق شرایط افراد معرفی شده برای عضویت در هیئت های تشخیص با اداره کل

و مانند آنها جزئش نبودند حاج آقا.

آقای مؤمن - نه، چندین نفر بودند. الان پرونده‌اش همراه من نیست و آلا پرونده‌اش را می‌خواندم. در آنجا نمایندگانی عضو بودند که می‌خواستند چیزی را تشخیص بدهند و ایرادشان همین نداشتن شرط وثاقت بود که ذکر کردیم.

آقای عزیزاده - مربوط به برخی از آیین‌نامه‌های مربوط به قانون کار بود.

منشی جلسه - حاج آقا، این را در نظرات مختلف شورا داشته‌ایم،^(۱) ولی آنها در خصوص کارشناسان معمولی بوده است.

آقای عزیزاده - بله، حالا من نمی‌دانم، هر چه آقایان فقها می‌فرمایند، همان را بنویسید. آقایان، اگر شما این ماده را خلاف می‌دانید، باید بگوییم مدیر کل فلان و فلان، معاون استاندار و امثال اینها باید موثق باشند.

آقای مدرسی یزدی - حالا این مفروض است که معاون استاندار باید فردی ثقة باشد. نمی‌شود که این فرد، آدم دغلی باشد.

آقای عزیزاده - بله، بررسی این موضوع مربوط به کار آقایان فقها است. ما بلد نیستیم.

آقای کدخدائی - شما می‌گویید که این افراد باید موثق باشند. خوب حالا اگر مدیر کل محیط زیست استان فرد موثقی نبود، چه کار می‌کنید؟ چه کسی را می‌آورید جای او می‌گذارید؟

آقای مؤمن - اینها در این کمیسیون دارای رأی هستند.

آقای عزیزاده - حضرات آقایانی که با این موردی که حضرت آیت‌الله مؤمن فرمودند، موافقت، اعلام رأی کنند.

→

کار و امور اجتماعی استان می‌باشد.»

۱. برای نمونه، بند (۸) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ قابل ذکر است: «۸- در ماده (۲۹)، باید اعضای هیئت مدیره دارای شرط اسلام، وثاقت و امانت باشند و آلا اشکال دارد. همچنین، در این ماده، باید موازین عمومی مربوط به گزینش که حسب فرمان حضرت امام علیه‌الرحمه تشکیل و با تأکید مقام معظم رهبری مدظله‌العالی استمرار دارد، رعایت گردد و آلا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.» برای آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل این مصوبه، بنگرید به پرونده‌ی این مصوبه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر:

آقای مؤمن - نه، این ایراد را من نمی‌گویم. اینجا نوشته شده است: «۱- لازم است مرجع استانی رسیدگی‌کننده به اختلافات فیما بین، دارای شرایط وثاقت و ایمان باشند و الاً اطلاق آن اقتضاء دارد که نظر اشخاصی که دارای شرط ایمان و یا وثاقت نیستند، به دیگران تزییقاتی وارد کنند و آن خلاف شرع است.»^(۱)

آقای علیزاده - بله، این را که آقایان مجمع مشورتی فقهی قم فرموده‌اند. آقایان در قم فرموده‌اند، این افرادی که به این عنوان جزء این هیئت می‌باشند، باید موثق باشند و ایمان داشته باشند؛ یعنی ممکن است حتی غیر مسلمانان هم در این شغل‌ها گذاشته بشوند که صحیح نیست.

آقای مؤمن - بله، باید وثاقت و ایمان داشته باشند.

آقای یزدی - فرض این است که یکی از این اعضا استاندار است که رئیس است. یکی دیگرشان هم مدیر کل سازمان محیط زیست استان است که دبیر آن کمیسیون است.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، ایمان نداشتن و مسلمان نبودن این افراد که اشکالی ندارد. این افراد کارشناسند. کارشناس می‌تواند غیر مسلمان هم باشد.

آقای یزدی - همه‌ی اینها شخصیت‌های مسئول درجه‌ی اولند.

آقای علیزاده - بله حاج‌آقا. رأی می‌گیریم. حضرات آقایانی که این ماده را از این جهت خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - از لحاظ اطلاقش رأی‌گیری کنید.

آقای علیزاده - خیلی خوب.

آقای یزدی - در خصوص اطلاق هم بارها گفته‌ام که وقتی می‌توانید به اطلاق عبارت ایراد بگیرید که قانون‌گذار در مقام بیان باشد.

آقای علیزاده - رأی نیاورد.

منشی جلسه - دو رأی دارد.

آقای مؤمن - باشد.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۰ مورخ ۱۳۹۶/۳/۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/yqI9D

آقای عزیزاده - بله دیگر.

آقای یزدی - از این جهت که اطلاقش شامل این مورد هم می‌شود، رأی نیاورد.

آقای عزیزاده - ادامه‌ی مصوبه را از جمله‌ی «در صورت اعتراض متقاضی...» بخوانید.

منشی جلسه - دکتر سوادکوهی مطلبی دارند.

آقای عزیزاده - بفرمایید.

آقای سوادکوهی - در ارتباط با این مصوبه‌ای که الآن تصویب شده است، اشکال بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی مطرح است. ببینید؛ در ماده (۱۱) این مصوبه آمده است: «در صورت عدم موافقت آن سازمان، دلایل آن را به استعلام‌کننده به صورت کتبی ارائه کند.» محل اشکال اینجاست که در ادامه این‌طور می‌گوید: «عدم پاسخ در مدت یادشده به منزله تأیید می‌باشد.» می‌خواهم این را عرض کنم که این عبارت، با هدف مقنن که در ارتباط با سالم‌سازی هوا است، کاملاً مخالفت پیدا می‌کند؛ چون سازمان اینجا می‌تواند توجیه کند [که نیازی به پاسخ به استعلام‌ها وجود ندارد]. استعلام‌کننده می‌گوید در هر موردی که برای درخواست جواز تأسیس و بهره‌برداری از سازمان استعلام گرفتم، آنها در آن مهلت یک‌ماهه پاسخ نمی‌دهند. نهایتاً این موضوع منتهی می‌شود به آنچه که موجب افزایش آلاینده‌ها است. به نظر من در اینجا اشکال وجود دارد.

آقای عزیزاده - آقای دکتر، مردم را که به آن نسته‌اند!

آقای یزدی - می‌فرمایید اگر آن سازمان تکلیف را معین نکند، چه باید بشود؟

آقای عزیزاده - بله، اگر تکلیف معین نشود، به منزله‌ی تأیید است. الآن در قوانین آمده

است که شهرداری هم باید پاسخ استعلامات را ظرف دو ماه جواب بدهد.

آقای سوادکوهی - الآن این ماده با آن معامله‌ای که در آنجا گفته است، فرق می‌کند.

آقای عزیزاده - اگر جواب بدهد که این معامله انجام نمی‌شود.

آقای سوادکوهی - این کاملاً با آن فرق می‌کند.

آقای عزیزاده - ما آن زمان که در سازمان ثبت بودیم، گفتیم اگر شما ظرف این دو ماه

جواب ندهید، ما معامله را ثبت می‌کنیم.

آقای سوادکوهی - درست است. آنجا اشکالی ندارد؛ اما اینجا دارد آلاینده تولید

می‌شود.

آقای علیزاده - آقای دکتر، تا چه زمانی باید صبر کرد که آن سازمان جواب بدهد؟
آقای سوادکوهی - خب، پس این سازمان چه زمانی باید به وظیفه اش عمل کند؟ این سازمان مسئولیت دارد.

آقای علیزاده - خب اگر به وظایفش عمل نکرد، متخلف است.

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده، ببینید؛ ما داریم در مورد مسئولیت تمام اشخاص حقیقی و حقوقی در مورد اینکه اگر در ظرف مدتی که مقرر شده است، این خودرو یا این آلاینده را از رده خارج نکنند، می‌گوییم باید بیمه کنند، چرا؟ چون آنها هم نسبت به مسائل مرتبط با خودشان وظایفی دارند که باید به آنها عمل کنند. در این ماده، اینها کلاً به تعدادی از کسانی که کارشان این است که باید این کار را انجام بدهند، با سهل‌انگاری و با خارج شدن از وظایفشان، اجازه می‌دهند که این کارشان را انجام ندهند.

آقای علیزاده - شما این احتمال را هم بدهید که این ایراد نداشته باشد. بنده فقط یک جمله می‌گویم. شما این احتمال را هم بدهید که از این (۵۰۰) جوابی که نمی‌دهند، در (۴۹۹) مورد آن دارند مردم آزاری می‌کنند! حضرات آقایانی که این ماده را خلاف می‌دانند، رأی بدهند. ضمناً خلاف این اصل [= بند (۱۴) اصل (۳)] نیست، بلکه خلاف آن اصل مربوط به محیط زیست است. در قانون اساسی یک اصلی در این خصوص داریم.

آقای کدخدائی - اصل (۵۰) است.

آقای علیزاده - خیلی خب، برویم. رأی نیاورد.

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۱۱):] «در صورت اعتراض متقاضی، مرجع استانی فوق، به اختلافات فیما بین، حداکثر ظرف مدت یک ماه رسیدگی می‌کند و در صورت آلاینده نبودن (بر اساس قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان)، مجوز مقتضی را صادر و در غیر این صورت تقاضا را رد می‌کند. نظر کمیسیون لازم‌الاجراء بوده و دبیرخانه کمیسیون در اداره کل حفاظت محیط زیست هر استان مستقر می‌باشد.»
آقای علیزاده - این لازم‌الاجرا بودن، اگر به این معنا باشد که شخص حق شکایت به مراجع قضایی را ندارد، اشکال دارد.

آقای مؤمن - همین دیگر؛ اینجا هم گفته‌اند: «لازم‌الاجرا بودن نظر کمیسیون نباید

نافی حق متقاضی در مراجعه نمودن به مرجع قضایی باشد.»^(۱)

آقای علیزاده - بله، اگر این لازم‌الاجرا بودن به این معنا است که طرف حق شکایت در مراجع قضایی را نداشته باشد، اشکال دارد.

آقای شبزنده‌دار - یعنی معنایش واقعاً این است؟ آیا عموماً نمی‌توانیم که [بر این حاکم باشد]؟

آقای علیزاده - معنای لازم‌الاجرا بودن همین است دیگر.

آقای شبزنده‌دار - شاید منظور رسیدگی به اعتراض، در مرجع داخلی باشد؛ یعنی در همان جا [= سازمان محیط زیست] نسبت به این رأی تجدید نظر نمی‌شود.

آقای علیزاده - امکان دادخواهی در دادگاه را نگفته‌اند. چون در قانون [تشکیلات و آیین دادرسی] دیوان عدالت هم این نوع هیئت [در بند (۲) ماده (۱۰) آن]^(۲) وجود ندارد که ما بگوییم می‌توانند مستند به آن، در دیوان عدالت اداری شکایت کنند. این را بگوییم ذکر کنند. چه اشکالی دارد؟

آقای شبزنده‌دار - خوب است که ذکر کنند.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که قبول دارند که بگوییم این ماده این ابهام را دارد یا این ابهام را دارد که ممکن است حکم این هیئت قابل شکایت در دادگاه نباشد، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بله، آقایان این را قبول دارند دیگر.

آقای علیزاده - چند نفر رأی دادند؟

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۰/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/yqI9D

۲. بند (۲) ماده (۱۰) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵: «ماده ۱۰- صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: ...

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدای.»

آقای کدخدائی - هفت رأی آورد.

آقای علیزاده - درست است. رأی آورد.^(۱)

منشی جلسه - حاج آقا، ابهام گرفتید؟

آقای علیزاده - بله، بنویسید چون ذی نفع حق شکایت ...

آقای مؤمن - ... به دستگاه قضایی را ندارد ...

آقای علیزاده - بله، به دستگاه قضایی را ندارد ...

آقای مؤمن - دستگاه قضایی ننویسید؛ بنویسید حق شکایت به دادگستری صالح یا به دادگاه صالح.

آقای علیزاده - ... به مرجع صالح قضایی را ندارد، اشکال دارد یا ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - «تبصره ۱- کمیسیون مکلف است مبنای نظرات خود را در مورد موضوع این ماده از جمله در خصوص محدوده، حریم و فاصله با شهر و روستا را صرفاً با توجه به آلاینده‌گی آنها تعیین کند.

تبصره ۲- متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون (در صورت بررسی در کمیسیون) ضمن پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی، مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند.

در صورت عدم جبران و یا تمرد از تصمیمات سازمان و یا کمیسیون، موضوع مجدداً در کمیسیون مطرح می‌شود و با تصویب کمیسیون، ضمن توقف فعالیت، با شکایت اداره کل محیط زیست، متخلف به مرجع قضایی معرفی می‌شود و با حکم این مرجع به جزای نقدی درجه چهار موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می‌شود.

تبصره ۳- واحدها و پروژه‌های بزرگ و متوسط در حال فعالیت یا جدید که بر

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۲- در فراز سوم ماده (۱۱)، لازم‌الاجرا دانستن تصمیم کمیسیون، این ابهام را دارد که ذی نفع حق شکایت به مراجع قضایی را ندارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

حسب قوانین و مقررات مشمول ارزیابی زیست محیطی می‌باشند، موظف به نصب و راه‌اندازی سامانه‌های پایش برخط لحظه‌ای (آنلاین) و ارسال اطلاعات روزآمد به مرکز پایش سازمان می‌باشند. صدور و تمدید پروانه‌های بهره‌برداری آنها منوط به اجرای این تبصره است.»

آقای سوادکوهی - تبصره (۲) اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - بله؟

آقای سوادکوهی - تبصره (۲) که گفته است «ضمن پرداخت جریمه رفع آلایندگی، مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند»، اشکالی ندارد؟ چون شما به لازم‌الاجرا شدن احکام این کمیسیون اشکال گرفتید، آیا این حکم در اینجا اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - کجا را می‌گویید؟

آقای سوادکوهی - تبصره (۲)؛ همین تبصره‌ی قبلی که داشتید می‌خواندید. چون تصمیمات این کمیسیون لازم‌الاجرا بود، از این جهت، عرض می‌کنم.

آقای علیزاده - اینجا که دیگر لازم‌الاجرا بودن را نمی‌گوید. اینجا فقط در پراتنز می‌گوید: «در صورت بررسی در کمیسیون».

آقای سوادکوهی - بله دیگر؛ چون تصمیم این کمیسیون را لازم‌الاجرا تلقی کرده بودند، [آیا این تبصره، مبنیاً بر آن، ایراد ندارد؟]

آقای علیزاده - خب، اگر ذی‌نفع حکم این کمیسیون را قبول ندارد، به دادگستری می‌فرستد.

آقای سوادکوهی - چون تصمیم این کمیسیون را لازم‌الاجرا تلقی کرده است، می‌گویم این هم مبنیاً، همان اشکال را دارد. چون آن را لازم‌الاجرا تلقی کرده است، می‌گوید باید جریمه و خسارت را پرداخت کند.

آقای علیزاده - این که تصمیم این کمیسیون لازم‌الاجرا است را در بالا گفته است.

آقای سوادکوهی - درست است. حالا تبصره (۲) می‌گوید: «متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون (در صورت بررسی در کمیسیون) ضمن پرداخت جریمه رفع آلایندگی، مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند.»

آقای علیزاده - اینجا نگفته است تصمیمات آنها لازم‌الاجرا است. اینجا [در ادامه‌ی تبصره (۲)]، اصلاً گفته است می‌تواند جریمه و خسارت را ندهد.

آقای کدخدائی - نهایتاً هم گفته است می‌بایست برای رسیدگی، به قوه‌ی قضائیه و مرجع قضایی برود.

آقای سوادکوهی - نه، تصمیم کمیسیون را لازم‌الاتباع دانسته است. شما که به آنجا [= صدر ماده (۱۱)] ایراد گرفتید و گفتید [به دلیل نامعلوم بودن امکان دادخواهی در مراجع صالح دادگستری]، ابهام دارد، خوب حالا اینجا هم این مشکل وجود دارد.

آقای علیزاده - آقای دکتر، اینجا نگفته است که آن تصمیمات لازم‌الاجرا است، بلکه گفته است طرف می‌تواند خسارت و جریمه را هم ندهد و اگر نداد، این حق را از طرف هم گرفته است [که بخواهد در دادگستری دادخواهی کند]؛ گفته است تو نمی‌توانی، بلکه به جای تو، من به عنوان دولت تو را به مرجع قضایی می‌فرستم؛ یعنی در اینجا، معترض، دولت می‌شود.

آقای کدخدائی - متخلف به مرجع قضایی می‌رود.

آقای علیزاده - این اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - تبصره (۴) را بخوانید.

منشی جلسه - «تبصره ۴- کلیه مراکز، واحدهای صنعتی و تولیدی، حسب تشخیص سازمان مکلفند نسبت به نمونه‌برداری و اندازه‌گیری آلودگی هوا، در فاصله زمانی ممکن و در چهارچوب خوداظهاری، در پایش اقدام کنند.

تبصره ۵- حذف شد.

ماده ۱۲- سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه، به مالکان یا مسئولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می‌شود، نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (بر اساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد.

تبصره ۱- تصمیم‌گیری در خصوص تعطیلی کامل کار و فعالیت کارخانجات، معادن بزرگ و واحدهای آلاینده بزرگ که تأثیرات ملی و منطقه‌ای دارند، بر عهده ستادی متشکل از وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس سازمان، استاندار و بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط است.»

آقای سوادکوهی - به نظر شما، این مدتی که اینجا ذکر کرده‌اند، ایرادی ندارد؟ یعنی هیچ مصوبه‌ای از هیئت دولت نمی‌خواهد؟ هر چه خود سازمان تعیین کرد، همان اجرا می‌شود و جریمه هم به آن تعلق می‌گیرد؟ حالا اگر می‌خواهید، ایرادی نمی‌گیریم، ولی به نظر می‌رسد که ماده (۱۲)، از این حیث هم یک اشکالی دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - مفادش چیست؟

آقای علیزاده - این حکم را با توجه به امکانات دستگاه گفته است. مجلس که نمی‌داند چقدر است. این یک کار فنی است.

آقای سوادکوهی - نه، بالاخره آیا این کار یک آیین‌نامه نمی‌خواهد؟ چون الآن برای موارد مختلف متفاوت است. الآن دارند در این مصوبه، همه‌ی آلاینده‌ها را تابع تصمیم این سازمان می‌کنند. آلاینده‌ها هم همین‌طور که در ماده (۱) توصیف شده است، خیلی زیاد است. اگر سازمان مثلاً گفت دو روز یا گفتند ده روز، آیا به این مدت نمی‌شود اعتراض کرد؟ آیا هر چه گفت، باید انجام بدهند و اگر انجام ندادند، به آن جریمه تعلق می‌گیرد؟!

آقای ابراهیمیان - بله دیگر.

آقای سوادکوهی - به نظر می‌رسد این مطلب یک مقدار اشکال داشته باشد.

آقای علیزاده - خب اگر آن واحد یا مرکز این کار را نکرد و این مدت را قبول ندارد و می‌گوید ظرف این مدت نمی‌توانم این کاری را که می‌خواهید بکنم، به دادگستری مراجعه می‌کند دیگر. چه کارش می‌توانند بکنند؟

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده می‌گوید باید جریمه‌ی این مدت را بدهد.

آقای سوادکوهی - فرض کنید جریمه نداد. آیا حالا هر چه سازمان گفت، باید جریمه بدهد؟

آقای مدرسی یزدی - آن واحد یا مرکزی که در این مدت معطل کرده است، حالا در این مدت باید اصلاح کند. باید در این مدت جریمه‌ی آلودگی خود را هم بدهد.

آقای ابراهیمیان - چرا باید جریمه بدهد؟

آقای علیزاده - این را کجا نوشته‌اند؟ جریمه را کجا نوشته است؟

آقای مؤمن - چرا؛ همین‌جا پرداخت جریمه را لازم کرده است.

آقای علیزاده - این را کجا نوشته است؟

آقای مدرسی یزدی - یعنی در این فاصله که برای واحد یا مرکز متخلف این قدر مهلت گرفته شده است، از مهلت [برای اصلاح وضعیت موجود] استفاده می‌کند و در مقابل، جریمه‌ی آن را هم می‌دهد. خود سازمان این اختیار اصلاح را در آن مدت معین به مرکز یا واحد داده است و در مقابل، می‌گوید جریمه‌ی آن را باید بدهی. چه کار باید می‌کرده است؟

آقای سوادکوهی - آخر آلاینده‌ها خیلی زیاد است. معلوم نیست که اصلاح وضعیت موجود آن واحد یا مرکز دو روز طول می‌کشد یا ده روز یا بیشتر.

آقای علیزاده - گرفتن جریمه را کجا نوشته است؟

آقای سوادکوهی - همین قسمت آخری که خواندیم. صدر ماده (۱۲) آمده است.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - کجا است؟ درباره‌ی جریمه چه نوشته است؟

آقای سوادکوهی - می‌گوید: «در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد.»

آقای ابراهیمیان - تعیین مهلت برای واحدهای متخلف هم که دست خود سازمان است.

آقای سوادکوهی - مهلت را خودشان تعیین می‌کنند و بعد، جریمه هم دست خودشان است.

آقای مؤمن - فرض کنید واحد متخلف کارش را تعطیل کرد. اگر این کار را کرد که هیچ، اما اگر کارش را تعطیل نکرد، به مردم لطمه رسانده است و باید جلوی ادامه‌ی فعالیتش را بگیرند.

آقای سوادکوهی - بعد هم مصادیق مختلفی که این آلودگی‌ها دارد، خیلی زیاد می‌شود. ماده (۱) این مصوبه آلاینده‌های زیادی را تعریف کرده است.

آقای علیزاده - گفته است: «سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد

مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه، به مالکان یا مسئولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا...»؛ یعنی سازمان همه‌ی اینها را در نظر می‌گیرد و بعد آن مهلت را تعیین می‌کند دیگر.

آقای سوادکوهی - یعنی اختیار را باید به دولت می‌داده است دیگر.

آقای مؤمن - خب آن واحد، خلاف کرده است.

آقای عزیزاده - اگر سازمان در تعیین مهلت، این ضوابط را رعایت نکرده باشد، این مرکز یا واحد می‌رود شکایت می‌کند و می‌گوید این ضوابط را برای من رعایت نکرده‌اند.

آقای مؤمن - بله.

آقای سوادکوهی - یعنی به نظر من، خلاف اصول (۸۵) یا (۱۳۸) است.

آقای عزیزاده - مجلس که نمی‌تواند این مهلت را تعیین کند. ببینید؛ اگر این اختیار را به عهده‌ی مجلس بگذاریم، مجلس نمی‌تواند بگوید که به فلان کارخانه، این قدر مهلت اصلاح آلاینده‌ها را بدهید و به آن کارخانه‌ی دیگر، آن قدر مهلت بدهند و به کارخانه‌ی آن دیگری، فلان قدر.

آقای سوادکوهی - نه، مجلس می‌تواند بگوید که دولت آن را به تصویب برساند و بعد به مدت زمان اجرای آن اصلاحات، جریمه تعلق بگیرد.

آقای ابراهیمیان - آقای دکتر [سوادکوهی]، این ماده می‌خواهد بگوید تعیین مهلت، موردی است.

آقای عزیزاده - بله، آخر مجلس که نمی‌تواند در مورد مهلت یکی یکی آنها تصمیم بگیرد.

آقای ابراهیمیان - این ماده می‌خواهد بگوید تعیین مهلت، موردی است؛ مثلاً به این کارخانه می‌رویم و می‌بینیم یک کارخانه‌ی بزرگی است و از نظر فنی، انجام اصلاحات، سه ماه وقت می‌خواهد. ممکن است یک کارخانه‌ی دیگر، یک سال وقت بخواهد.

آقای مدرسی یزدی - البته شاید مراد این ماده یک چیز دیگر هم باشد.

آقای عزیزاده - آقای دکتر، تکلیف کارخانه‌های بزرگ را تعیین کرده است. تبصره (۱)

این ماده، تصمیم‌گیری در خصوص کارخانجات، معادن بزرگ و واحدهای آلاینده‌ی بزرگ را تعیین کرده است.

آقای ابراهیمیان - خب حاج آقا، شاید از این نظر ایراد آن رفع بشود که بگوییم این سازمان دو کار می‌تواند بکند: یا می‌تواند واحد خاخی را توقیف کند یا اینکه بگوید توقیف نمی‌کنم، ولی اگر آن واحد همچنان کار کند، جریمه‌اش کند؛ یعنی منطقی است.

آقای علیزاده - آقای دکتر، کارخانجات را به طور کلی به عهده‌ی یک هیئت دیگری گذاشته است. در تبصره (۱) گفته است تعطیلی کامل کار کارخانجات، معادن بزرگ و واحدهای آلاینده‌ی بزرگ که تأثیرات ملی و منطقه‌ای دارند، بر عهده‌ی ستادی متشکل از وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس سازمان، استاندار و بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط است.

آقای ابراهیمیان - بله، این برای این کارخانه‌ها خوب است، ولی آن مراکز و واحدهای بیچاره‌ی دیگر همیشه با سازمان محیط زیست درگیرند. حالا یک مدعی دیگری برای آنها پیدا شده است به نام سازمان حفاظت محیط زیست! ولی حالا ظاهراً چاره‌ای نیست دیگر!

آقای علیزاده - تا الآن در مواد بالا می‌گفتید چرا اختیارات این سازمان کم است، حالا به مواد پایین که رسیدیم، می‌گویید این بیچاره‌ها با این سازمان درگیرند؟! **آقای ابراهیمیان -** بله، آخر همه‌ی اینها یک مشکل دارند و آن اینکه، خرج مردم زیاد می‌شود.

آقای علیزاده - نمی‌دانم؛ حالا شما چه می‌فرمایید؟ می‌فرمایید چه کار کنیم؟

آقای ابراهیمیان - به نظرم، این اشکال رفع شده است.

آقای علیزاده - بله؟

آقای ابراهیمیان - آقای دکتر، می‌گویم به نظرم اشکالش رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، این جریمه، قانونی است. در صدر ماده می‌گوید طبق مفاد این قانون به آنها جریمه تعلق می‌گیرد؛ یعنی صرف نظر از آن تصمیم خاصی که می‌خواهند بگیرند، طبق این مصوبه، جریمه به آنها تعلق می‌گیرد. حالا اگر جلوی ادامه‌ی فعالیتشان را هم بگیریم، این جریمه را باید بدهند. ظاهراً این مد نظرشان بوده است.

آقای علیزاده - نه، جریمه را طبق این قانون می‌دهند، نه اینکه طبق این قانون، صرفاً قابل جریمه باشند؛ یعنی جریمه‌ای که در این مصوبه برای ایجاد و انتشار آلایندگی تعیین شده است، به اینها تعلق می‌گیرد. این ماده چیزی را که شما فرمودید، نمی‌خواهد بگوید.

آقای سوادکوهی - اینها می‌خواهند این جریمه‌ها یک درآمد زیادی برای سازمان داشته باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای سوادکوهی - بعد از این می‌روند سراغ کشاورزان! اگر باز هم هزینه‌هایشان تأمین نشد، از دیگران جریمه می‌گیرند!

آقای مدرسی یزدی - نه، خب آن مراکز و واحدها هم یک چنین چیزهایی را [در خصوص عدم ایجاد و انتشار آلایندگی] مواظبت نکرده‌اند دیگر.

آقای علیزاده - اینجا دارد می‌گوید این کار آنها در حکم آن [جرم ایجاد و انتشار آلایندگی] است. نمی‌خواهد بگوید جریمه را قانون مشخص می‌کند. می‌گوید این عمل هم در حکم آن است. حالا اگر بخواهید ایراد بگیرید، چه می‌خواهید بگویید؟

آقای مدرسی یزدی - یک مفسر باید باشد که فرمایش شما را توضیح بدهد که می‌گویید این در حکم آن است!

آقای علیزاده - ببینید؛ این ماده می‌گوید این کار آنها از جهت مصداقی در حکم آن جریمه‌ای است که ما در آنجا برای ایجاد و انتشار آلودگی تعیین کردیم. حالا می‌فرمایید این تفسیر می‌خواهد! من که دارم فارسی می‌گویم. فرض بفرمایید می‌گوید مجازات کلاهبرداری این است و این عمل هم در حکم کلاهبرداری است. این هم الآن همین را دارد می‌گوید. شبیه به آن است.

آقای سوادکوهی - یعنی شما می‌فرمایید لازم‌الاجرا است دیگر؛ یعنی می‌گویید هر چه این سازمان گفت، لازم‌الاجرا است.

آقای علیزاده - ما چیزی نمی‌گوییم. شما خودتان ببینید چه می‌خواهد بگوید. پیشنهادتان چیست؟ می‌گویید چه کار بکنیم؟ اگر ما بخواهیم ایرادی بگیریم، چه ایرادی بگیریم؟ ایرادی را که ما باید بگیریم، بفرمایید.

آقای سوادکوهی - شما گفتید کمیسیون [مذکور در ماده (۱۱)] که تصمیم گرفت،

لازم الاجرا دانستن تصمیمش ابهام دارد، چرا؟ چون اشخاص حق دارند به تصمیم کمیسیون اعتراض کنند. حالا در اینجا می‌گویید اگر سازمان می‌گوید که این کار را بکن و جریمه‌اش هم می‌کند، [تصمیمش لازم‌الاجرا است؟]

آقای علیزاده - اینجا هم حق اعتراض دارند. شما بفرمایید چرا در اینجا نگفته است تصمیم آنها لازم‌الاجرا است؟

آقای سوادکوهی - نه دیگر، در واقع اینجا هم دارد می‌گوید باید جریمه را پرداخت کنند.

آقای علیزاده - اینجا نگفته است تصمیم آنها لازم‌الاجرا است؛ یعنی یک تصمیمی است که قابل شکایت است.

آقای سوادکوهی - نه، تلقی‌اش همین است که تصمیم این سازمان لازم‌الاجرا است؛ یعنی باید جریمه را بدهد.

آقای علیزاده - نه، اینجا لازم‌الاجرا نیست. سازمان به آنها می‌گوید جریمه بدهید، آنها هم می‌روند شکایت می‌کنند و می‌گویند ما قبول نداریم و مشمول این مصوبه نیستیم. این که اشکالی ندارد. از این جهت، اشکالی ندارد.

آقای کدخدائی - حاج‌آقای علیزاده، برویم سراغ تبصره (۲)؟ تبصره‌ی بعدی را بخوانیم؟

آقای علیزاده - بله. «تبصره ۲- در صورت عدم اجرای مفاد این ماده در پایان مهلت مقرر، سازمان از ادامه فعالیت آنها جلوگیری نموده و متخلف را جهت پیگرد قضایی، طبق مفاد این قانون، به مرجع صالح قضایی معرفی می‌کند. واحد تولیدی علاوه بر جبران خسارت وارده، به پرداخت جریمه نقدی معادل سه تا پنج برابر خسارت وارده به محیط زیست محکوم می‌شود ...

منشی جلسه - ... مجازات مقرر در این تبصره در خصوص مالکان، مسئولان و مدیران کارخانجات، واحدها و کارگاه‌های تولیدی، صنایع نفتی و گازی، نیروگاه‌ها و سایر واحدهای تولیدی، خدماتی و معدنی آلوده‌کننده نیز که پس از تعطیلی رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها نمایند، اعمال می‌شود.

تبصره ۳- حدود مجاز انتشار آلاینده‌های هوا توسط سازمان پیشنهاد می‌شود و به

تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۳- حداکثر یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، تمامی مراکز صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی، اعم از دولتی و غیر دولتی، موظفند از سوخت استاندارد مصوب استفاده کنند. در صورت عدم وجود سوخت مناسب، واحدهای مذکور مکلفند به هر نحو ممکن ترتیبی اتخاذ نمایند تا آلاینده‌های منتشره، در حدود مجاز انتشار آلاینده‌های هوا باشد.

ماده ۱۴- در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی به تشخیص سازمان، فقط از طریق انتقال تمام یا بخشی از خطوط تولید یا تأسیسات یا اماکن آنها به نقاط مناسب امکان‌پذیر می‌باشد و یا فعالیت مراکز مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیاندازد، مالکان و مدیران واحد موظفند در مهلت تعیین شده در طرح انتقال، نسبت به انتقال واحد مربوطه اقدام کنند. مستنکف از مفاد این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل سه درصد (۳٪) درآمد سالانه ناخالص همان واحد محکوم می‌شود.»

آقای سوادکوهی - این تعیین جزای نقدی قاعداً توسط دادگاه است دیگر.

آقای ابراهیمیان - بله، تعیین این جریمه‌ها توسط دادگاه است.

آقای مؤمن - بله، خیلی خوب.

آقای عزیزاده - وقتی جزای نقدی مطرح می‌شود، تعیینش با دادگاه است دیگر.

آقای مؤمن - بله، محکوم به حکم دادگاه است.

منشی جلسه - «تبصره- مکان، زمان، مهلت و منابع اعتباری و تسهیلات و تشویقات لازم جهت انتقال واحدهای فوق‌الذکر، بر اساس آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد سازمان و با همکاری وزارتخانه‌های ذی‌ربط حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۵- شهرک‌ها، مراکز و واحدهای صنعتی و تولیدی جدیدالاحداث مکلفند برحسب اقلیم، حداقل ده درصد (۱۰٪) از فضای تخصیص داده‌شده جهت احداث واحد مربوطه را به ایجاد فضای سبز مشجر و غرس درختان مناسب منطقه

اختصاص دهند. بهره‌برداری از واحدهای مذکور منوط به رعایت این ماده و تأیید آن توسط سازمان است.»

آقای ابراهیمیان - «ماده ۱۶- کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان برای نمونه‌برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی ممانعت کنند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند، به حداقل جزای نقدی درجه هفت و در صورت تکرار به حداقل جزای نقدی درجه چهار موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- تمامی مراکز و واحدهای متوسط پنجاه نفر به بالا موضوع این قانون برای انجام امور مربوط به نمونه‌برداری، اندازه‌گیری، پایش و کنترل مستمر آلودگی هوا مکلف به ایجاد واحد سلامت، بهداشت و محیط زیست (HSE) و به‌کارگیری متخصص محیط زیست می‌باشند.

تبصره ۲- آزمایشگاه‌های معتمد و همکار نیز در صورت ارائه گزارش غیر واقع، به جزای نقدی درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم و در صورت تکرار، تعلیق یا لغو امتیاز می‌شوند.

تبصره ۳- بازرسی سازمان از مراکز طبقه‌بندی‌شده، مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد مشترک سازمان، وزارتخانه‌های «دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» و «اطلاعات» و سازمان انرژی اتمی حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۷- تمامی بهره‌برداران منابع ثابت آلوده‌کننده هوا ملزم به رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها در موتورخانه‌ها و سامانه‌های احتراقی خود هستند. همچنین، این مراکز مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار آلاینده‌ها در هوای آزاد، از سوخت مناسب (ترجیحاً گاز شهری) استفاده کنند و ملزم به انجام معاینه فنی سالانه سامانه موتورخانه و سامانه‌های احتراقی توسط شرکت‌های تأیید صلاحیت‌شده از سوی سازمان ملی استاندارد ایران، مطابق با حدود مجاز انتشار

آلاینده‌ها می‌باشند.

تبصره ۱- مالکان، مسئولان یا رؤسای مراکز اداری، بهداشتی، درمانی، خدماتی، عمومی و تجاری که موجبات آلودگی هوا را فراهم کنند، در صورتی که پس از یک مرتبه تذکر کتبی توسط سازمان، اقدامی برای رفع آلودگی در مهلت مقرر انجام ندهند، به جزای نقدی درجه هشت موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی حسب مورد محکوم می‌شوند و در صورت تکرار، علاوه بر حداکثر جزای نقدی مذکور، با درخواست سازمان و حکم مرجع قضایی صالح به تعطیلی موقت از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند.

تبصره ۲- منابع آلاینده خانگی در کلان‌شهرهای بالای پانصد هزار نفر جمعیت، صرفاً مشمول جزای نقدی می‌شوند.

تبصره ۳- آیین‌نامه اجرایی این ماده از جمله روش‌های تشویقی در مرحله نخست و سپس روش‌های الزام‌آور و نحوه نظارت بر اجرای آن و هزینه‌های معاینات مراکز معاینه‌های دوره‌ای موضوع این ماده توسط سازمان با همکاری وزارتخانه‌های نفت، کشور، راه و شهرسازی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان ملی استاندارد ایران ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تدوین می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۸- وزارت نفت مکلف است حداکثر تا سه سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، سوخت تولیدی کشور از جمله بنزین، نفت گاز، نفت کوره و نفت سفید را مطابق با استاندارد ملی مصوب عرضه کند. سازمان مکلف است از تولید سوخت غیر استاندارد جلوگیری نماید.

پس از مهلت موضوع این قانون، سازمان ملی استاندارد موظف است از واردات سوخت فاقد استاندارد ملی جلوگیری به عمل آورد. وزارت نفت، سازمان ملی استاندارد ایران و سازمان موظفند گزارش عملکرد موضوع این ماده را هر شش ماه یک‌بار منتشر کنند.

ماده ۱۹- وزارت نیرو مکلف است نسبت به توسعه، تولید و عرضه انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک بهینه به نحوی اقدام نماید که حداقل سی درصد (۳۰٪) افزایش

سالانه ظرفیت مورد نیاز برق کشور از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین شود.

ماده ۲۰- انباشت پسماندهای بیمارستانی و صنعتی در معابر عمومی و فضای باز یا سوزاندن آنها و انباشتن پسماندهای خانگی و ساختمانی در معابر عمومی و فضای باز خارج از مکان‌های تعیین شده توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها یا سوزاندن آنها و همچنین سوزاندن بقایای گیاهی اراضی زراعی پس از برداشت محصول ممنوع بوده و متخلف حسب مورد به جزای نقدی درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

وزارت جهاد کشاورزی مکلف است مفاد این ماده را به طرق مقتضی به اطلاع بهره‌برداران بخش کشاورزی، عشایری و منابع طبیعی برساند.

تبصره ۱- تعاریف پسماندهای مندرج در این ماده مطابق قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ می‌باشد.

تبصره ۲- دولت و شهرداری‌ها موظفند ظرف مدت سه سال پس از ابلاغ این قانون برای شهرهای مختلف زمینه‌های تبدیل این پسماندها به انرژی یا کود را با کمک بخش خصوصی فراهم کنند.

تبصره ۳- در موارد استثنایی که آتش زدن نباتات یا بقایای گیاهی تنها راه دفع آفات و بیماری‌ها و آلودگی‌های گیاهی باشد، بر اساس شرایطی که توسط وزارت جهاد کشاورزی و با تأیید سازمان تدوین و ابلاغ می‌شود، اقدام می‌گردد.»

آقای مدرسی یزدی - قبل از اینکه ادامه بدهید، این را بگویم. در تبصره (۳) ماده (۱۶) که الان خواندید، چنین آمده بود؛ می‌گوید: «تبصره ۳- بازرسی سازمان از مراکز طبقه‌بندی شده، مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد مشترک سازمان، وزارتخانه‌های «دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» و «اطلاعات» و سازمان انرژی اتمی حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» جاهایی که مربوط به نیروهای مسلح می‌باشد و تحت نظر فرماندهی کل قوا است، جزء مراکز طبقه‌بندی شده به حساب می‌آید. اینها ربطی به وزارتخانه‌ی دفاع ندارد. وزارت دفاع جدا است و جزء دولت است. اگر بگوییم آیین‌نامه‌ی بازرسی از این مراکز را هم این سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها تهیه می‌کنند و نیروهای مسلح در آن

دخالت نداشته باشند، اشکال دارد دیگر. مثلاً فرض بفرمایید نیروی هوایی سپاه، نیروی دریایی سپاه، ارتش یا جاهای دیگر اصلاً نمی‌خواهند کس دیگری چنین اطلاعاتی را بداند یا اصلاً مصلحت نیست که غیر نیروهای مسلح این موارد را بدانند.

آقای ابراهیمیان - به نظرم این مراکزی که در اینجا گفته است فقط مراکز دولتی نیستند؛ یعنی فقط شامل آنهایی که به خود دولت تعلق دارند، نیست.

آقای مدرسی یزدی - مطلقاً در اختیار بازرسی این سازمان است. مراکز طبقه‌بندی شده‌ای که گفته است شامل همه‌ی این موارد می‌شود؛ اعم از نظامی یا انتظامی یا مدنی است. آن وقت، این بازرسی نسبت به مراکز نظامی، خلاف امنیت کشور است.

آقای ابراهیمیان - اصلاً مراکز نظامی را باید از این بازرسی‌ها استثنا کنند؛ چون بازرسی در آن مراکز، مطابق قواعد خودش است.

آقای مدرسی یزدی - بازرسی در آنجاها باید با اذن ستاد فرماندهی کل قوا باشد.

آقای سوادکوهی - نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌شود؟! باید این طوری باشد! حتماً باید این طوری باشد!

آقای سوادکوهی - نه، این طوری نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - البته محیط زیست اصلاً به آنها کاری ندارد. محیط زیست علی‌القاعده نباید به آنها کاری داشته باشد. استثنا هم بکنند، فرقی نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، اطلاق این ماده این طور می‌گوید.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، اگر اینها را استثنا هم بکنند بد نیست. من می‌گویم مراکز نظامی باید تابع قواعد بازرسی خودشان باشند.

آقای شب‌زنده‌دار - بنده جواب این اشکال شما را این طور عرض می‌کنم که این تبصره می‌گوید آیین‌نامه‌اش را این سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها می‌نویسند. اگر در آن آیین‌نامه، بازرسی از نیروهای مسلح را مشروط [به اذن ستاد کل فرماندهی کل قوا] نکرده باشند، آن آیین‌نامه اشکال پیدا می‌کند؛ اما این تبصره که می‌گوید آیین‌نامه‌ی آن را بنویسند که اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خب، آن شرط را که الان بیان نکرده‌اند.

آقای شب‌زنده‌دار - خب اگر آن را در آیین‌نامه ذکر نکردند، باید به آن اشکال گرفت.

آقای مدرسی یزدی - آن که فایده ندارد؛ این مصوبه نباید در این زمینه اطلاق داشته باشد.

آقای شبزنده‌دار - این ماده که صرفاً دارد می‌گوید آیین‌نامه‌ی آن را بنویسند اشکالی ندارد؛ چون آنها که حق ندارند بر خلاف قوانین مملکت آیین‌نامه بنویسند.

آقای علیزاده - این تبصره گفته است آنها آیین‌نامه‌ی آن را بنویسند. وقتی گفت بنویسند، دیگر آنها هر طور که بخواهند می‌توانند بنویسند. هیئت وزیران هم آن را تصویب می‌کند.

آقای ابراهیمیان - در هیئت تطبیق مجلس، به آن آیین‌نامه‌ها ایراد می‌گیرند.

آقای علیزاده - قوانین مملکت مثل همین قانون است دیگر. این مصوبه هم یک قانون است.

آقای سوادکوهی - نه، ما ماده (۲) این مصوبه را خواندیم دیگر.

آقای شبزنده‌دار - آیین‌نامه‌ها باید در چهارچوب قوانین باشد دیگر. خب یعنی باید بر اساس قانون اساسی باشد.

آقای علیزاده - حاج‌آقا، شما خود این قانون را توجه کنید. الان این قانون دارد اجازه ی این کار را می‌دهد دیگر. گفته است مجاز است. این قانون الان دارد اجازه‌ی آن را می‌دهد. این قانون، مؤخر است و دارد اجازه‌ی آن را می‌دهد.

آقای شبزنده‌دار - نه، این اجازه نمی‌دهد که آن آیین‌نامه برخلاف قوانین باشد.

آقای علیزاده - این را کجا گفته است؟ کجا وضع آیین‌نامه را به رعایت آن قوانین منوط کرده است؟

آقای شبزنده‌دار - چون آیین‌نامه است، باید در چهارچوب قانون باشد. اصلاً ماهیت آیین‌نامه این است که در چهارچوب قوانین باشد.

آقای سوادکوهی - درست است.

آقای علیزاده - نه، در این مصوبه، کجا وضع آیین‌نامه را به رعایت قوانین منوط کرده است؟ این مصوبه مطلق است.

آقای شبزنده‌دار - معنای آیین‌نامه همین است.

آقای علیزاده - نگفته است که این آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

آقای سوادکوهی - شما ماده (۲) این مصوبه را نگاه کنید. همه‌ی دستگاه‌ها را تحت شمول قرار داده است. اینجا هم قاعداً باید این را بپذیرید دیگر؛ مگر آنکه بگویید ماده (۲) هم اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - ماده (۲) چه گفته است؟

آقای سوادکوهی - ماده (۲) می‌گوید: «تمامی اشخاص، دستگاه‌ها و مؤسسات اعم از دولتی و غیر دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است و تمامی اشخاص مستقر در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی موظفند تا مقررات این قانون را رعایت نمایند. سازمان، مسئول نظارت بر حسن اجرای این قانون می‌باشد.»

آقای مدرسی یزدی - این ماده، اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - در این صورت، به ماده (۲) هم باید ایراد بگیریم.

آقای اسماعیلی - ببینید؛ من می‌گویم یک چیزهایی مثل محیط زیست حاکم [بر همه‌ی موضوعات و دستگاه‌ها است].

آقای علیزاده - حداقل ستاد کل نیروهای مسلح باید در تصویب آیین‌نامه‌ها مداخله کند. بفرمایید حضرت آیت‌الله یزدی.

آقای یزدی - اینجا وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم پیشنهاددهنده‌ی آیین‌نامه‌اند. البته پیشنهاددهنده باید با اجازه‌ی مرکز خودش این کار را بکند، اما اینجا نمی‌خواهد بگوید پیشنهاد این آیین‌نامه بدون اجازه‌ی اینها انجام می‌گیرد. این دو تا، پیشنهاددهنده‌ی آیین‌نامه‌اند.

آقای علیزاده - نه، فرمایش حضرت حاج‌آقای مدرسی این است که اینجا بازرسی از مراکز طبقه‌بندی‌شده را ذکر کرده‌اند. مراکز طبقه‌بندی‌شده شامل نیروهای مسلح هم می‌شود. الان اجازه داده است که برای این مراکز هم آیین‌نامه بنویسند.

آقای مدرسی یزدی - بله، حالا این آیین‌نامه را نوشتند که فقط بروند آن را بخوانند؟! آن آیین‌نامه را که می‌نویسند که رعایت کنند.

آقای علیزاده - بله، فرض کنید مأمور حفاظت فیزیکی برای بازرسی به آنجا [= مراکز وابسته به نیروهای مسلح] برود.

آقای یزدی - در مورد این آیین‌نامه‌ای که نوشته می‌شود، این دو وزارتخانه پیشنهاد می‌دهند که چگونه نوشته شود. اینها هم پیشنهاد دهنده هستند.

آقای مدرسی یزدی - چون حل این مسئله خیلی مهم است، باید بیشتر در مورد آن توضیح دهیم. ببینید مشکل چیست و در خصوص مشکل، چه عرض کردیم؟

آقای یزدی - مشکل شما این است که اگر یک آیین‌نامه‌ای مربوط به امور اجرایی باشد و در خصوص نیروهای مسلح هم باشد، باید اجازه‌ی فرماندهی کل قوا را هم داشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - اینجا فرض این است که آنها پیشنهاددهنده برای تنظیم این آیین‌نامه‌اند.

آقای مدرسی یزدی - خب، آنوقت این آیین‌نامه را چه کسی تصویب می‌کند؟

آقای یزدی - خب، وزارت دفاع همین‌طور که هزار کار دیگر انجام می‌دهد، یک کارش هم این است که پیشنهاد بدهد که در آیین‌نامه این‌طور انجام بشود.

آقای مدرسی یزدی - خب آنوقت این آیین‌نامه را چه کسی تصویب می‌کند؟ آیین‌نامه را هیئت وزیران تصویب می‌کند، نه فرماندهی کل قوا.

آقای یزدی - خب بله، درست است. آیین‌نامه را هیئت وزیران تصویب می‌کند، ولی پیشنهاددهنده اینها هستند.

آقای مدرسی یزدی - خب اگر اینها فقط پیشنهاد بدهند [و هیئت وزیران چیز دیگری تصویب کند]، چه فایده‌ای دارد؟

آقای یزدی - پیشنهاد دادنش که اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - ما هم که به این موضوع اشکالی نگرفتیم. اشکالی که گرفتیم این است که این آیین‌نامه‌ای که تصویب می‌شود، توسط دولت تصویب می‌شود و دولت غیر از فرماندهی کل قوا است. دولت نمی‌تواند برای او تکلیف تعیین کند. اشکال ما این است.

آقای یزدی - دولت با پیشنهاد اینها آیین‌نامه را تصویب می‌کند که خود همین پیشنهاد در حقیقت با اجازه‌ی فرماندهی کل قوا بوده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، وزارت دفاع که تحت فرماندهی کل قوا نیست. وزارت دفاع جدا است. وزارت دفاع جزء دولت است.

آقای یزدی - پشتیبانی نیروهای مسلح زیر نظر کجا است؟

آقای ابراهیمیان - وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است.

آقای یزدی - وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یک وزارتخانه است یا دو تا است؟

آقای مدرسی یزدی - یک وزارتخانه است.

آقای یزدی - خیلی خب، اگر یک وزارتخانه است که همه‌اش دولتی است، خیلی خب.

آقای مدرسی یزدی - بله، پس بنابراین نمی‌تواند برای فرماندهی کل قوا تعیین تکلیف کند.

آقای یزدی - پیشنهاد آیین‌نامه را این وزارتخانه داده است.

آقای مدرسی یزدی - خوب بعدش چه کسی آن را تصویب می‌کند؟ بعدش دولت آن را تصویب می‌کند، نه فرماندهی کل قوا و نه ستاد مشترک.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند چون اطلاق این ماده، شامل مراکز طبقه‌بندی شده‌ی نیروهای مسلح هم می‌شود و بدون اجازه‌ی ولی فقیه ...

آقای مدرسی یزدی - بگویید بدون اجازه‌ی فرماندهی کل قوا.

آقای علیزاده - ... بدون اجازه‌ی فرماندهی کل قوا مداخله در امور آنها اشکال دارد، رأی بدهند.

آقای کدخدائی - مغایرت با اصل (۱۱۰)؟

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - مگر این [موضوع حفاظت از محیط زیست] مربوط به فرماندهی است که شما رأی می‌دهید؟

آقای ابراهیمیان - چهار رأی آورد.

آقای علیزاده - پنج رأی.

آقای یزدی - ببینید؛ اگر معنایش این باشد که دولت بدون موافقت رهبری وارد مراکز طبقه‌بندی شده‌ی مربوط به نیروهای مسلح شود، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - معنایش قطعاً همین است.

آقای علیزاده - بله، معنایش این است.

آقای یزدی - نه، معنایش این نیست.

آقای اسماعیلی - بله، این معنا را ندارد.

آقای علیزاده - منوط به اذن فرماندهی کل قوا نکرده است.

آقای اسماعیلی - این بازرسی برای محیط زیست است.

آقای علیزاده - فعلاً پنج رأی دارد.

آقای یزدی - این صرفاً تهیه‌ی یک آیین‌نامه است که در موقع بازرسی باید رعایت شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، آخر ببینید؛ الان فرض بکنید که در یک مرکزی دارند موشک درست می‌کنند. به تصور سازمان حفاظت محیط زیست، این کار یک مقدار مواد مضر برای محیط زیست به وجود می‌آورد، ولی نیروهای مسلح می‌گویند ولو اینکه چنین کاری ضرر دارد، اما برای حفظ امنیت کشور لازم است و ما باید این کار را انجام بدهیم. خوب، اگر سازمان حفاظت محیط زیست بیاید آیین‌نامه‌ای وضع کند و بگوید که ما می‌خواهیم بازرسی کنیم و هیئت وزیران هم آن را تصویب کند، دو عیب دارد: یکی اینکه ممکن است اصلاً حفاظت محیط زیست بخواهد از این کار جلوگیری بکند؛ یکی دیگر اینکه اصلاً نمی‌خواهند که کسی بفهمد که برنامه‌هایشان چیست.

آقای اسماعیلی - آخر این‌طور که نمی‌شود. شما می‌گویید مثلاً موشک بسازند. من می‌گویم ولو اینکه ساخت موشک برای محیط زیست ضرر داشته باشد، آیا لازم است [که ما همچنان آن کار را ادامه دهیم]؟

آقای مدرسی یزدی - بله، ممکن است در یک‌جاهایی لازم باشد.

آقای اسماعیلی - این‌طور که نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - حالا ما اصلاً این را هم نمی‌گوییم. شما اصلاً فرض کنید که می‌خواهیم طرح آنها لو نرود یا جایی که آنها فعالیت می‌کنند، لو نرود. نیروهای مسلح الان شهرک‌های موشکی دارند و نمی‌خواهند جای فعالیتشان لو برود. با این حال، شما می‌فرمایید دولت بیاید این آیین‌نامه را برای بازرسی آنها تصویب کند؟

آقای اسماعیلی - کاری به آنها ندارند.

آقای علیزاده - خیلی خوب، ما فعلاً یک‌بار رأی گرفتیم. بنده و سه نفر از حقوقدان‌ها و از آن طرف هم جناب‌عالی [= آقای مدرسی یزدی]، مجموعاً پنج رأی شد.

آقای مدرسی یزدی - واقعاً در آینده برای ما مشکل ایجاد می‌شود. هر دولتی روی کار بیاید، دوباره مثل همین قضایایی می‌شود که می‌بینید امروز دارند مشکلاتی درست می‌کنند. فرض کنید که این سازمان فردا بیاید بگوید که شهرک‌های موشکی هم باید از لحاظ محیط زیستی بررسی بشوند.

آقای علیزاده - ببینید؛ افشا شدن این فعالیت‌ها ایراد دارد و مضر است. دوم هم اینکه حتی در یک‌جاهایی که خلاف حفظ محیط زیست است، ولی ممکن است مصلحت در این باشد [که آن کار انجام شود]. خلاف محیط زیست بودن، به این معنا نیست که

همه‌ی مردم عالم را از بین ببرد.

آقای مدرسی یزدی - بله، مثلاً ممکن است یک درصدی آلودگی ایجاد کند.

آقای علیزاده - بله، مثل امروز که هوای تهران یک‌خرده به سبب آلودگی ابری می‌شود. توجه فرمودید؟ از این جهت، می‌گویند این ماده اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - نیروهای مسلح فقط از جهت فرماندهی از شمول قواعد عمومی خارجند، ولی از سایر جهات باید تابع قواعد عمومی کشور باشند دیگر. الآن همین‌جا در میدان سپاه را در نظر بگیرید. پادگان بدون مجوز چند طبقه دارد می‌سازد و می‌رود بالا. اصلاً نیروهای شهرداری را به داخل ساختمان راه نداده‌اند. هر چه هم سر و صدا کردند، فایده‌ای نداشت و بالاخره ساختمان را ساختند و رفتند بالا. این درست نیست. کشور را که نمی‌شود این‌طوری اداره کنیم.

آقای علیزاده - آن موارد را باید رعایت کنیم.

آقای اسماعیلی - خب آنجا هم همین‌طور است دیگر. اصلاً ناظران را به داخل راه نمی‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - آن مکان‌ها از مراکز طبقه‌بندی‌شده نیست. مشکلی که این دارد بازرسی از مراکز طبقه‌بندی‌شده است که شامل مراکز محرمانه می‌شود، شامل مراکز سرّی می‌شود و شامل مراکز فوق سرّی هم می‌شود.

آقای اسماعیلی - موضوع بحث چیست؟

آقای علیزاده - در بودجه‌ی کل کشور هم این تفکیک وجود دارد.

آقای اسماعیلی - موضوع بحث چیست؟ موضوع بحث بازرسی راجع به مسائل محیط زیستی است.

آقای مدرسی یزدی - بله، ولی مراکز طبقه‌بندی‌شده مثل مراکز سرّی فرع بر این است.

آقای علیزاده - در بودجه هم، بودجه‌ی مراکز نظامی خودش یک طرق خاص دارد.

آقای اسماعیلی - آن جاهایی که شما مد نظر شریف‌تان است، در شورای عالی امنیت ملی یک آیین‌نامه‌ای وجود دارد که مربوط به اماکن حساس است و اصلاً از همه چیز جدا است.

آقای مدرسی یزدی - خب، پس چرا ما نباید اطلاق این ماده را تقیید بکنیم. پس ما هم باید اینجا را مقید بکنیم. پس [وجود آن آیین‌نامه در شورای عالی امنیت ملی،] تأیید این است که اینجا هم باید تقیید بشود.

آقای اسماعیلی - آنها خودشان دارند این کار را [بر اساس مصوبه‌ی شورای امنیت ملی] انجام می‌دهند. ما نباید در قوانین تقیید کنیم.

آقای مدرسی یزدی - اینکه آنها خودشان دارند این کار را انجام می‌دهند، به این معنا نیست که قانون نباید تقیید بشود.

آقای عزیزاده - حضرت آیت‌الله مدرسی، پنج رأی داشت. آقایان رأی نمی‌دهند. چه کار کنیم؟

آقای موسوی - چند رأی داشت؟

آقای عزیزاده - پنج رأی.

آقای مدرسی یزدی - آخر تصورش مساوی با تصدیق است. منتهای مراتب آقایان گاهی زحمت نمی‌کشند آن را تصور بکنند.

آقای ابراهیمیان - خوب ادامه بدهیم؟

آقای عزیزاده - برویم. بنده خودم رأی دادم. حالا دیگر بگذریم.

آقای ابراهیمیان - «ماده ۲۱- وزارت راه و شهرسازی موظف است هنگام تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، شهرک‌ها و شهرهای جدید و طرح‌های هادی روستایی یا توسعه این مناطق، به نحوی برنامه‌ریزی کند که فصل جداگانه‌ای از مطالعات طرح به بررسی مسائل زیست‌محیطی اختصاص یابد و طراحی شهرها و شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی از نظر فضای سبز و فضای باز، هم‌جواری کاربری‌ها و رعایت حریم‌های قانونی، شبکه معابر و حمل و نقل، ضوابط تراکم ساختمانی، متناسب با شرایط اقلیمی، معیارهای زیست‌محیطی مورد تأیید سازمان و ضوابط، شرایط و استانداردهای پیوست سلامت مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد.

ماده ۲۲- حداکثر تا ده سال پس از ابلاغ این قانون، شهرداری‌های شهرهای بالای پنجاه هزار نفر جمعیت موظفند با همکاری وزارت نیرو و ادارات منابع طبیعی شهرستان، سرانه فضای سبز خود را حداقل به پانزده متر مربع برسانند. تولید و تأمین نهال مورد نیاز (گونه‌های با نیاز آب کم، مقاوم و بومی) بر عهده ادارات منابع طبیعی و عملیات کاشت، نگهداری و بهره‌برداری بر عهده شهرداری‌ها

می‌باشد. وزارت نیرو موظف به تأمین منابع آب مورد نیاز از محل پساب شهر ذی‌ربط، مشروط به استفاده از روش‌های نوین آبیاری توسط شهرداری می‌باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی و سازمان تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۳- دولت مکلف است با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی به منظور ایجاد همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی جهت جلوگیری از ایجاد رخداد گرد و غبار و نیز کاهش خسارات و پیامدهای مخرب آن در سطح کشور و منطقه با هماهنگی و همکاری نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط و مشارکت کشورهای مؤثر و متأثر منطقه، اقدامات لازم را به عمل آورد.

ماده ۲۴- وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری) مکلف است علاوه بر اجرای طرح‌های بیابان‌زدایی مقرر، جهت مهار کانون‌های مستعد بیابان‌زایی و تولید گرد و غبار در داخل کشور، رأساً یا با مشارکت مردم، دستگاه‌های اجرایی محلی و سازمان‌های بین‌المللی با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی و سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی، سالانه حداقل معادل سیصد هزار هکتار نسبت به اجرای اقدامات مقابله با پدیده گرد و غبار با اولویت عملیات بیابان‌زدایی در مناطق بحرانی و کانون‌ها و زیست‌بوم‌های حساس اقدام کند. دولت مکلف است اعتبارات مورد نیاز برای اجرای عملیات موضوع این ماده را هر ساله در بودجه‌های سالانه منظور نماید.»

آقای موسوی - مثل اینکه اینجا [در گزارش مجمع مشورتی حقوقی] نوشته شده است که این ماده در لایحه‌ی دولت پیش‌بینی نبوده است.^(۱)

۱. «... همچنین، عبارت الحاقی به ذیل این ماده، دولت را مکلف کرده است تا اعتبارات لازم برای اجرای عملیات موضوع این ماده را هر ساله در بودجه‌های سالانه منظور کند. لذا روشن است که تکلیف منجز دولت به انجام سالانه حداقل معادل سیصد هزار هکتار عملیات به منظور مقابله با پدیده گرد و غبار که در لایحه دولت نیز پیش‌بینی نشده بوده، بار مالی دارد که محل تأمین آن نیز مشخص نشده و از این جهت، این ماده مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای علیزاده - بله؟

آقای موسوی - ظاهراً این ماده در لایحه‌ی دولت پیش‌بینی نشده بوده است. آن وقت، محل تأمین بار مالی اش هم مشخص نشده است.

آقای ابراهیمیان - مغایر با اصل (۷۵) است؟

آقای موسوی - بله، مغایر (۷۵) است.

آقای یزدی - این مصوبه، به صورت «لایحه» بوده است.

آقای ابراهیمیان - نه، این ماده‌اش را مجلس به لایحه‌ی دولت اضافه کرده است.

آقای علیزاده - بله، این ماده به لایحه‌ی دولت اضافه شده است. اصل (۷۵) می‌گوید در مواردی هم که مجلس چیزی به لوایح اضافه می‌کند، آن هم باید [طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدیدش، معلوم شده باشد].

آقای موسوی - ماده (۲۶) هم ظاهراً همین‌طور است.

آقای ابراهیمیان - ضمناً ما قبلاً گفته بودیم که قید پیش‌بینی در بودجه‌ی سالانه هم رافع اشکال اصل (۷۵) نمی‌شود؛^(۱) یعنی از این طریق، پیش‌بینی محل هزینه‌ها انجام نمی‌شود. بنابراین، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) دارد.

آقای علیزاده - بله، گفتیم اشکال دارد دیگر.

آقای یزدی - ذیل ماده می‌گوید: «دولت مکلف است اعتبارات مورد نیاز برای اجرای عملیات موضوع این ماده را هر ساله در بودجه‌های سالانه منظور نماید.» اشکالش چیست؟

آقای علیزاده - این یعنی اینکه خود مجلس هم قبول دارد که اجرای این ماده خرج دارد؛ یعنی خودش قبول دارد که هزینه دارد.

→

حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۶۰۳۰۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱، ص ۳، قابل مشاهده در نشانی yon.ir/6BtWx

زیر:

۱. بند (۱) نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان راجع به اصل (۷۵): «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، چون این ماده در لایحه‌ی دولت نبوده است و بار مالی دارد، ایراد دارد. اینکه اعتبار مورد نیاز آن را در بودجه پیش‌بینی کنند هم راه حل محسوب نمی‌شود.

آقای عزیزاده - بله، خود مجلس هم قبول دارد که اجرای این ماده هزینه دارد، لذا گفته است که دولت باید هزینه‌اش را در لایحه‌ی بودجه پیش‌بینی بکند. ما قبلاً در این باره گفتیم که اینکه بگویند دولت اعتبارات آن را در لایحه‌های بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی بکند، اشکال اصل (۷۵) را رفع نمی‌کند.

آقای مؤمن - گفته است دولت اعتبارات اینها را هم جزء بودجه‌ی پیشنهادی سالانه‌ی خودش بیاورد.

آقای یزدی - وقتی این لایحه‌ی دولت است، معنایش این است که خود دولت قبول دارد که اجرای اینها بار مالی دارد.

آقای موسوی - نه، این ماده جزء لایحه‌ی دولت نبوده است. این ماده را مجلس اضافه کرده است.

آقای مؤمن - خب، مجلس اضافه بکند؛ می‌گوید دولت در مخارج سالانه‌اش، اعتبارات این کار را هم پیش‌بینی بکند. چه اشکالی دارد؟

آقای عزیزاده - حاج آقا، این ماده را مجلس اضافه کرده است. این ماده در لایحه‌ی پیشنهادی دولت نبوده است.

آقای مؤمن - آقا، اینجا بار مالی جدیدی اضافه نمی‌کند. می‌گوید از بودجه‌ای که دارد، اینجا هم مصرف بکند.

آقای ابراهیمیان - نه.

آقای عزیزاده - اصل (۷۵) را یک بار بخوانیم. اصل (۷۵) می‌گوید: «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

آقای کدخدائی - حاج آقا، در لایحه‌ی دولت [مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۳ هیئت وزیران]، یک ماده (۳۴ مکرر) هست که یک بخشی از بار مالی این را پوشش می‌دهد.

آقای عزیزاده - آنجا چه گفته است آقای دکتر؟

آقای کدخدائی - می‌گوید: «ماده ۲۷- متن زیر به عنوان ماده (۳۴ مکرر) الحاق می‌شود: ماده ۳۴ مکرر- وزارت جهاد کشاورزی مکلف است جهت مهار کانون‌های مستعد تولید گرد و غبار و طوفان شن در داخل کشور، با مشارکت مردم، دستگاه‌های اجرایی محلی، سازمان‌های بین‌المللی و مردم‌نهاد داخلی، از طریق تعمیم طرح ترسیب کرین، نسبت به مقابله با گرد و غبار، با اولویت عملیات بیابان‌زدایی در مناطق بحرانی و کانون‌ها و اکوسیستم‌های حساس، در حد اعتبارات مصوب اقدام نماید.»

آقای عزیزاده - پس گفته است دیگر؛ لایحه‌ی دولت این را گفته است. خیلی خوب، لایحه‌ی دولت این مطلب را دارد آقای دکتر. همین است. برویم دیگر.

آقای ابراهیمیان - در این ماده گفته است: «در حد اعتبارات مصوب».

آقای عزیزاده - این اشکالی ندارد. برویم. پس چطور بوده است که مرکز ما [= مجمع مشورتی حقوقی] این ایراد را گرفته است؟

آقای کدخدائی - در مصوبه‌ی مجلس، عبارت این ماده از لایحه را تغییر داده‌اند.

آقای عزیزاده - خوب بله، عبارت تغییر پیدا کرده است، ولی همان را می‌خواهد بگوید.

آقای ابراهیمیان - «ماده ۲۵- سازمان مکلف است با همکاری وزارت نیرو، نیاز آبی زیست‌محیطی رودخانه‌ها، تالاب‌ها، خورها، دریاچه‌ها و زیست‌بوم‌ها را تعیین و وزارت نیرو متناسب با شرایط ترسالی، عادی و خشکسالی سالانه نسبت به تخصیص حبابه موارد فوق اقدام کند.»

ماده ۲۶- وزارت راه و شهرسازی (سازمان هواشناسی کشور) با همکاری سازمان مکلف است حداکثر ظرف مدت دو سال پس از ابلاغ این قانون، شبکه ملی هشدار و پیش‌آگاهی رخدادهای سیل، طوفان و گرد و غبار را تکمیل کند.»

آقای موسوی - آقای دکتر کدخدائی، این ماده را هم در لایحه‌ی دولت ببینید.

آقای ابراهیمیان - آقای دکتر، می‌گویند این شبکه‌ی ملی هشدار را هم ببینید که در لایحه‌ی دولت بوده است یا نه. ببینید این ماده (۲۶) هم در جایی از لایحه هست یا خیر. در این ماده هم یک سامانه یا یک شبکه‌ای پیش‌بینی کرده است.

آقای کدخدائی - چشم.

آقای علیزاده - آقای دکتر، این شبکه تکمیل شبکه‌ای است که الآن موجود است. ببینید؛ وظیفه‌ی دولت بوده است که این سامانه‌ها را ایجاد کند. حالا این ماده می‌گوید دولت اینها را تکمیل بکند. این چه اشکالی دارد؟ اصلاً نیازی به خواندن لایحه‌ی دولت هم نیست. برویم.

آقای موسوی - نه، باید ببینیم تغییر این ماده نسبت به لایحه‌ی دولت چه بوده است؟
آقای یزدی - من از خود آقای چیت‌چیان [= وزیر نیرو] شنیدم که این طرح این قدر مفید بوده که از آن استفاده شده است. در حال حاضر در کشور خودمان، در همین سیل‌های اخیر، از این شبکه‌ی ملی هشدار استفاده شده است.

آقای علیزاده - بله، ما این را می‌دانیم. الآن این ماده اشکالی ندارد حاج آقا.

آقای ابراهیمیان - بله، از این شبکه استفاده شده است.

آقای علیزاده - توجه فرمودید؟ گفته است دولت باید این شبکه را تکمیل بکند دیگر.

آقای یزدی - تا بتواند در یک یا دو روز قبل، هشدار لازم را بدهد.

آقای ابراهیمیان - بله، مثلاً هشدار می‌دهد که سیل می‌آید.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - بله، سیل یا طوفان.

آقای موسوی - بله، چیز خوبی است، ولی [ممکن است برای دولت بار مالی داشته باشد].

آقای علیزاده - خود آنهایی هم که اصل (۷۵) را نوشته‌اند، منظورشان چنین مواردی نبوده است! برویم.

آقای کدخدائی - آن سامانه‌ی پیشی که [در ماده (۲۵) لایحه‌ی دولت^(۱)] گفته است، [شاید همین شبکه‌ی مذکور در این ماده باشد].

آقای علیزاده - «ماده ۲۷ - وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و

۱. ماده (۲۵) لایحه اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۳ هیئت وزیران:

«ماده ۲۵- متن زیر به عنوان ماده (۳۳ مکرر) الحاق می‌شود:

ماده ۳۳ مکرر- پروژه‌هایی که به موجب قوانین و مقررات مربوط مشمول ارزیابی زیست‌محیطی هستند و حسب تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست نصب و راه‌اندازی و سامانه پایش لحظه‌ای آنها ضرورت دارد، موظف به نصب سیستم‌های پایش لحظه‌ای و ارسال اطلاعات روزآمد، به مرکز پایش محیط زیست کشور می‌باشند.»

آبخیزداری)، راه و شهرسازی و کشور از محل اعتبارات مندرج در ردیف‌های بودجه‌ای و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مالی در اختیار اعم از عوارض و وجوه عمومی طی پنج سال که به تأیید سازمان می‌رسد، مکلفند حریم سبز بزرگراه‌ها و کمربند سبز شهرها و روستاهای تحت تأثیر رخدادهای گرد و غبار را با روش آبیاری مدرن و با اولویت استفاده از پساب‌های شهری و روستایی ایجاد نمایند.»

منشی جلسه - «تبصره ۱- وزارت نیرو مکلف است منابع آب مورد نیاز را از آب مازاد حاصل از تغییر روش آبیاری سنتی به روش آبیاری نوین در مناطق موضوع این ماده تأمین کرده و تخصیص دهد و در صورت کسری منابع، تخصیص لازم را از محل پساب تولیدی یا منابع دیگر تأمین کند.

تبصره ۲- وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) مکلف است حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع در اختیار خود را به توسعه کمربند سبز موضوع این ماده اختصاص دهد و به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پرداخت نماید.

ماده ۲۸- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌های دولتی مکلفند برنامه‌های تولیدشده در زمینه فرهنگ‌سازی، ظرفیت‌سازی، آموزش و اطلاع‌رسانی مورد تأیید از سوی سازمان در خصوص آگاهی و مقابله با پدیده آلودگی هوا، رخدادهای گرد و غبار را در صورتی که ضوابط رسانه‌ای در آن رعایت شده باشد، در قالب برنامه‌های آگهی و یا آموزشی رسانه‌ای با اخذ پنجاه درصد (۵۰٪) بها، اطلاع‌رسانی و پخش کنند. طریقه جبران هزینه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌های دولتی در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌شود.

ماده ۲۹- ایجاد هر گونه آلودگی صوتی توسط منابع ثابت و متحرک ممنوع می‌باشد. در مورد منابع ثابت، مرتکب به جزای نقدی درجه هفت موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - قبلاً آلودگی صوتی تعریف شد که چیست؟

آقای علیزاده - بله؟

آقای مدرسی یزدی - این ماده می‌گوید ایجاد هرگونه آلودگی صوتی ممنوع می‌باشد.

می‌گویم قبلاً آلودگی صوتی دقیق تعریف شده است که چیست؟

آقای کدخدائی - حاج آقا، خود محیط زیست ظاهراً یک تعریفی از آلودگی صوتی دارد.

آقای مدرسی یزدی - این تعریف باید در قانون بیاید. همین طوری که نمی شود.

آقای موسوی - ظاهراً قانون دارد. آلودگی صوتی قانون دارد.

آقای مدرسی یزدی - خب کجاست؟ قانونش کجاست؟

آقای موسوی - عنوانش را الآن آقای نظیف در می آورند.

آقای علیزاده - ادامه می مصوبه را بخوانیم.

آقای مدرسی یزدی - قانونش را بیاورید.

آقای موسوی - آلودگی صوتی قانون دارد؛ مثلاً گفته اند خودروها نزدیک بیمارستانها نباید بوق بزنند یا اینکه صدای مجاز چقدر است و...

آقای کدخدائی - بله، آلودگی صوتی میزان دارد.

آقای موسوی - بله، میزان دارد. واحدش دسی بل است.

آقای مدرسی یزدی - منای این باید قانونی باشد.

منشی جلسه - در این زمینه یک آیین نامه ای تحت عنوان آیین نامه ای اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی [مصوب ۱۳۷۸/۳/۱۹ هیئت وزیران] هست.

آقای علیزاده - خب، لابد این آیین نامه ای اجرایی یک قانون است؛ چون قانون، اجازه - ی تصویب آیین نامه را می دهد.

منشی جلسه - تصویب این آیین نامه به استناد ماده (۲۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا^(۱) است.

آقای علیزاده - بله، برویم.

منشی جلسه - «تبصره ۱- نیروی انتظامی مکلف است راننده وسایل نقلیه موتوری را برای بار اول ملزم به پرداخت جریمه نقدی معادل یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال، در صورت تکرار برای بار دوم به پرداخت دو برابر جریمه مذکور و در صورت تکرار بیش از دو بار، به پرداخت جریمه نقدی معادل سه میلیون

۱. ماده (۲۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۷- ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می باشد. آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم نماید.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان و با همکاری دستگاه‌های مربوطه حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۳۰- سازمان مکلف است با همکاری سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نسبت به جلوگیری از انتشار خارج از حدود تعیین شده کلیه امواج رادیویی، الکترومغناطیسی، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز اقدام و به منظور حصول اطمینان از عدم افزایش میزان و شدت امواج و پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز از حدود تعیین شده در هوای آزاد، شبکه پایش مربوطه را راه‌اندازی کند.

اشخاص حقیقی و حقوقی که حدود تعیین شده انتشار امواج و پرتوهای موضوع این ماده را رعایت نکنند، برای اولین بار به جزای نقدی درجه پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم و در صورت تکرار، علاوه بر حداکثر جزای نقدی، به ضبط اموال و تجهیزات مرتبط نیز محکوم می‌شوند.»

آقای مؤمن - این کلمه‌ی «یون‌ساز» هم ایراد دارد.

آقای علیزاده - این را گفتیم دیگر.^(۱)

منشی جلسه - «تبصره - حدود تعیین شده انتشار امواج و پرتوهای موضوع این ماده توسط سازمان انرژی اتمی ایران و با همکاری مشترک سازمان، وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان ملی استاندارد ایران با رعایت ماده (۲۲) قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸^(۲) ظرف مدت شش ماه از

۱. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۱- در بند یک ماده یک و ماده (۳۰)، چنانچه معادل فارسی واژه «یون‌ساز» و «غیر یون‌ساز» وجود دارد، جایگزین شود.»

۲. ماده (۲۲) قانون حفاظت در برابر اشعه، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- واحد قانونی مسئولیت حُسن اجرای مقررات این قانون را به عهده داشته و مکلف است با به‌کار گماردن متخصصین واجد صلاحیت علمی و فنی و از طریق تهیه و تدوین ضوابط، مقررات، استانداردها و دستورالعمل‌های لازم و به‌کارگیری امکانات تخصصی، آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در سطح علمی پیشرفته روز، تدابیر مقتضی را اتخاذ نماید.»

تاریخ ابلاغ این قانون تدوین می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
 ماده ۳۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و یگان حفاظت سازمان مکلفند به عنوان ضابط دادگستری، در موارد وقوع جرایم مشهود مذکور در این قانون، رأساً یا در صورت اعلام سازمان یا با اطلاع از وقوع جرایم غیر مشهود مندرج در این قانون با نظر دادستان شهرستان ذی‌ربط اقدام لازم را در برخورد با واحدهای آلوده‌کننده یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مربوط به عمل آورند.»

آقای عزیزاده - منظور از برخورد کردن در این ماده چیست؟ مفهوم این برخورد خیلی روشن نیست.

آقای مؤمن - دادستان اجازه‌ی آن را به ایشان می‌دهد.

آقای ابراهیمیان - برخورد کمیته‌ای با آنها می‌کند!

آقای عزیزاده - بله، این برخورد اشکال دارد؛ باید دقیقاً بگویند این ضابطان دادگستری چه کار باید بکنند.

آقای مؤمن - شاید تأیید دادستان را داشته باشند.

آقای عزیزاده - می‌دانم، ولی منظور از این برخورد در اینجا روشن نیست.

آقای اسماعیلی - برخورد قانونی است دیگر.

آقای عزیزاده - برخورد قانونی یعنی دقیقاً چه کار باید بکنند؟

آقای مؤمن - چون با نظر دادستان برخورد صورت می‌گیرد، قانونی است.

آقای اسماعیلی - همین که دادستان بالای سرشان است، یعنی قانونی است.

آقای عزیزاده - می‌دانم؛ اما آیا دادستان می‌تواند متخلفان را بگیرد و بخواباند و شلاق بزند؟

آقای اسماعیلی - نه.

آقای عزیزاده - خب، پس این ماده باید بگوید چطور برخورد کنند؛ باید بگوید این ضابطان مثلاً نسبت به تعطیلی محل یا نسبت به معرفی به دادرسی یا کارهایی مثل این، باید اقدام بکنند.

آقای کدخدائی - بگوید حسب مورد در جهت جلوگیری از آلودگی مثلاً فلان کار را بکنند.

آقای ابراهیمیان - بله، یا مثلاً بگوید دلایل و مدارک را جمع‌آوری کنند.

آقای مدرسی یزدی - گفته است اقدام قانونی را به عمل آورند.

آقای مؤمن - خب، اگر با نظر دادستان باشد، همین است دیگر.

آقای ابراهیمیان - بله، «اقدام لازم»، یک‌خرده ابهام دارد.

آقای علیزاده - کجا را می‌گویید؟

آقای مدرسی یزدی - آنجا که گفته است «اقدام قانونی را به عمل آورند».

آقای علیزاده - این که نگفته است چه کاری باید انجام دهند؛ فقط می‌گوید برخورد کنند. آخر این برخورد باید مطابق با قانون باشد.

آقای مدرسی یزدی - من هم همین را می‌گویم؛ می‌گویم که اینجا گفته است برخورد قانونی باید بکنند.

منشی جلسه - حاج‌آقا، می‌فرمایید واژه‌ی «برخورد» ابهام دارد دیگر.

آقای علیزاده - ببینید؛ دادستان که نمی‌تواند با متخلف برخورد بکند. دادستان فقط می‌تواند بگوید اقدامات اولیه را انجام دهید. در نهایت، محکمه باید حکم را بدهد.

آقای ابراهیمیان - بله، دادستان مثلاً می‌تواند بگوید [تا پیش از صدور حکم محکمه] فعالیتشان را متوقف کنند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - بنویسید که لفظ «برخورد» ابهام دارد.

آقای علیزاده - اصلاً استفاده از لفظ «برخورد» درست نیست.

منشی جلسه - حاج‌آقا، بگوییم واژه‌ی «برخورد» ابهام دارد؟

آقای ابراهیمیان - ابهام بگیریم.

آقای علیزاده - حضراتی که موافقت بنویسیم لفظ «برخورد» ابهام دارد و روشن نیست منظور از آن چیست، بفرمایند؛ بگوییم معنایش را روشن بکنید تا نظر بدهیم. اگر رأی می‌دهید، بفرمایید. رأی آورد.^(۱)

منشی جلسه - «ماده ۳۲- برای رسیدگی به تخلفات و جرایم موضوع این قانون، به تشخیص رئیس قوه قضائیه، شعبه‌ای تخصصی در هر حوزه قضایی اختصاص می‌یابد.

تبصره ۱- آن دسته از کارکنان سازمان که دوره آموزش ضابط دادگستری را زیر نظر دادستان مربوط طی کرده باشند، برای اجرای مفاد این قانون به عنوان ضابط

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «۳- در ماده (۳۱)، واژه «برخورد» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

دادگستری تعیین می‌شوند.

تبصره ۲- وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع آبخیزداری) و سازمان، در دعای حقوقی و کیفی ناشی از فعالیت‌ها، وظایف و تکالیف قانونی مربوطه موضوع این قانون، از پرداخت هرگونه هزینه دادرسی معاف هستند.

ماده ۳۳- صد درصد (۱۰۰٪) درآمدهای حاصل از اجرای این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز تا صرفاً در قالب بودجه سنواتی جهت تکالیف این قانون و مقابله با منابع آلوده‌کننده هوا هزینه شود. بیست درصد (۲۰٪) از وجوه مذکور از طریق مؤسسه عمومی غیر دولتی صندوق ملی محیط زیست به منظور ارائه تسهیلات به منابع آلاینده هوا جهت رفع و کاهش آلودگی هوا اختصاص می‌یابد.

تعدیل میزان جریمه خسارت‌های وارده به محیط زیست مندرج در این قانون هر دو سال یک‌بار توسط سازمان با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و در لایحه بودجه به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

ماده ۳۴- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، تصمیم قانونی راجع به آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ کمیسیون‌های مشترک مجلسین، قانون راجع به اجازه تأسیس مؤسسه استاندارد ایران مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون مواد الحاقی به قانون تأسیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۴۹/۹/۲۴ و اساسنامه مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۴۴/۴/۹ نسخ و اصلاحات ذیل اعمال می‌گردد:

الف- متن ذیل به انتهای بند (۲۰) قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ کمیسیون‌های مشترک مجلسین^(۱) الحاق می‌شود:

۱. ماده (۲۰) قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ کمیسیون‌های مشترک مجلسین که به نظر می‌رسد در مصوبه موضوع بحث، به اشتباه به آن ارجاع داده شده، چنین است: «ماده ۲۰- ورود در محوطه انتخابات با هر نوع اسلحه سرد گرم جز برای مأمورین انتظامی ممنوع است و کسانی که بر خلاف نظم و مقررات رفتار نمایند، به امر رئیس، به وسیله مأمورین انتظامی از انجمن خارج و در صورت لزوم به مراجع قانونی تسلیم خواهند شد.» به نظر می‌رسد همچنان که در نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان نیز آمده است، منظور قانون‌گذار در این قسمت، بند (۲۰) ماده (۵۵) قانون

«این بند با رعایت قانون هوای پاک اجرایی می‌گردد.»

ب- در تبصره (۱) ماده (۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۳،^(۱) عبارت «یک سال» به «دو سال» و «سی هزار کیلومتر» به «چهل هزار کیلومتر» اصلاح می‌شود.

پ- در ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸،^(۲) عبارت «بیش از پنج سال» به عبارت «برای خودروهای شخصی و دولتی چهار سال و برای وسایل نقلیه موتوری عمومی یک سال» اصلاح می‌شود.

ت- کلمه «مؤسسه» مندرج در عنوان و متن قوانین زیر به کلمه «سازمان» اصلاح شود:

۱- قانون عضویت مؤسسه استاندارد ایران در سازمان بین‌المللی استانداردها مصوب ۱۳۴۳/۸/۲۰

۲- قانون اجازه عضویت مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در انجمن جهانی سازمان‌های تحقیقات صنعتی و فنی و کمیته اروپایی بتون و عضویت آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک در کمیته مذکور مصوب ۱۳۵۶/۳/۳۰

→

شهرداری‌ها (اصلاحی ۱۳۴۲/۷/۱۳) بوده است که وظایف شهرداری‌ها را تعیین می‌کند.

۱. تبصره (۱) ماده (۲) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- عرضه‌کننده موظف به رعایت استانداردهای ابلاغی در مورد ایمنی، کیفیت، سلامت خودرو و مطابقت آن با ضمانت ارائه‌شده به مصرف‌کننده می‌باشد.

تبصره ۱- دوره تضمین نمی‌تواند کمتر از یک سال از زمان تحویل خودرو به مصرف‌کننده یا کارکردی برابر با سی هزار کیلومتر (هر کدام زودتر به پایان برسد) باشد.»

۲. ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- رانندگان موظفند هنگام رانندگی، گواهینامه، کارت خودرو و بیمه‌نامه معتبر شخص ثالث و برای خودروهایی که بیش از پنج سال از تولید آنان می‌گذرد، برگه معاینه فنی را به همراه داشته باشند و در صورت مطالبه مأموران راهنمایی و رانندگی آن را ارائه نمایند. مأموران در صورتی مدارک رانندگان را مطالبه می‌کنند که شاهد تخلف از سوی راننده بوده یا تحت تعقیب قضایی یا انتظامی باشد. در صورتی که هیچ یک از مدارک فوق به همراه راننده نباشد، مأموران راهنمایی و رانندگی می‌توانند تا زمان ارائه مدارک، خودرو را متوقف نمایند و در صورتی که یکی از مدارک فوق یا شناسنامه یا کارت شناسایی معتبر به همراه راننده باشد، مأموران مذکور موظفند با اخذ مدرک مذکور و ارائه رسید، بدون توقف وسیله نقلیه، راننده را ملزم به ارائه سایر مدارک و استرداد مدرک اخذشده نمایند. ...»

۳- قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران

مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ و اصلاحیه‌های مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۳ و ۱۳۸۵/۱/۲۰ آن.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۷ مورخ ۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۸۳/۱۴۶۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۱۳۲۶ مورخ ۹۵/۳/۸، لایحه هوای پاک مصوب جلسه مورخ نوزدهم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در تبصره یک ماده (۳)، چنانچه لایحه مد نظر است باید توسط دولت ارائه شود و اگر منظور طرح می‌باشد که تحدید اختیارات مجلس محسوب می‌گردد؛ لذا مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در فراز سوم ماده (۱۱)، لازم‌الاجرا دانستن تصمیم کمیسیون، این ابهام را دارد که ذی‌نفع حق شکایت به مراجع قضایی را ندارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۳- در ماده (۳۱)، واژه «برخورده» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تذکرات:

۱- در بند یک ماده یک و ماده (۳۰)، چنانچه معادل فارسی واژه «یون‌ساز» و «غیر یون‌ساز» وجود دارد، جایگزین شود.

۲- در بند (۳) ماده یک، بعد از واژه «جنگل‌ها»، علامت «ه» به حرف «و» تبدیل گردد.

۳- در تبصره ماده (۴)، بعد از واژه «طی»، عبارت «مدت اجرای» اضافه شود.

۴- در سطر سوم تبصره (۳) ماده (۶)، حرف «به» اضافی حذف گردد.

لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان

آقای عزیزاده - «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان»^(۱)

آقایان این موافقتنامه را مطالعه فرموده‌اند؟

آقای کدخدائی - آقایانی که این موافقتنامه را مطالعه فرموده‌اند، نظر بدهند.

آقای موسوی - در اولین سطر صفحه‌ی دوم این موافقتنامه گفته شده است: «ماده ۱ -

...

ت- «بستگان نزدیک» به مفهوم آن دسته از اشخاصی است که در قانون دولت متبوع محکوم، تعریف شده است. این بستگانِ نزدیک، یک کمی ابهام دارد. باید معنای این کلمه‌ی «نزدیک» مشخص شود.

آقای کدخدائی - قبلاً در یک موافقتنامه‌ی دیگری هم به این مطلب ایراد گرفته بودیم،^(۲) [که با اصرار مجلس، آن مصوبه] به مجمع [تشخیص مصلحت نظام] رفت؛

۱. لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۳۲/۱۴۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت بند (ت) ماده (۳) این مصوبه با موازین شرع را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. پس از آن، شورای نگهبان مجدداً این مصوبه را در جلسات مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ و ۱۳۹۶/۳/۳۱ بررسی کرد و طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که به جز موارد ذکرشده در نامه‌ی قبلی شورا، سایر مواد این مصوبه مغایرتی با موازین شرع ندارد. با وصول نامه‌های شورای نگهبان به مجلس، نمایندگان مجلس با اصرار بر بند (ت) ماده (۳) مصوبه‌ی خود، این مصوبه را بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. بررسی این مصوبه در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۳ در دستور جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت که پس از بررسی، نظر مجلس شورای اسلامی عیناً مورد تأیید قرار گرفت.

۲. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۲۲۱۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۷ شورای نگهبان در خصوص لایحه موافقتنامه انتقال

مجمع هم آن را تأیید کرد.^(۱)

آقای مدرسی یزدی - مجمع، خودش می‌داند.

آقای کدخدائی - بله، ولی می‌گویم که قبلاً شورای نگهبان، همین ایراد را در یک موافقتنامه‌ی دیگر هم گرفته بود.

آقای مدرسی یزدی - ببینید؛ در این مسئله، دو نظر هست: بعضی‌ها می‌گویند که درخواست [انتقال محکوم از جانب بستگان نزدیک، ایراد دارد، ولی بعضی می‌گویند که این درخواست ایرادی ندارد].

آقای موسوی - مشخص نیست که اصلاً بستگان نزدیک چه کسانی هستند.

آقای علیزاده - منظور، بستگان درجه‌ی یک است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، همه‌ی بستگان نزدیک یک فرد که بر او ولایت ندارند. لذا باید خود محکوم هم به انتقالش راضی باشد.

آقای علیزاده - می‌دانم، ولی ایشان [= آقای موسوی] آن جهتش را نمی‌فرماید. ایشان می‌گویند که بستگان نزدیک، معنا ندارد.

آقای موسوی - ابهام دارد.

آقای علیزاده - ولی [به نظر من]، ابهامی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ ابهام دارد.

→

محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان مصوب ۱۳۹۵/۶/۷ مجلس شورای اسلامی: «در بند (۴-۱) ماده (۶)، عموم بستگان چون شامل بستگانی می‌شود که نسبت به محکوم، ولایت شرعی یا قانونی ندارند، در صورت عدم رضایت شخص ایشان، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

۱. نامه‌ی شماره ۹۳۳۶۸/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، در خصوص لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان: «بازگشت به نامه شماره ۱۰۹/۵۶۲۴۳ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲ در خصوص لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان مصوب مورخ ۱۳۹۵/۶/۷ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکصد و دوازده (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود، در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و «نظر مجلس شورای اسلامی عیناً مورد تأیید قرار گرفت». مراتب برای طی مراحل قانونی، ابلاغ می‌گردد.»

آقای علیزاده - «نزدیک»، یعنی همان «الأقرب یمنع الأبعد»^(۱).

آقای اسماعیلی - این ایراد در بند (ت) [بند (۱) ماده (۳)] هم هست.

آقای علیزاده - بله، ایراد فقهی آقایان فقها این است که ممکن است در این موارد، بستگان نزدیک ولایتی بر محکوم نداشته باشند؛ کما اینکه آقایان فقها، همین ایراد را قبلاً در یک مصوبه‌ی دیگری هم گفتند. این اشکال، شرعی است.

آقای کدخدائی - بله، قبلاً هم همین ایراد بود حاج آقا. گفتند بعضی از بستگان نزدیک، ممکن است ولایتی بر محکوم نداشته باشند.

آقای مؤمن - بند (ت) را بخوانید؛ بند (ت) از ماده (۳).

آقای کدخدائی - «ت- محکوم، به انتقال خود رضایت داده یا با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی و روانی او، بستگان نزدیک یا نماینده قانونی وی یا یکی از طرف‌های متعاقد، انتقال او را درخواست کند.»

آقای علیزاده - این، متن بند (ت) است.

آقای کدخدائی - بله.

آقای علیزاده - گفته است بستگان نزدیک یا نماینده‌ی قانونی محکوم می‌توانند درخواست انتقال او را بدهند.

آقای کدخدائی - بله، حاج آقای مؤمن، عرض می‌کنم که در توافقنامه با یک کشوری [=ارمنستان]، همین مسئله مطرح بود. آن‌دفعه هم همین ایراد را گرفتیم.

آقای مؤمن - خب، بنابراین ما این ایراد را به این موافقتنامه هم داریم.

آقای کدخدائی - اگر می‌خواهید، همان ایراد را بنویسیم.

آقای علیزاده - این دو مورد [= بند (ت) ماده (۱) و جزء (ت) بند (۱) ماده (۳)] همان ایراد سابق را دارد. اگر به جای دیگر مصوبه هم ایراد دارید، بفرمایید.

آقای کدخدائی - بله، «بستگان نزدیک» در بند (ت) ایراد دارد.

۱: «قاعده یادشده که به معنای تقدیم افراد نزدیک‌تر به میّت در ارث است، از موجبات ارث نَسَب می‌باشد که دارای سه مرتبه است: اول، پدر و مادر و فرزندان؛ دوم، جدّ و جدّه، برادر، خواهر و فرزندان آنها؛ سوم، عمو و عمه و دایی و خاله و فرزندان آنها...» آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، بی‌جا، فرهنگ قرآن، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۶۰، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/kzywJ

آقای عزیزاده - بند (ت) ماده (۱) و بند (ت) ماده (۳).

آقای مدرسی یزدی - نه، آن بند (ت) ماده (۱) تعریف است. به ماده (۱) که نمی‌شود اشکال وارد کرد؛ چون تعریف است.

آقای عزیزاده - بله، ماده (۱) اشکالی ندارد. فقط بند (ت) ماده (۳) اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - ایراد این است که در صورتی که خود محکوم رضایت نداشته باشد، به صرف رضایت بستگان نزدیکی که بر محکوم ولایت ندارند، [نمی‌توان درخواست انتقال محکوم را داد]؛ یعنی اطلاق «بستگان نزدیک» نسبت به نزدیکانی که ولایت ندارند، مورد اشکال است.

آقای عزیزاده - اطلاق بستگان نزدیک، نسبت به بستگانِ نزدیکی که ولایت یا قیمومت یا این چیزها را ندارند، یعنی سِمَت شرعی و قانونی ندارند، اشکال دارد. درست است؟

آقای مؤمن - بله، این اطلاق، ایراد دارد.

آقای عزیزاده - بله، معنای این عبارت، این است. پس می‌گوییم اطلاق بستگان نزدیک در مواردی که آن بستگانِ نزدیک، سِمَت قانونی و شرعی ندارند، اشکال دارد.

آقای مؤمن - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - بنویسید بستگانی که سِمَت شرعی ندارند؛ سِمَت قانونی چیست دیگر؟!

آقای کدخدائی - من می‌گویم که همان ایراد قبلی را در اینجا هم بنویسیم. این ایراد هم [با اصرار مجلس]، به مجمع می‌رود.

منشی جلسه - این مصوبه، عین همان مصوبه‌ی قبلی است.

آقای عزیزاده - بله، ایرادش هم همان ایراد شرعی است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - البته در اینجا یک موردی را باید استثنا کنیم و بگوییم که اگر یک کسی تقاضای انتقال محکوم را بکند، در صورتی که این تقاضا، احسان محض باشد و این انتقال، قطعاً برای محکوم خوب باشد، این تقاضا عیبی ندارد، ولو اینکه درخواست‌دهنده ولایت بر محکوم هم نداشته باشد.

آقای یزدی - حالا اگر اجازه بدهید، من می‌خواستم تقریباً همین مضمون را منتها با عبارت دیگری بگویم. وقتی یک فرد زندانی در اینجا [= قزاقستان] زندانی است، شاید

خودش نخواهد به ایران منتقل شود، ولی مصلحتش از هر نظر عقلایی ایجاب می‌کند که جایی باشد که پدر و مادرش بتوانند به دیدنش بیایند، فامیلش بتوانند به دیدنش بیایند. حالا یک زندانی هم در یک کشور دیگری اتفاقاً زندانی است که پدر و مادرش نمی‌توانند به دیدنش بروند. اگر ما این زندانی‌ها را مبادله کنیم و فرد زندانی در کشور دیگر، به ایران بیاید، پدر و مادرش می‌توانند به دیدنش بیایند، ولی خود زندانی می‌گوید که نه، من اینجا راحت‌تر هستم؛ هیچ‌کس را هم نمی‌بینم و نمی‌خواهم کسی را ببینم. پدر و مادرم را هم نمی‌خواهم ببینم. پدر و مادر، بر من ولایت دارند، ولی من نمی‌خواهم رویشان را هم ببینم. خب، این زندانی غلط می‌کند که می‌گوید نمی‌خواهم روی پدر و مادرم را ببینم، چرا؟ به خاطر اینکه زندانی دارد مصلحت خودش را در شرایط زندانی بودن می‌بیند، ولی مجموع مدیران زندان، یعنی حکومت آن کشور و حکومت ایران، مصلحت دیده‌اند که این دو تا زندانی را جابه‌جا کنند. این‌طور، مصلحت هر دو زندانی رعایت شده است. وقتی حکومت‌ها مصلحت این دو تا زندانی را رعایت کرده‌اند، این درست مثل این است که ولی آنها این کار را کرده است. ایشان [= آقای مدرسی] می‌فرمایند که حالا اگر مصلحت زندانی در این انتقال باشد و در واقع تقاضای انتقال، احسان مطلق باشد، این درخواست اشکالی ندارد، ولی من می‌گویم که اصلاً فرض این است که این درخواست، مثلاً احسان به شخص است. خب در صورتی که احسان باشد، ولو از طرف بستگان نزدیکش باشد، این درخواست چه اشکالی دارد؟ من می‌خواهم بگویم که اصلاً اگر هیچ‌کدام از زندانی و بستگان او هم این انتقال را نخواستند، ولی نظام این انتقال را خواست، کافی است. فرض کنید مثلاً نظام گفت که ما در آن کشور، پنج زندانی داریم، آنها هم در ایران چند زندانی دارند. این زندانی‌ها را مبادله کنیم؛ زندانی‌های ایرانی را به ایران بیاوریم و زندانی‌های آنجا را به کشورشان ببریم. این کار، به نفع بستگان هر دو زندانی و هر دو کشور از جهت رفت‌وآمد و هزینه‌ها و مخارج خود زندان و همه چیز است. دو تا نظام دیده‌اند که این کار به نفع نظام‌هایشان است، لذا با انتقال زندانی‌هایشان موافقت کرده‌اند. وقتی حکومت جمهوری اسلامی ایران موافقت کرد که زندانی‌های ایرانی در آن کشور به ایران بیایند و زندانی‌های آن کشور در اینجا به کشور خودشان بروند، این موافقت حکومت جمهوری اسلامی ایران، یعنی موافقت حکومت ولی امر. یعنی موافقت

حکومت ولیّ امر هم برای انتقال کافی است.

آقای عزیزاده - امروز بعید است که این ایراد رأی بیاورد؛ چون فقهای حاضر در جلسه، پنج نفر نیستند. امروز این ایراد با این وضع، رأی ندارد. حاج آقای کدخدائی، باید رأی‌گیری این مصوبه، بماند برای جلسه‌ی بعد.

آقای کدخدائی - چرا؛ آقایان فقها رأی می‌دهند.

آقای عزیزاده - ایراد شرعی، چهار تا رأی می‌خواهد دیگر. امروز کل آقایان فقهای حاضر در جلسه، چهار نفرند.

آقای مدرسی یزدی - این، برای جلسه‌ی بعد باشد.

آقای عزیزاده - بله، ادامه‌ی بررسی این مصوبه، بماند برای جلسه‌ی بعد.

آقای مؤمن - در همین موردی که حاج آقای یزدی می‌فرمایند، خودشان قبول دارند که این موافقتنامه با اطلاق این طور نگفته است [که انتقال زندانی به مصلحت اوست]. این موافقتنامه نگفته است که اگر نظام انتقال را تجویز کند، می‌توان زندانی را انتقال داد، بلکه می‌گوید [که اگر بستگان نزدیک زندانی درخواست انتقال بدهند، زندانی انتقال داده می‌شود].

آقای یزدی - بله، بند (ت) نمی‌گوید که نظام، انتقال زندانی را تصویب کند. این بند می‌گوید که درخواست مبادله‌ی زندانی باید از طرف خودش یا بستگانش یا ولیّ او باشد. حالا بعضی از آقایان فقها می‌گویند که اطلاق این بستگان، بلاشکال است. شما می‌گویید که درخواست بستگانی که ولایت ندارند، اشکال دارد. من می‌گویم که اگر نظام این انتقال را قبول کرد، معنایش این است که مصلحتش هست و مصلحت نظام، مصلحت ولایی بر همه است.

آقای اسماعیلی - حالا [ادامه‌ی بررسی این مصوبه، برای جلسه‌ی بعد] بماند.

آقای موسوی - ماده (۱۶) این موافقتنامه^(۱) هم اشکال دارد.

آقای عزیزاده - ایراد ماده (۱۶) چیست، آقای دکتر؟

۱. ماده (۱۶) لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب

۱۳۹۶/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۶- نحوه ارتباط

ارتباط بین وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و دادستانی کل جمهوری قزاقستان از طرف دیگر که طبق این موافقتنامه مراجع مرکزی هستند، از طریق مجاری دیپلماتیک برقرار خواهد شد.»

آقای موسوی - ماده (۱۶)، وزیر دادگستری را رابط قرار داده است که ایراد دارد؛ چون طبق اصل (۱۵۷)، مرجع تامّ امور قضایی، رئیس قوهی قضائیه است.

آقای علیزاده - این ماده، نحوهی ارتباط را گفته است.

آقای موسوی - بله.

آقای علیزاده - «ارتباط» که اشکالی ندارد. بعضی از موارد وظایف وزیر دادگستری، «ارتباط» است دیگر. وزیر دادگستری مأمور ارتباط است. این، چه اشکالی دارد؟ در

قانون اساسی آمده است که وزیر دادگستری رابط است.^(۱)

آقای موسوی - آن وقت، صلاحیت وزیر دادگستری در رابط بودن، تا چه مقداری است؟

آقای مدرسی یزدی - وظیفهی وزیر دادگستری هر ارتباطی نیست؛ منظور، ارتباط بین دولت و قوهی قضائیه است؛ اما این ماده، در مورد ارتباط با کشور خارجی است. در اصل (۱۶۰) هم وظایف وزیر دادگستری احصا شده است.

آقای علیزاده - بالاخره این موافقتنامه، باید یک مقام اجرایی داشته باشد دیگر. ما به این موضوع، ایراد قانون اساسی نداریم.^(۲)

۱. اصل یکصد و شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت، وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.»

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۹/۱۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۳۲/۱۴۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۱۳۲۳ مورخ ۱۳۹۶/۳/۸، لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب جلسه مورخ بیستم اردیبهشت‌ماه یکپهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- در بند (ت) ماده (۳)، عموم بستگان چون شامل بستگانی می‌شود که نسبت به محکوم ولایت شرعی یا قانونی ندارند، در صورت عدم رضایت شخص ایشان، خلاف موازین شرع شناخته شد. علاوه بر ایراد فوق، مصوبه دارای اشکالات متعدد دیگر شرعی است که متعاقباً به تفصیل اعلام خواهد شد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است. این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir